نقش قرض الحسنه در فقرزدایی

از منظر قرآن کریم

نگارنده

منصوره بیگم حاجی میرصادقی



تحمیدیه

**اَلحَمدُلِلّهِ الاَوّلِ بِلا اَوَّلٍ کانَ قَبلَهُ ، وَالاَخِرِ بِلا اخِرٍیَکُونُ بَعدَهُ ،**

**اَلَّذِی قَصُرَت عَن رُؤیَتِهِ اَبصَارُالنَّاظِرِینَ، وَ عَجَزَت عَن نَعتِهِ اَوهَامُ الوَاصِفِینَ.**

**سپاس خدای را که اوّل است و پیش از او اوّلی نبوده و آخر است و پس از او آخری نباشد،**

**خدایی که دیده های بینندگان از دیدنش ناتوانند،**

**و اندیشه های وصف کنندگان از عهده وصفش برنیایند.**

تقدیم

به آستان مقدس پیشوای آزادگان،سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین

و یاران باوفایش، وبه ارواح طیبه امام و شهداء ،

و به قطب عالم امکان ، عصاره ی خلقت ، وارث انبیاء و اولیای الهی،

حجت بن الحسن العسکری ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء

و به بانوی بزرگ اسلام ، مادر بزرگوارسادات،

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا

وتقدیم به مؤمنان خیّر و مؤسسات خیریه و دارالایتام، که در راه فقرزدایی و کم نمودن فاصله طبقاتی، مخلصانه و با پیروی از قرآن کریم ،برنامه های قرض الحسنه را با روش آبرومندانه و با نیّت پاک تأسیس و اداره می‌نمایند ،

و به انسانهای محترمی که صورت خود را با سیلی روزگار سرخ نگاه داشته اند و به فقر و قناعت آبرو می‌بخشند.

و تقدیم به **همسرم**

به خاطر همراهی و یاریش؛

که اگر همراهی ویاری ایشان نبود هرگز این راه را نمی توانستم طی کنم؛

و

فهرست مطالب

پیش گفتار [**Error! Bookmark not defined.**](#_Toc86645586)

[مفاهیم و متغیرها **Error! Bookmark not defined.**](#_Toc86645587)

[مفهوم شناسی 4](#_Toc86645588)

[1 . قرض الحسنه 4](#_Toc86645589)

[اول : تعریف لغوی؛«. 4](#_Toc86645590)

[دوم : تعریف اصطلاحی 5](#_Toc86645591)

[2- فقر زدایی 9](#_Toc86645592)

[اول: تعریف لغوی فقر 9](#_Toc86645593)

[دوم : تعریف اصطلاحی فقر 11](#_Toc86645594)

[سوم : تعریف فقر زدایی 13](#_Toc86645595)

[**3**. توزیع درآمد 14](#_Toc86645596)

[4.احتیاج 15](#_Toc86645597)

[5- واژگان مرتبط با قرض الحسنه 16](#_Toc86645598)

[اول: انفاق 16](#_Toc86645599)

[دوم : صدقه 16](#_Toc86645600)

[سوم : احسان و کارگشایی 17](#_Toc86645601)

[چهارم : ربا 19](#_Toc86645602)

[مبانی تحقیق 20](#_Toc86645603)

[**1. قرض الحسنه در قرآن** 20](#_Toc86645604)

[2-جایگاه و فضیلت قرض الحسنه 26](#_Toc86645605)

[3-انگیزه های احتمالی قرض دهنده: 29](#_Toc86645606)

[4- آداب و شرایط قرض الحسنه : 30](#_Toc86645607)

[اول: آداب زمان انعقاد قرض ؛ 30](#_Toc86645608)

[دوم: آداب زمان پرداخت قرض 30](#_Toc86645609)

[5 - اقسام قرض دهنده و قرض گیرنده 34](#_Toc86645610)

[6- تقسیم افراد جامعه بر اساس احتیاج 35](#_Toc86645611)

[7-آثار قرض الحسنه 36](#_Toc86645612)

[**8**-آثار ترک قرض الحسنه 38](#_Toc86645613)

[فصل اول : نقش قرض الحسنه در فقرزدایی فردی 40](#_Toc86645614)

[الف: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به قرض دهنده 41](#_Toc86645616)

[**1. پس انداز** 41](#_Toc86645617)

[**2. افزایش و برکت در مال و سرمایه** 43](#_Toc86645618)

[**3. جلو گیری از ربا خواری** 48](#_Toc86645619)

[**4. افزایش سخاوتمندی** 49](#_Toc86645620)

[**5. ایجاد روحیه تعاون و همیاری** 52](#_Toc86645621)

[ب: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به قرض گیرنده 53](#_Toc86645622)

[**1-رفع نیازهای ضروری** 53](#_Toc86645623)

[**2-ایجاد روحیه کار و تلاش** 54](#_Toc86645624)

[**3-ایجاد روحیه تعاون و همیاری** 57](#_Toc86645625)

[**4-ایجاد روحیه تملک و مالکیت** 58](#_Toc86645626)

[**5-بالابردن توان قدرت خرید** 58](#_Toc86645627)

[**جمع بندی** 60](#_Toc86645628)

[فصل دوم : نقش قرض الحسنه در فقرزدایی اجتماعی 61](#_Toc86645631)

[**الف: قرض الحسنه عنصر مولد و توزیع مجدد ثروت در جامعه** 62](#_Toc86645633)

[**ب: توزیع عادلانه ثروت و درآمد عمومی** 63](#_Toc86645634)

[**ج: کمک به کاهش هزینه های دولت اسلامی** 68](#_Toc86645635)

[**د : فراهم شدن زمینه ایجاد واحدهای تولیدی** 69](#_Toc86645636)

[**ه : کاهش زمینه های فقر و فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی** 70](#_Toc86645637)

[**و : حذف نظام ربوی و ایجاد بانکداری اسلامی** 72](#_Toc86645638)

[**ز: تأمین زندگی نیازمندان** 74](#_Toc86645639)

[**ح : استفاده از وجوه قرض الحسنه در ایجاد امکانات برای طبقه کم درآمد** 75](#_Toc86645640)

[**ط :کاهش امکان تصرف اغنیا** 77](#_Toc86645641)

[**جمع بندی** 80](#_Toc86645642)

[فصل سوم: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی در مقایسه با روش های دیگر فقر زدایی 81](#_Toc86645645)

[الف: روش های الزامی اسلام در فقرزدایی 82](#_Toc86645648)

[1**-زکات** 82](#_Toc86645649)

[2**-خمس** 84](#_Toc86645650)

[3**-نفقه** 85](#_Toc86645651)

[4-**قانون ارث** 86](#_Toc86645652)

[**5-منع ربا** 87](#_Toc86645653)

[6**-منع احتکار** 89](#_Toc86645654)

[**7- منع اسراف و تبذیر** 91](#_Toc86645655)

[**8- منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار،تقلب و غیره** 92](#_Toc86645656)

[ب: روش های اختیاری اسلام در فقرزدایی 92](#_Toc86645657)

[**1-صدقات** 92](#_Toc86645658)

[**2- قرض الحسنه** 93](#_Toc86645659)

[3-**وقف** 94](#_Toc86645660)

[**4-هدیه** 94](#_Toc86645661)

[**5-هبه** 95](#_Toc86645662)

[**6-** **عاریه** 96](#_Toc86645663)

[ج: تفاوت قرض الحسنه در فقر زدایی با موارد یاد شده 96](#_Toc86645664)

[جمع بندی 98](#_Toc86645665)

[نتیجه 99](#_Toc86645667)

[راهکارها و پیشنهادات 102](#_Toc86645668)

[فهرست منابع 103](#_Toc86645669)

# پیشگفتار

قرض الحسنه یکی از آموزه های بسیار با اهمیت در اسلام بوده و ترکیبی از قرض و صفت حسن است که در مقابل قرض ربوی قرار دارد و مالی است که بدون دریافت هیچ اضافه و سودی به طرف دیگر واگذار می شود که دیگری از آن استفاده کند و در وقت مشخص آن را برگرداند در آیاتی از قرآن کریم به قرض اشاره شده است و در تمامی آن ها طرف قرض خداوند معرفی شده است نه شخص خاص و دلیل این امر آن است که قرض الحسنه جز با نیت الهی و برای رضای خدا صورت نمی گیرد زیرا هیچ سود مادی در آن در نظر گرفته نمی‌شود.

اولین نکته ای که باید در قرض الحسنه به آن توجه کرد این است که قرض الحسنه در مقابل قرض ربوی است ، تحریم شدید ربا در قرآن و احادیث ، گویای آن است که ربا با روح عادلانه و حیات اجتماعی و اقتصادی اسلام در تعارض است. مکتب اقتصادی اسلام برای جلوگیری از شیوع این عمل ناپسند و ظالمانه، قرض الحسنه را به عنوان بهترین شیوه جایگزین برای ربا جهت استفاده متقاضیانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند در نظر گرفته است که ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض الحسنه داوطلبانه به انجام آن اقدام می‌نمایند.

اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند و اساس فرهنگ اسلامی به گونه ای است که با رواج آن و گسترش اجزاء آن، عملاً نابرابری های زیاد درآمدی از بین می رود. نظام اقتصادی اسلام، قرض الحسنه را به عنوان یکی از شیوه ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته است که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات مزبور، می تواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت، نقش فعالی داشته باشد.

نا آشنایی بسیاری از مردم و متولیان امر قرض الحسنه و آثار آن در آموزه های ناب دینی انجام چنین پژوهشی را دو چندان می کند .آن چه در این نوشتار در صدد انجام آن هستیم تبیین موضوع شناخت قرض الحسنه در بین مردم وتشویق وترغیب به این امر خیر می باشد لذا این تحقیق دربخش کلیات و سه فصل تنظیم شده است که در کلیات به مفاهیم فقر و قرض الحسنه ،جایگاه و فضیلت آن ، انگیزه های قرض دهنده وآداب قرض الحسنه و واژگان مرتبط با آن پرداخته شده و آیات آن نیز در تفاسیر مختلف بررسی و ارائه می شود .

در فصل اول به نقش قرض الحسنه در فقر زدایی فردی نسبت به قرض دهنده و قرض گیرنده پرداخته شده است.

در فصل دوم در مورد نقش قرض الحسنه در فقرزدایی اجتماعی ،توزیع عادلانه ثروت ،کاهش فاصله طبقاتی ،حذف نظام ربوی و کاهش امکان تصرف اغنیا مطالبی بیان شده است.

ودر فصل سوم به نقش قرض الحسنه در فقرزدایی در مقایسه با روش های دیگر فقرزدایی پرداخته شده و و روش های الزامی و اختیاری اسلام در فقر زدایی تعریف و در یک بیان کلی تفاوت آنها با قرض الحسنه بیان شده است .

در پایان راهکارهایی برای ترویج قرض الحسنه در جامعه جهت مبارزه با ربا و فقرزدایی از جامعه پیشنهاد شده است.

امید است، مردم با شناخت بیشتر فرهنگ قرض الحسنه ،به این امر خیر تشویق شوند و بدین وسیله بین دنیا و آخرتشان پیوندی برقرار کنند که اجر اخروی این کار به عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض الحسنه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. و بدانند قرض الحسنه به عنوان یک امر مستحب مطرح است و چنان چه بیشتر رعایت شود از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی نزدیک تر می‌شویم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

منصوره بیگم حاجی میرصادقی

16ربیع الثانی 1443

اول آذر1400

قرض الحسنه

لغت قرض‌الحسنه از دو کلمه ترکیب شده است:

[قرض](http://wikifeqh.ir/قرض" \o "قرض)**؛** گونه‌ای از بریدن و قطع کردن است و مالی را که به دیگری داده می‌شود به شرط باز گرداندن (عین یا بدل آن) قرض می‌خوانند. از این‌رو [عرب](http://wikifeqh.ir/عرب) به قیچی که برّنده است، مقراض می‌گویند. استعمال این واژه در [وام بدون بهره](http://wikifeqh.ir/وام_بدون_بهره)، از این‌رو که انسان وقتی می‌تواند به چنین کار نیکی توفیق یابد که دلبستگی به [مال](http://wikifeqh.ir/مال) و [ثروت](http://wikifeqh.ir/ثروت) را از خود ببرّد و قطع کند، وگرنه به چنین توفیقی نخواهد رسید. و معنی دیگر بریدن این است که قرض‌دهنده قسمتی از اموالش را جدا کرده و به قرض‌گیرنده می‌دهد. در فرهنگ های لغت عربی، قرض به معنای اعطای بخشی از مال دانسته شده است، به صورتی که قرض دهنده آن را باز پس گیرد. در اصطلاح فقه اسلامی، قرض، تملیک مال به دیگری با ضمانت است به اینکه بر عهده وام گیرنده بازگرداندن مال باشد، اعمّ از اینکه عین یا مثل و یا قیمت آن است.

حسنه ؛ در [قرآن کریم](http://wikifeqh.ir/قرآن_کریم)، واژه «[حسن](http://wikifeqh.ir/حسن)» صفت قرض قرار گرفته، نه واژه «حسنه». حسن یعنی زیبا و نیکو و قرض نیکو آن است که از [مال حلال](http://wikifeqh.ir/مال_حلال) باشد و آن را با [منت گذاردن](http://wikifeqh.ir/منت_گذاردن) و [اذیت](http://wikifeqh.ir/اذیت)، ضایع نکند.

قرض‌‌الحسنه در اصطلاح فقهی با [انفاق](http://wikifeqh.ir/انفاق) و قرض‌‌الحسنه قرآنی فرق دارد: قرض‌الحسنه فقهی به مالی گفته می‌شود که قرض‌دهنده آن را با قصد استرداد نه رایگان، به کسی می‌دهد، خواه عین آن یا مالیت آن در ضمن مالی دیگر برگردد؛ ولی قرض‌‌الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض‌الحسنه فقهی نیز می‌شود.

## مفهوم شناسی

### 1 . قرض الحسنه

### اول : تعریف لغوی؛«قرض» نوعی بریدن و قطع کردن است و به انتقال از مکان و بریدن از آن نیز قرض می گویند و نیز به آن مالی که به انسان پرداخت می شود به شرط این که خود آن یا بدل آن را ردّ کند قرض گفته می‌شود.[[1]](#footnote-1)

در تفسیر نمونه قرض را اینگونه تعریف کردند:«قرض» در اصل به معنی قطع کردن و بریدن است و وقتی که با واژه «حسن» همراه شود اشاره به جداکردن مال از خویشتن و دادن آن در راه خیر است.[[2]](#footnote-2)

کلمه قرض در آیات قرآن کریم و کتابهای فقهی بکار رفته است . معنای مشهور و شایع قرض در کتابهای لغت ، قطع کردن و بریدن است از این رو در زبان عربی به قیچی که برنده است ،مقراض می‌گویند اگر چه به تناسب کلام در معانی دیگر نظیر روی گرداندن از مکان ،دور شدن از مکان ،به چپ و راست رفتن ،جویدن و پاداش دادن به کار رفته است.

وام را نیز قرض می گویند چون شخص رابطه ملکیت جزئی از اموال را با خود قطع کرده به دیگری می دهد به نیت این که عین مال یا بدل آن را در آینده به او بدهد.[[3]](#footnote-3)

واژه قرض از باب« **قَرَضَ یَقرِضُ**»مثل ضَرَبَ یَضرِبُ بوده و مصدر آن «قَرض» می باشد.درغالب کتب لغوی قرض به معنای قطع کردن و یا بریدن معنی شده است.راغب اصفهانی در تعریف قرض آورده است«آن چیزی که به انسان داده می شود از مالش،به شرط ردّ مثلش».[[4]](#footnote-4)

«قرض نوعی است از بریدن ،قطع مکان و گذشتن از آن را قطع مکان و قرض مکان گویند.و طبرسی فرموده :اصل آن بریدن با دندان است و وام را قرض گویند که شخص جزیی از مال خود را قطع کرده به دیگری می دهد به نیت اینکه خود مال یا بدل آن را بعداً بدهند.»[[5]](#footnote-5)

در کتاب الصحاح نیز قرض را در لغت به معنای اعطای بخشی از مال به صورتی که قرض دهنده آن را باز پس گیرد معنی کرده است.[[6]](#footnote-6)

و در مورد «حسن» گفته شده: «حسن» عبارت است از هر چیزی که خوشحال کننده و خوشایند و مورد رغبت باشد و کیفیت رغبت در آن سه گونه است هم از نظر تعقل و بصیرت و هم از جهت میل و علاقه و هم از نظر حس و دیدن می‌باشد.

در معجم مقاییس اللغه آمده است:«قرض،عبارت است از مقداری از مال که انسان آن را به دیگری می دهد تا نیاز او را برطرف سازد و در موعد مقرر،اصلِ آن مال را بر می گرداند و بدین جهت به آن قرض گفته اند که عمل قرض دادن شبیه آن است که صاحب مال قسمتی از مال خود را قطع می کند و جدا می سازد و آن را به شخص دیگری می‌دهد.»[[7]](#footnote-7)

### دوم : تعریف اصطلاحی

فقیهان امامیه و اهل سنت ،از لفظ قرض معنای یکسانی را در نظر می گیرند و تقریباً در این تعریف اتفاق نظر دارندکه «قرض آنست که مالی به دیگری تملیک شود به طوری که او نیز ضامن پرداخت عین یا مثل یا قیمت آن شود و« قرض عبارت است از این که مالی را به ضمان ،ملک دیگری نمایند،به این که به عهده او باشد خود آن مال یا مثل یا قیمت آن را بپردازد.به تملیک کننده «مقرض» و به قبول کننده ملک «مقترض» و «مستقرض» می‌گویند.»[[8]](#footnote-8)

در غالب کتب لغوی و تفاسیر، تعریف خاصی از قرض الحسنه نیامده است شاید مراد بسیاری از لغت دانان و مفسرین از تعریف «قرض» در آثار خود ، همان قرض الحسنه نیز باشد چرا که اصولاً قرض و قرض حسن هردو در نقطه مقابل «قرض ربوی» قرار دارند. مرحوم طبرسی می گوید : «قرض حسن قرضی است که که از مال حلال باشد و با منت گذاری و آزار ضایع نشود .»[[9]](#footnote-9)

در عرف نیز تعریفی که مردم از قرض الحسنه دارند تقریباً همان تعریفی است که علمای لغت وتفسیر از قرض کرده‌اند، به عبارت دیگر امروزه غالب مردم قرض الحسنه را آن قرضی می دانند که فرد، برای مدتی به هم نوع نیازمند خود می‌دهد و در ازای آن هیچ گونه اضافه ای نمی‌گیرد.

استعمال واژه قرض در وام بدون بهره از این رو است که انسان وقتی می تواند به چنین کار نیکی توفیق یابد که به مال و ثروت دلبستگی نداشته باشد و مهر آنها را از دل ببرّد و قطع نماید و گرنه به چنین توفیقی دست نخواهد یافت .به عبارت دیگر قرض دهنده قسمتی از اموالش را می بُرد و به قرض گیرنده می دهد.گفتنی است قرض منحصر در پول نیست بلکه شامل کالاهای دیگر نیز می شود مثلاً همسایه ای می خواهد عروسی کند و نیاز به فرش و ظرف دارد شما به مدت یک هفته یا یک ماه ، مقداری از ظرف و فرش خود را به او قرض می دهید این کار نیز قرض الحسنه به شمار می آید. پس توفیق انجام انفاق های مالی به بریدگی و وارستگی انسان بستگی دارد چرا که اگر انسان به ثروت دنیا وابسته باشد و از آن دل نکَند هرگز حاضر نمی شود به نیازمندی ، وام بدون بهره بدهد.[[10]](#footnote-10)

واژه قرض در اصطلاح فقهی یکی از عقدهای شرعی است که به واسطه آن کسی مدیون و وامدار دیگری می‌شود . تحقق شرعی قرض دادن به دیگری منوط به ایجاب و قبول است البته به شرطی که دهنده وام شرط زیاده در بازپرداخت وام نداشته و گیرنده مال قصد بازپرداخت وام داشته باشد و معنای دیگر بریدن این است که قرض دهنده قسمتی از اموالش را جدا کرده و به قرض گیرنده می‌دهد.[[11]](#footnote-11)

در تفسیر تسنیم آمده است : قرض الحسنه مصطلح قرآنی باقرض الحسنه فقهی فرق دارد. قرض الحسنه فقهی به مالی گفته می‌شود که قرض دهنده مال معینی را با قصد بازگرداندن به صاحب مال و نه رایگان ، به کسی می‌دهد ؛ خواه عین آن یا مالیت آن مال در ضمن مالی دیگر بازگردد.روایات فقهی نیز بر همین معنی توجه دارند ولی قرض الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی آن معنایی جامع و کامل دارد و شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود، زیرا از نظر قرآن کریم هر کار خیری که انسان برای خدا انجام می‌دهد قرض الحسنه به اوست؛ خواه عبادت مصطلح باشد مانند نماز و روزه ؛ یا انفاق مالی یا کارهای خدماتی و عام المنفعه مانند مسجد و مدرسه سازی؛ یا جبهه رفتن و جهاد در راه خدا، و همه این امور اگر با نیت قربت انجام گیرد قرض الحسنه است.

علاوه بر اینکه، قرض گیرندهِ قرض الحسنه در این آیات خداوند است نه مردم .اگر می فرمود «کیست که به مؤمنان قرض الحسنه دهد»،معلوم بود مراد قرض الحسنه متعارف و مصطلح فقهی است ،اما چون که فرموده : کیست به خدا قرض نیکو دهد، معلوم می‌شود کار خیر یا انفاق مالی که انسان برای خدا انجام می‌دهد رایگان و بدون عوض نیست،چون خداوند هم عین آن را به او باز می گرداند**: وَما تُقَدِّموا لِاَ نفُسِکُم مِن خَیرٍ تَجِدُوهُ عِندَالله**[[12]](#footnote-12) و انسان عین عمل خود (قرض الحسنه دادن ) را می بیند، زیرا مالی که به دیگری قرض داده است گذراست ؛ ولی عمل و کار او که با نیت پاک انجام گرفته است ، با عامل آن مرتبط است و در روز قیامت آن عمل را نزد خدا حاضر می‌بیند.

و هم این که چندین برابر آن پاداش می دهد: **فَیُضاعِفَهُ لَهُ اَضعافاً کَثیرَه** بر این اساس خداوند از انفاق رایگان به قرض الحسنه تعبیر کرده است ، چون عین آن به صاحبش بر می‌گردد.[[13]](#footnote-13)

برای تعریف اصطلاحی «قرض» ،می توان گفت :آن چیزی است که مردم در میان خود،ردّ وبدل کرده و با آن نیازهای یکدیگر را برطرف نمایند.

با توجه به شباهت قرض الحسنه و نیز زمینه بیان قرض حسن در قرآن کریم و احادیث معصومین می‌‌توان گفت قرض حسن نوعی صدقه است که جایگاه آن در کنار زکات های واجب و مستحب بوده و در جهت رفع فقر از جامعه اسلامی عمل می‌کند البته ذکر یک نکته در این جا ضروری است و آن اینکه غالب مفسرین شیعه و سنی در تفسیر قرضاً حسناً که در شش جای قرآن کریم به همین صورت به کار رفته است گفته اند : مراد از این قرض ،انفاق و صدقه است که خداوند از بندگانش تقاضا کرده است.[[14]](#footnote-14)

قرض در اصطلاح فقهی به مالی گفته می‌شود که دهنده آن، رایگان آن را نمی‌دهد، بلکه قصد بازگشت و استرداد عین یا بدل مال را دارد. گاهی انسان مالی را بدون عوض به دیگری می‌دهد که این را به اعتبارهای گوناگون، «هبه» یا «صدقه» و مانند آن می‌گویند ، و گاه مال را رایگان نمی‌هد، بلکه قصد بازگرداندن آن را دارد، منتها نه قصد برگرداندن عین مال ، بلکه قصد استرداد بدل آن را دارد که به این نوع مبادله و معامله، به اعتبارهای گوناگون، «بیع» یا «اجاره» یا «صلح» و مانند آن می‌گویند. اما اگر کسی مالی را به دیگری می‌دهد، نه به قصد رایگان و نه تبدیل به چیز دیگر، بلکه همان مال یا مالیت آن را می‌طلبد ،که در اصطلاح «قرض» نامیده می‌شود. در واقع در معامله قرض، انسان مالیت مال را تملیک می‌کند و همان مالیت را نیز درخواست می‌کند ، نه بدل آن را . البته ممکن است قرض گیرنده هنگام ادا و وفا با موافقت قرض دهنده، آن مالیت را با چیز دیگری همراه کند و بازگرداند یا خود همان مال را بدهد.[[15]](#footnote-15)

### 2- فقر زدایی

### اول: تعریف لغوی فقر

راغب درمفردات ، فقر را چنین تعریف کرده است: **الفقرُ وُجودُ الحاجَةِ الضروریّة و ذلک عامٌّ للانسانِ مادامَ فی دارالدُّنیا ،بَل عامٌّ لِلموجوداتِ کلّها**  و علی هذه قوله**: یا اَیُّهَا النّاسُ اَنتُمُ الفُقَراءُ الی الله ...**.[[16]](#footnote-16)فقر وجود نیاز ضروری است این معنا همه انسانها را تا زمانی که در دنیا هستند و بلکه همه موجودات را شامل می شود به همین معناست آیه «هلا ای مردم! شما نیازمند خدائید وخدا بی نیاز ستوده است.» [[17]](#footnote-17)

«فقردرکتاب‌های اهل لغت، به معنی «حاجت» و «نیاز» آمده است و «فقیر» یعنی کسی که حاجتمند و نیازمند است و احتیاج را از آن رو، فقر گفته‌اند که آن به منزلة شکسته شدن فقار ظَهر یعنی ستون فقرات، در تعذّر رسیدن به مراد است و فاقره را به معنای رنج پشت‌شکن و مصیبتی که مهرة پشت را می‌شکند، بیان نموده‌است.»[[18]](#footnote-18)

« لغت شناسان نیز برای فقر معانی بسیار ذکر کرده اند بخشی از این معانی عبارت است از: تنگدستی،تهیدستی،پریشانی،شکستن ،کنده کاری کردن،دهانه قنات و گودالهایی که در آن نهال خرما می کارند که تنگدستی و تهیدستی از دیگر معانی مشهورتر است. افزون بر این لغت شناسان ،مبتلا به درد کمر و یا شکستگی ستون فقرات را فقیر نگاشته اند بر این اساس ،تهیدست رافقیر می خوانند زیرا ستون فقرات توانایی اش شکسته است.»[[19]](#footnote-19)

و در جایی دیگر در تعریف فقر و فقیر آمده است : فقر از فقار (مهره های پشت )گرفته شده است و فقیر به کسی گفته می شود که مهره های پشتش زیر بار گرفتاری های ناشی از فقر و تنگدستی خم شده باشد. [[20]](#footnote-20)

در الحیاة در تفاوت فقیر و مسکین آمده است:  **الفَقيرُ، الّذي لا يَسألُ، و المِسكينُ الّذي هُو أجهَدُ** **منهُ، الّذي يَسأل‏ ؛**[[21]](#footnote-21) «فقير، كسى است كه درخواست نمى‏كند. مسكين كسى است كه وضع بدترى دارد و درخواست كمك مى‏كند.»

علامه طباطبایی مانند اهل لغت ، ابتدا فقیر را تهیدست معنا می کند و بعد بین این دو واژه مقایسه می کند و موقعیت مسکین را دشوارتر و سخت تر معرفی کرده می‌گوید:تنها ندار را مسکین نمی‌گویند بلکه به کسی که علاوه بر نداری ،دچار ذلت و خواری هم باشد و به خاطر فقر زیاد و مسکنت از روی اجبار از آبرو و حیثیت خود بگذرد و دست نیاز به سوی دیگران دراز کند.و از هرکسی استمداد کند لذا حال مسکین از فقیر بدتر است.[[22]](#footnote-22)

همچنین در روایتی که از امام باقر یا امام صادق نقل شده است آمده است : « فقیر کسی است که سؤال نمی‌کند مسکین حالش از او سخت تر است و کسی است که از مردم تکدّی می کند.» [[23]](#footnote-23)

### دوم : تعریف اصطلاحی فقر

در اصطلاح عرف مردم، به کسی فقیر می گویند که سطح زندگی اش بسیار پائین بوده و از ضروریات زندگی بی بهره باشد.

در اصطلاح فقه نیز منظور از فقیر کسی است که قادر نیست هزینه های اداره زندگی یک سال خانواده اش را آن طوری که در شأن آن هاست برآورده کند و در آینده هم قادر به تهیه آن نیست.[[24]](#footnote-24)

در تفسیر نمونه نیز فرق این دو واژه را چنین بیان کرده است: فقیر کسی است که در زندگی خود کمبود مالی دارد اگر چه مشغول کسب و کاری باشد و هیچوقت دست نیاز پیش کسی دراز نمی کند اما مسکین کسی است که نیازش بیشتر و شدیدتر بوده و کار نمی کند و به همین خاطر دست به گدایی می زند شاهد بر این موضوع را یکی ریشه کلمه مسکین گرفته که از ماده «سکون» است وگویا چنین شخصی براثر شدت فقر ساکن و زمین گیر شده است.[[25]](#footnote-25)

در الحیاة ، در تعریف فقر آمده است :

« فقر عبارت است از نيازمندى انسان، يا بى‏نصيب ماندن از چيزهايى كه براى تأمين زندگى او و كسانى كه در تحت تكفّل او هستند كفايت كند. به عبارتى دقيقتر: فقر عبارت است از نداشتن چيزهايى كه آدمى در زندگى به آنها نيازمند است، و ناقص يا اندك بودن امكاناتى كه شكوفايى قابليّت آدمى و ظهور استعدادهاى او به آنها بستگى دارد.»[[26]](#footnote-26)

در تحریر الوسیله آمده است :« مسکین حالش از فقیر بدتر است یعنی نیازش بیشتر است و آنها کسانی هستند که مخارج سال خود و کسانی که عهده دار خرج آنانند را به نحو شایسته ندارند نه فعلاً و نه تدریجاً.»[[27]](#footnote-27)

اما در اصطلاح روایات ، فقیر به شخصی گفته شده که دارایی و درآمد او از سطح معمول و متوسط جامعه پایین تر است .در نقطه مقابل غنی کسی است که برای تأمین نیازهای ضروری و رفاهی خود، نیازمند دیگران نیست ، بلکه با ثروتی که دارد می تواند آبرومندانه زندگی کند ؛ بنابر این ، فقیر تنها کسی نیست که «به نان شب نیازمند» است ،بلکه اگر کسی به مسکن،ابزار کار و یا وسیله سواری احتیاج داشته باشد ولی نتواند با کار و تلاش خود احتیاجاتش را تأمین کند نیز فقیر است . همینطور اگر کسی مسکن ،سرمایه و وسیله سواری داشته باشد ولی درآمد او کفاف مخارج سالانه اش را نکند فقیر است.

همچنین ، غنی در اصطلاح روایات تنها ثروتمند آنچنانی نیست ،بلکه کسی که به دیگران احتیاج نداشته باشد غنی به شمار می رود ،اگر چه دارایی و یا درآمد بیشترداشته باشد و یا نداشته باشد؛ بنابر این بین دو حالت فقر و غنا ،حالت میانی وجود ندارد ، شخص یا فقیر است و یا غنی.[[28]](#footnote-28)

چون فقیران در شمار گروهی هستند که زکات به آن ها تعلق می گیرد لذا فقیهان مسأله فقر را از نظر مفهوم و حدود آن مورد توجه قرار داده اند .در نظر فقها ، ضابطه فقر به عنوان شرط استحقاق زکات ،عدم کفایت درآمد برای گذران زندگی فرد و افراد تحت سرپرستی وی شمرده می‌شود. از این ملاک متوجه می شویم فقر مورد توجه فقها فقر نسبی است.[[29]](#footnote-29)

چنان که شیخ طوسی در النهایه می فرماید: کسی که زندگی اش با پنجاه درهم می‌گذرد زکات بر او روا نیست اما کسی که با داشتن هفتصد درهم نمی‌تواند به خوبی زندگی اش را اداره کند می تواند زکات بگیرد.[[30]](#footnote-30)

تتبع در کلام فقها و نیز روایاتی که از آنها نقل شده بیانگر آن است که مراد از گذران زندگی تنها اکتفا به کم کردن حدّ معیشت که در اقتصاد ملاک فقر مطلق[[31]](#footnote-31) شمرده می شود ،نیست بلکه به این معناست که فقیر آنگونه کمک و یاری شود تا به سطح زندگی متوسط افراد جامعه دست پیدا کند.البته این در صورتی است که تأمین زندگی همه فقرا در این سطح ممکن باشد .[[32]](#footnote-32)

همه موجودات جهان فقیر و محتاجند، خداوند بی نیازی است که از توانگری ذاتی برخوردار است همانطور که در قرآن کریم به این مطلب اشاره رفته است :

**يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاء إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ [[33]](#footnote-33)**

هرقدر انسان از این نیازمندی بیشتر اطلاع پیدا کند ،به خداوند نزدیکتر می‌شود و به درجات بالاتری از کمال دست می یابد در نتیجه پیامبران و امامان فقیرترین انسان ها بودند و بر این فقر خود افتخار می‌کردند.[[34]](#footnote-34)

### سوم : تعریف فقر زدایی

پدیده شوم فقر، از ناهنجارترین درد ها در زندگی انسان است، و در ابعاد مادی و معنوی زندگی افراد و جامعه ای که در آن زندگی می کند آثار و عوارضی ویرانگر و مخرب دارد.فقر از دوران قبل تاریخ تا امروز ، در اجتماعات بشری بیداد کرده و روان و جسم و جان و هستی انسانها را دستخوش نابودی و تخریب قرار داده است . در قرن حاضرهم با همه پیشرفتهایی که داشته ، بر گسترش و نفوذ بیشترِ این پدیده شوم در خانواده بشری افزوده و چیزی از آن کم نکرده است ماهیت شیطانی نظامهای سرمایه داری غرب با زیر نفوذ قرار دادن سرمایه ها در بخش خصوص جهان سوم ،اکثریت خانواده بشری را به فقر وتهیدستی کشنده ای مبتلا کرده است. [[35]](#footnote-35)

بررسی مشکلات اجتماعی و یافتن علت و شناخت نابسامانیها روشن می سازد که فقر ،اساس مشکلات و نابسامانیها در اجتماع است. هر چقدر واقعیات زندگی را نادیده بگیریم ،این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که انسان در این زندگی در قالبی مادی جای دارد و با وسایلی سروکار دارد و در محیطی واجتماعی زندگی می کند که به وسایل وابزار مادی احتیاج دارد.غذا ،لباس ،مسکن، نظافت، بهداشت و... اینها همه از محصولات طبیعی است. و ماهیت حیات انسانی با این امور مادی پیوندی الزامی و جبری دارد. [[36]](#footnote-36)

امام رضا فقر ومسکنت را کلید همه بدبختی ها می‌داند و می فرماید **:**

**اَلمَسکَنَةُ مِفتاحُ البُؤسِ**  بینوایی کلید بدبختی و بیچارگی است.[[37]](#footnote-37)

### **3**. توزیع درآمد

اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را تخصیص نامناسب منابع به گروهی و محروم ساختن دیگران و نیز به کار نگرفتن توان انسان در بهره برداری از منابع طبیعی می‌داند. بدین سبب برای از میان بردن تخصیص نامناسب ، بر توزیع مناسب درآمد تأکید می‌کند و برای رفع محرومیت قشر دیگر جامعه، درجهت ایجاد انگیزه های کار و تلاش قدم برمی‌دارد. مطلوب نهایی اسلام در توزیع درآمد، مواسات و ایثار است یعنی تقسیم مساوی بین افراد اجتماع و حتی گذشت از انچه که خود به آن نیاز داری.

روش اسلام در توزیع درآمد مبتنی بر اصولی است از قبیل : احترام به حق مالکیت خصوصی با آزادی اقتصادی در کادر محدود ،حق عموم مردم در منابع طبیعی پیش از تولید ، حق تهی دستان در اموال ثروتمندان.

### 4.احتیاج

نیاز و احتیاج با توجه به هدف غایی انسان قابل تعریف است در جهان بینی اسلامی هدف نهایی رسیدن به قرب الهی و عبودیت است. انسان برای کسب آرامش و آسایش در زندگی به خوردن و آشامیدن و مسکن و وسیله سواری و وسایل اولیه زندگی احتیاج دارد تا بتواند بدون نگرانی و دغدغه خاطر به عبادت خداوند بپردازد اما رعایت اعتدال و میانه در امور فوق برای رسیدن به هدف متعالی لازم و ضروری است.

بعضی از نیازهای انسان ثابت است و اصل آن ها با تغییر زمان و مکان و موقعیتش تغییر نمی‌کند ولی ممکن است مصادیق آن تغییر کند مثل خوردن و آشامیدن و ازدواج کردن و عبادت کردن ؛ و خاستگاه آن ها فطرت و ذات انسان است .

برخی دیگر از نیازهای انسان متغیر است و بستگی به موقعیت فرد و فرهنگ حاکم برجامعه ای که فرد در آن زندگی می کند دارد و گستردگی جامعه و پیشرفت علم و فن آوری در آن مؤثر است لذا این نیازها خاستگاه بیرونی دارد و اگر این نیازها با ارزش ها و اصول و قواعد کلی اسلام منافات نداشته باشد و اسراف در آن نباشد و رعایت اعتدال در آن شده باشد از نیازهای واقعی به شمار می‌آید.[[38]](#footnote-38)

رسول گرامی اسلام انسان را از محتاج کردن خود به دیگران و از این و آن چیزی خواستن را منع می‌کند و می‌فرماید:

**يا عليّ! قِلَّةُ طلبِ الحَوائجِ من النّاسِ هُو الغَنى الحاضِر. و كثرةُ الحَوائجِ إلى النّاسِ مَذلَّة، و هو الفَقرُ الحاضر؛[[39]](#footnote-39)**

اى على! از مردم كمتر چيز خواستن، خود ثروتى است موجود، و بيشتر خواستن (و اظهار حاجت كردن)، مايه ذلّت است، و فقرى است موجود.

و در حدیثی دیگر نیز می‌فرماید:

**مَن فَتَحَ عَلى نَفسِه بابَ مَسألةٍ، فَتَحَ اللَّهُ عَلیه سَبعينَ باباً مِن الفَقر، لا يَسُدُّ أدناها شَي‏ءٌ ؛** «هر كس درِ سؤال (از ديگران خواستن) را بر خود بگشايد، خدا هفتاد درِ فقر بر روى او خواهد گشود، كه هيچ چيز كوچكترين آنها را نمى‏بندد.»[[40]](#footnote-40)

### 5- واژگان مرتبط با قرض الحسنه

### اول: انفاق

انفاق از ریشه «نَفَقَ»در اصل به معنای «خارج شدن»است،از این رو «نَفَقَتِ الدّابَّةٌ»به معنای «جانور مُرد» می‌باشد چه روح از بدن جاندار خارج شده است.[[41]](#footnote-41)راغب اصفهانی «نفق » را به معنای«گذشتن ،از میان رفتن و تمام شدن» آورده است.[[42]](#footnote-42)

زمانی که «نَفق»به باب اِفعال می رود (اِنفاق) به معنای خارج کردن مال و اعطای آن به دیگری است.با این حال ،در قرآن ،انفاق مفهوم گسترده ای داشته و شامل بذل مال و غیرمال ،چه واجب و چه مستحب می‌شود. که می توان به انفاقهای مالی از قبیل ،زکات،خمس،حق معلوم ،صدقه و قرض اشاره کرد. انفاقهای غیر مالی نیز مصادیق زیادی دارد مثل زکات علم، زکات بدن ، زکات سلامتی و بسیاری دیگر که در کتب فقهی به شرح آن پرداخته شده است .[[43]](#footnote-43)

### دوم : صدقه

صدقه مالی را می‌گویند که انسان به قصد تقرب و نزدیکی به خداوند ، به کسی که محتاج کمک است می‌دهد و چون نشانه نیّت صادقانه فرد صدقه دهنده در عملش می‌باشد ، صدقه نام گرفته است. این کلمه در فقه بر انفاقهای مستحب اطلاق می‌‌گردد ، ولی در قرآن ، صدقه شامل انفاقهای واجب و مستحب ، هر دو می‌باشد ، برای نمونه در آیه 271 سوره بقره[[44]](#footnote-44) به معنای کلی انفاق (واجب و مستحب) و در آیه 60 سوره توبه [[45]](#footnote-45)به معنای صدقه واجب و فریضه ای از جانب خدا (زکات)است که موارد مصرف آن را فقیران ، مسکینان، کارگزاران جمع آوری زکات، برای بدست آوردن دل مخالفان ،آزاد کردن بندگان ، قرض داران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند بر شمرده است. در روایات ، صدقه ، در مفهومی عام تر و گسترده تر ، که شامل هر کار خیری می‌شود به کار رفته است،چنان که رسول خدابرداشتن مانع از سر راه ، نهی از منکر و پاسخ سلام را از مصادیق صدقه شمرده است چرا که نشان درستی و صداقتِ انسان در عقیده و عملش است.به هر حال کمکِ مالی به نیازمندان از مهمترین مصداقهای صدقه ، محسوب می‌شود .

از منظر قرآن و روایات انفاق و صدقه ،نیاز به ثروت و سرمایه های مادی آنچنانی ندارد،بلکه آدمی از هر آنچه خداوند به او ارزانی داشته ، می‌تواند به طور شایسته انفاق نماید چنان که قرآن می‌‌گوید**:وَ مِمّا رَزَقناهُم یُنفِقُونَ.[[46]](#footnote-46)**

### سوم : احسان و کارگشایی

احسان باب افعال از ماده «حسن» به معنای نیکویی کردن است. قرآن کریم می فرماید:**... لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ**[[47]](#footnote-47) برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیک است، و خداوند از طریق بیان نتیجه احسان ،مردم را به آن تشویق کرده است.

در سوره نحل خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم ، نهی می کند[[48]](#footnote-48) .احسان ونیکوکاری یکی از خصلت ها و منش های کمالی انسان است.می توان جلوه های بسیاری از زیبایی این کار نیک و پسندیده را در کارهای بسیاری جست که گذشت ازخطا و گناه دیگران یکی از آنهاست. جلوه دیگر آن اطعام دیگران به خوراکی ،از سر اخلاص و خلوص است و نماد دیگرش را می‌توان در وام و قرض الحسنه ای جست که به نیازمندی پرداخت می‌شود تا به کارهایش سر و سامان دهد و خود را از مشکلی برهاند.

اهل بیت احسان و گره گشایی را یکی از بهترین و دوست داشتنی ترین کارها نزد خداوند و خودشان معرفی کرده اند . آنان در برخی روایات ،برآوردن نیاز مؤمن را با برخی کارهای نیک دیگر مقایسه کرده و برتر از آنها دانسته اند .[[49]](#footnote-49)

امام صادق در باره احسان و کارگشایی روا کردن حاجت مؤمن می‌فرماید:

**« کسی که به انگیزه رسیدن به پاداش الهی ، در راه برآوردن نیاز مؤمنی گام بردارد تا آن را برایش برآورَد ، خداوند همانند پاداش حج و عمره پذیرفته شده به درگاهش و دو ماه روزه و اعتکاف ماه های حرام در مسجدالحرام را برایش می نویسد، وکسی که با همان نیت گام بردارد، ولی آن را بر نیاوَرَد (موفق به برآوردن آن نشود)، خداوند به سبب آن ، همانند ثواب یک حج مقبول را برایش می نویسد.پس به کارهای نیک بگرائید».[[50]](#footnote-50)**

بنابر این هر مؤمنی باید، دیگر مؤمنان و مسلمانان را همچون جان خود عزیز بدارد؛ با آنان همدردی کند و در سختی های روزگار ، دست یاری به سویشان دراز کند ؛یعنی دردشان را درد خود ، و شادی شان را شادی خود بداند.

از منطر جامعه شناسی احسان و کارگشایی آثار مطلوبی همچون بهبود وضع نیازمندان و کاهش فاصله طبقاتی، کاهش بزهکاری های برخاسته از فقر ،افزایش سطح امید به زندگی و تقویت وحدت و همبستگی اجتماعی به دنبال دارد.

### چهارم : ربا

«الربا» در لغت به معنای زیادی و افزایش است و در شریعت اسلام به معنای زیاده گرفتن در وام یا بیع است ، مورد ربا یا پول است یا جنس. گاهی پول را قرض می‌دهد و بیش از آنچه داده باز پس می گیرد،که این ربای در وام است وگاهی جنسی را می‌دهد و مقدار بیشتری از همان جنس را تحویل می‌گیرد .

انتقاد از رباخواری ، ربا گرفتن و ربا دادن ، از ابتدای اسلام مطرح بوده است در سوره روم که در مکه نازل شده است ، می‌فرماید:

[**وَ ما آتَيْتُمْ مِنْ رِباً لِيَرْبُوَا في‏ أَمْوالِ النَّاسِ فَلا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّه ...**](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=30&AID=39) **[[51]](#footnote-51) ؛ «**یعنی آنچه به قصد ربا می دهید تا برای شما در اموال مردم بیفزاید بدانید که نزد خداوند افزون نمی‌شود.»

و سپس در آیه 130 سوره آل عمران با فرمان **لاتَأکُلُوا الرِّبوا** از آن نهی گردیده و بیشترین انتقاد از ربا خواری در همین آیات آمده است.

آیات مربوط به ربا ، به دنبال آیات انفاق آمده ،تا دو جهت خیر و شر را که توسط مال و ثروت پدید می آید مطرح کند .انفاق یعنی دادن بلاعوض و ربا یعنی گرفتن بلا عوض . هر آثار خوبی که انفاق دارد ،در مقابلش آثار سوئی است که ربا در جامعه پدید می‌آورد.به همین جهت قرآن می‌فرماید:

**يَمْحَقُ الله الرِّبا وَيُرْبِى الصَّدَقات. [[52]](#footnote-52)** خداوند ثروت بدست آمده از ربا را نابود ، ولی صدقات را افزایش می‌دهد.»[[53]](#footnote-53)

در جامعه ای که نظام ربا خواری حاکم است روح همدردی و خیر خواهی و کمک و مساعدت وجود ندارد و به عبارتی دیگر دین حیاتبخش اسلام به روابط اجتماعی سالم و همدلی و همیاری و تأمین نیاز نیازمندان و دستگیری از محتاجان و راه اندازی کار کسانی که در زندگی مشکلاتی دارند اهمیت فراوانی داده و در این راستاست که برای قرض ثواب زیادی قرار داده است . و بر اساس روایات علت حرام بودن ربا این است که مانع این قبیل کارهاست و ربا روح همکاری و خیرخواهی را از بین می برد و بر روح رباخواران جز حرص و سودجویی و ظلم چیز دیگری حکومت نمی کند.[[54]](#footnote-54)

### ج: مبانی تحقیق

### **1. قرض الحسنه در قرآن**

در قرآن سیزده بار با واژه های گوناگون سخن از قرض به میان آمده است هر جا کلمه «قرض» در قرآن آمده به دنبال آن کلمه «حسناً»نیز آمده است از این رو ، در اسلام به وام بی بهره «قرض الحسنه » گفته شده است.در این قسمت به بیان آیات قرض الحسنه در قرآن می‌پردازیم:

**آیه اول:**

[**مَنْ ذَا الَّذي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ**](http://www.tadabbor.org/?page=quran&SID=2&AID=245) **[[55]](#footnote-55)؛ «**کیست که به خدا وام نیکویی دهد (و از اموالی که او بخشیده در طریق جهاد و در طریق حمایت مستمندان )انفاق کند تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند و خداست كه (در معيشت بندگان) تنگى و گشايش پديد مى ‏آورد و به سوى او بازگردانده مى ‏شويد .»

« وام دادن به خداوند به معنی«انفاق فی سبیل الله»است و به گفته بعضی از مفسران انفاقهایی است که در راه جهاد می‌شود.زیرا در آن زمان تهیه هزینه های مختلف جهاد، بر دوش مبارزان مسلمان بود در حالی که بعضی دیگر معتقدند انفاقی را شامل می شود هرچند بعد از آیه جهاد وارد شده است.

ولی تفسیر دوم با ظاهر آیه سازگارتر است به خصوص اینکه معنی اول را نیز در بر می‌گیرد، و اصولاً انفاق در راه خدا ، کمک به نیازمندان و حمایت از محرومان ،همان کار جهاد را می‌کند زیرا هر دو مایه استقلال و سربلندی جامعه اسلامی است.»[[56]](#footnote-56)

یک بحث روایتی: در درالمنثور است که عبدالرزاق و ابن حریر از زید بن اسلم روایت کرده که گفت وقتی آیه **مَنْ ذَا الَّذي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً**  نازل شد ابو الدحداح انصاری نزد رسول آمد و عرضه داشت یا نبی الله آیا درست فهمیده ام که خدا از آنچه به ما عطا فرموده قرض می‌خواهد ؟ حال که چنین است من دو قطعه زمین دارم یکی بالای شهر و یکی پایین شهر ، من هر یک را که بهتر از دیگری تشخیص دادید در راه خدا صدقه می دهم ،رسول خدا مکرر فرمود : چه شاخه های پر برگی در بهشت سایه بر ابی دحداح افکنده اند. [[57]](#footnote-57)

در چندین آیه از قرآن مجید در مورد انفاق در راه خدا تعبیر به قرض و وام دادن به پروردگار آمده است و این نهایت لطف خداوند نسبت به بندگان را از یک سو و کمال اهمیت مسأله انفاق را از سوی دیگر می‌رساند با اینکه مالک حقیقی سراسر هستی اوست و انسانها تنها به عنوان نمایندگی خداوند در بخش کوچکی از آن ،تصرف می‌کنند چنانکه در آیه 7 سوره حدید می‌خوانیم:

**آمِنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمّا جَعَلَکُمْ مُسْتَخْلَفِینَ فِیه ؛ «**ایمان به خدا و رسولش بیاورید و از آنچه خداوند شما را در آن نماینده خود ساخته ، انفاق کنید .»

ولی با این حال برمی‌گردد و از بنده خود استقراض می‌کند آن هم استقراضی با چنین سود بسیار فراوان «کرم بین و لطف خداوندگار»[[58]](#footnote-58)

**آیه دوم :**

**لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنتُم بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ[[59]](#footnote-59)؛** «اگر نماز بپا دارید و زکات بدهید و به رسولانم ایمان بیاورید و آنان را یاری کنید و قرض الحسنه به خدا بدهید گناهان شما را محو می‌کنم و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می‌کنم.

دستوری که در این آیه به پرداخت قرض الحسنه داده شده به قدری اهمیت دارد که آن را پس از نماز ، زکات ،ایمان و یاری رسولان خدا،ذکر کرده و پاداش آن را بخشش گناهان و بهشت نعیم می‌داند و می‌گوید قرض الحسنه ،قرض دادن به خداست؛ یعنی مورد پذیرش حق است و خدا دستش را به جای مستمند قرار می‌دهد.[[60]](#footnote-60) آیه فوق با واژه جمع آمده و به عموم مردم از زن ومرد خطاب شده است لذا این اصل مقدس مانند نماز و زکات باید در سطح وسیع و همگانی انجام شود [[61]](#footnote-61)

**آیه سوم:**

**إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ[[62]](#footnote-62)؛** «اگر شما به خدا قرض الحسنه دهید آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را مشمول آمرزش خویش می ‌‌گرداند و خدا شکر گزار و بردبار است.»

در تفسیر نور ذیل این آیه آمده است : منظور ازقرض دادن به خدای متعال ، انفاق در راه خداست و اگر این عمل را قرض دادن به خدا و مال انفاق شده را قرض حسن نامیده اند به جهت ترغیب مسلمانان به انفاق بوده است.[[63]](#footnote-63)

**آیه چهارم :**

**إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ [[64]](#footnote-64)؛**

« همانا مردان و زنانی که در راه خدا (به فقیران) صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند (یعنی به محتاجان قرض الحسنه دهند) احسان آنها را چندین برابر سازند و پاداش با لطف و کرامت نیز خواهند داشت. »

بعضی احتمال داده اند که منظور از قرض الحسنه به خداوند در آیه فوق و آیات مشابه آن به معنی وام دادن به بندگان است برای این که خداوند بی نیاز است و نیازی به وام ندارد این بندگان مؤمن هستند که نیاز به وام دارند ولی با توجه به سیاق آیات چنین به نظر می رسد که منظور از قرض الحسنه در همه آیات همان **« انفاق فی سبیل الله »** است اگر چه وام دادن به بندگان خدا نیز فضیلت بسیار زیادی دارد.[[65]](#footnote-65)

در این آیه مبارک به دو اصل،اصول دیانت و فروع دیانت اشاره نموده یکی ایمان به اصول دیانت است که از کلمه  **المصدقین و المصدقات** برداشت می شود و راجع به زکات و قرض الحسنه می‌باشد و دیگر زکات و باقی وجوهی که **«فی سبیل الله»** انفاق می شود که از فروع دیانت و ایمان به حساب می‌آید.

و مردان و زنان با ایمان یعنی کسانی که به خدا و پیامبر اوایمان دارند و اموال خود را در راه رضای پروردگار خود انفاق می‌کنند ، مورد لطف خود قرار داده و برای آنان پاداش بزرگ فراهم کرده و نظر به اهمیت انفاق است که با این که خداوند خود مالک و صاحب هر چیزی است با این حال از راه لطف به بندگان در مقام این است که برای تشویق و ترغیب آنان، انفاق را به منزله قرض به خود معرفی کرده و اشاره به این مطلب دارد که همان طوری که قرض به صاحبش برمی‌گردد همین طور انفاق فی سبیل الله از جانب خداوند به اضعاف مضاعف عوض داده می‌شود.[[66]](#footnote-66)

**آیه پنجم :**

**...........وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ؛ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ [[67]](#footnote-67)** «نماز به پا دارید و زکات را ادا کنید و از طریق انفاقهای مستحبی به خدا وند قرض الحسنه دهید و بدانید آنچه را از کارهای خیر برای خود از پیش می‌فرستید آن را نزد خدا به بهترین وجه وبزرگترین پاداش خواهید یافت و دائم از خدا آمرزش طلبید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است .»

در تفسیر نمونه آمده است که منظور از دادن «قرض الحسنه» به خداوند همان انفاقهای مستحبی است و این بزرگوارانه ترین تعبیری است که در این زمینه می توان تصور کرد چرا که مالک تمام املاک ،از کسی که مطلقأ فقیر است و از خود چیزی ندارد طلب قرض می کند تا به این وسیله او را تشویق به انفاق و ایثار و کسب فضایل این عمل خیر کند وتکامل یابد.[[68]](#footnote-68)

**آیه ششم:**

**مَن ذَا الَّذِى يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ‏ [[69]](#footnote-69)؛**«كيست كه به خدا وام نیکودهد،( و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند )، تا خداوند آن را براى او چندین برابر كند و براى او اجر فراوان پرارزشی است.»

آیات قبل به انفاق اشاره دارد در این آیه برای تشویق در مورد «انفاق فی سبیل الله » از تعبیر جالب دیگری استفاده کرده می گوید **: «كيست كه به خدا وام نیکودهد،( و از اموالیکه به او ارزانی داشته انفاق کند ، تا خداوند آن را براى او چندین برابر كند و براى او اجر فراوان پرارزشی است.»**

تعبیر عجیبی در این آیه دیده می‌شود ،خدایی که خود تمام نعمتها را به ما بخشیده و همه ذرات وجود ما لحظه به لحظه از دریای بی پایان فیض او بهره مند می‌شود و مملوک او است و ما را صاحبان ثروت و اموال شمرده و در مقام گرفتن وام از ما برآمده و برخلاف وامهای معمولی که عین همان مقدار را پس می‌دهند خداوند چندین برابر ،گاه صدها و گاه هزار برابر آن اضافه می‌کند وعده «اجر کریم» که پاداشی عظیم و بزرگ است که اندازه اش را جز خدا نمی‌داند نیز به قرض دهنده می‌دهد.[[70]](#footnote-70)

### 2-جایگاه و فضیلت قرض الحسنه

با توجه به بیان قرض الحسنه در قرآن و سنت می‌توان گفت قرض الحسنه در نظام اخلاقی مکتب اسلام از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. در واقع روح حاکم بر قرض الحسنه بیش از آن که متأثر از مسائل اقتصادی باشد متأثر از مسائل اخلاقی است به عبارت دیگر می توان گفت قرض الحسنه یک عمل اخلاقی است که دارای تأثیرات اقتصادی و فردی اجتماعی و نیز اخروی می‌باشد.

شاید بتوان قرض الحسنه را نیز مانند انفاق یک سنت به یادگار مانده اخلاقی از قرآن کریم و نیز معصومین برشمرد ، سنتی که در فرد وجامعه می تواند منشأ بسیاری از آثار و برکات حسن باشد.

در دین مبین اسلام که دین اخلاق و انسانیت است توجه به نیازها و مشکلات یکدیگر و تلاش برای رفع آن ها ، شرایط لازم و لاینفک مسلمانی شمرده است.بی توجهی به نیازهای همنوعان و بی تفاوت بودن نسبت به مشکلات یکدیگر هیچوقت نمی‌تواند از ویژگی های یک انسان مؤمن و مکتبی باشد .کسی که در مکتب اسلام پرورش یافته و خود را مؤمن به این مکتب می‌داند هرگز نمی تواند نسبت به توصیه های آن بی تفاوت باشد و البته انسان مکتبی می داند اگر به تک تک توصیه های این مکتب عمل کند نوری به قلب و وجود او می‌تابد تا هدایت گر او در تاریکی های زندگی باشد .

قرض الحسنه در مکتب اسلام جایگاهی مخصوص دارد و تأکید اسلام برای کمک به فقرا و مستمندان به معنی پذیرش فقر نیست بلکه تلاشی برای برکندن فقر از زندگی بشری است.قرض الحسنه از ثمرات سخاوت و فضل است و ثواب آن بی نهایت است.

رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

**«هر کس به مؤمنی وامی (قرض )دهدو برای پس گرفتن آن صبر کند تا دستش باز شود ،مال او زکات محسوب می‌شود و فرشتگان برای او دعا کنند تا این که وامش به او برگردانده شود.»[[71]](#footnote-71)**

در حدیث دیگر از امام صادق مروی است که:

**مَکتُوبٌ عَلَی بَابِ الجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشَرَةٍ وَالقَرضُ بِثَمَانِیَةَ عَشَرَ ؛** « بر در بهشت چنین نوشته شده است:ثواب صدقه را ده مقابل می‌دهند و ثواب قرض را هیجده مقابل.»[[72]](#footnote-72)

توجه کردن به نیاز همنوع ،تلاش برای رفع نیاز او جزو مهمترین توصیه‌ های اخلاقی معصومین شمرده می‌شود.

شاید بتوان گفت در خیلی از موارد ،عمل کردن به توصیه های معصومین جزو واجبات اخلاقی شمرده می‌شود و چنانچه فرد مسلمان به آن ها عمل ننماید چه بسا مستحق عذاب اخروی گردد.

اگر در احکام فقهی اسلام ذکر نشده است که انجام اعمال حسن ، مانند دستگیری از نیازمندان و یا قرض دادن به محتاجان و... واجب است و یا ترک این اعمال موجب گناه و مستوجب کیفر اخروی خواهد شد شاید علتش این باشد که خداوند خواسته بندگان را با امور مذکور آزمایش نماید .اگر انسانی به بسیاری از امور عبادی به دیده واجب بنگرد و ترک محرمات دینی اش را بر خود لازم بداند لیکن رفع کردن نیازهای ضروری همنوع خود را امری لازم و ضروری نداند و نسبت به آن بی تفاوت باشد می‌تواند باعث سقوط او از این امتحان الهی گردد. [[73]](#footnote-73)

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار ، راجع به آن زیاد سفارش شده است.

از پیامبر اکرم روایت شده :

**«هرکس به برادر مؤمنش قرض دهد ، به ازای هر درهم آن ، به وزن کوه های اُحد ،رضوی، و طور سینا حسنات در ترازوی اعمال وی نهاده می شود و اگر پس از فرارسیدن مهلت با او مدارا کند ،بدون حساب و به سرعت از صراط می‌گذرد و هیچ عذابی نمی بیند و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد ،هنگامی که پروردگار نیکان را پاداش می دهد بهشت را بر او حرام می‌سازد ».[[74]](#footnote-74)**

امام خمینی درجمع مدیران صندوقهای قرض الحسنه در سال 59 ، در اهمیت و ارزش والای قرض الحسنه می‌فرماید:

« قرض الحسنه از اعمال بسیار خوب است و بهتر از همینطور پول دادن است و شاید یکی از نکته هایش هم این باشد که در قرض الحسنه ،فعالیت دنبالش هست، در مجّانی (پول دادن)، شاید گدا درست کردن باشد، از این جهت ، این قرض گرفتن یک فعالیتی ایجاد می‌کند.آن کسی که قرض می‌کند موظف است که بدهد، این به فعالیت می‌افتد که در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و بعد هم مازادی که پیدا کرده است به کار خودش ادامه بدهد؛ لکن آن کسی که کنار کوچه نشسته و از مردم گدایی می خواهد، هیچ وقت در فکر این نیست که یک کاری بکند؛ برای اینکه دیگر طلبکاری ندارد، کسی نمی‌آید از او مطالبه کند که این که گرفتی پس بده.

قرض بسیار اهیت دارد و قرض الحسنه بسیار اهمیت دارد و در کمتر گناهانی است که به اندازه ربا در قرآن و سنّت به او اهمیت داده شده باشد و آن را مطرود کرده باشد،و نکته اش هم این است که اگر ربا رواج بگیرد ، فعالیت کم می‌شود.یکی از نکاتش این است که ربا در مقابل کار نیست بلکه سودی است که ربا خوار می‌برد، ربا خوار توی خانه اش نشسته و یا عیاشی می‌کند و پولش دارد اضافه می‌شود و این تحمیل است بر مسلمین ،این اضافه گرفتن از یک طرف به حسب آیه شریفه ظلم است و از طرف دیگر بیکاری درست می‌کند . این پول باید به کار گرفته شود و با آن کار انجام بگیرد و تولید رزق و روزی کند .اینها (رباخواران) پول را در دست یک کسی می‌دهند و می‌خواهند این پول بدون کار بزاید برای خودشان و این در جامعه فساد بزرگی است و این را قرآن شریف ظلم گفته است «لا تَظلِمونَ و لا تُظلَمُون» (نه ستم کنید و نه مورد ستم قرار گیرید) خداوند اینطور تشبیه کرده است «فَاذَنُوا بِحَربٍ من الله» (بقره/279) ( اگر از ربا خواری دست برندارید پس بدانید که به جنگی بزرگ با خدا و رسولش برخاسته اید! ) این اهمیت زیاد دارد. و به همان اندازه ای که قرض به ربا محکوم است به همان اندازه قرض به حسنه و بدون ربا و همین طور قرض دادن به همان اندازه مطلوب است »[[75]](#footnote-75)

### 3-انگیزه های احتمالی قرض دهنده:

با توجه به این که قرض دهنده مدتی از تصرف در مال خود چشم پوشی می‌کند و در مقابل هم توقع گرفتن هیچ سودی را ندارد، بنابراین اولین سؤالی که در ذهن انسان خطور می‌کند این است که انگیزه این رفتار اقتصادی چیست؟

 بعضی احتمال داده اند که این انگیزه ها شاید به خاطر رسیدن به پاداش اخروی و کسب اخلاق پسندیده (دوری از بخل) باشد و ممکن است انگیزه قرض دهنده از قرض دادن کمک به همنوع و تعاون و هم یاری با مردم باشد و شاید برای مال و کسب جایزه اقدام به این عمل می‌کند.[[76]](#footnote-76)

انگیزه اول صرفاً اخروی و انگیزه دوم و سوم معنوی و انگیزه چهارم و پنجم صرفاً مادی است ،اما در مورد قرض گیرنده ، قرض گرفتن یک امر ناپسند است؛ مگر آن که در جهت رفع یکی از نیازهای ضروری از آن استفاده شود. با توجه به مطالب فوق، دو مشخصه مهم قرض الحسنه؛ یعنی داشتن انگیزه معنوی یا اخروی برای قرض دهنده و دیگرصرف آن در جهت رفع نیازهای ضروری قرض گیرنده ظاهر می‌شود. مسئله دیگری که قرض را از قرض الحسنه متمایز می‌کند این است که گرفتن هر گونه مبلغی بیشتر از اصل در قرض الحسنه نهی شده است .[[77]](#footnote-77)

### 4- آداب و شرایط قرض الحسنه :

در آیات و روایات، آدابی برای قرض الحسنه بیان شده که باید از سوی دهنده و گیرنده آن مراعات شود. از جمله اینکه قرض دهنده مراعات آبروی قرض گیرنده را بکند. از این رو خداوند گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه را از کارهای پسندیده و شایسته شمرده است. [[78]](#footnote-78) مهلت دادن به قرض گیرنده یکی دیگر از آداب قرض است خصوصاً اگر قرض گیرنده ، معسر باشد .

آداب قرض الحسنه که معمولاً شامل مستحبات و مکروهات این رفتار می‌باشد، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری فرهنگ قرض الحسنه دارد که می‌توان آن را در دو بخشِ آداب زمان انعقاد قرض وآداب زمان بازپرداخت قرض بیان کرد.

### اول: آداب زمان انعقاد قرض ؛

در هنگام انعقاد قرارداد، قرض گیرنده باید نیت بازپرداخت را داشته باشد برای جلوگیری از هرگونه اختلاف احتمالی، هنگام انعقاد قرارداد سندی نوشته شود تا در صورت اختلاف و نزاع، ملاک قضاوت قرار گیرد.  و امکان گرفتن وثیقه از قرض گیرنده وجود داشته باشد و موقع انعقاد قرداد ، شاهد گرفته شود.

### دوم: آداب زمان پرداخت قرض

اسلام بر بازپرداخت بدهی نیز تأکید بسیار داشته و نسبت به ادای فوری دین، توجه ویژه ای شده است. در مطالبه دین، وام دهنده باید شأن و شخصیت قرض گیرنده را محترم شمارد و از سخت گیری بپرهیزد. در صورتی که شخص وام گیرنده توان مالی جهت پرداخت قرض را ندارد ، قرض دهنده مهلت پرداخت را تمدید کند و یا برای ادای قرض به دولت اسلامی ارجاع داده شود و در نهایت اگر قرض گیرنده توانایی مالی دارد و وام دهنده نیز تمایل دارد ،قرض گیرنده می‌تواند بازپرداخت را به صورت نیکوتری انجام دهد.و شأن وام دهنده را مراعات کند[[79]](#footnote-79)

در بسیاری از روایات به این موضوع سفارش شده که موقع ادای دین، مقداری اضافه بپردازد وچون در عقد قرض ،اضافه شرط نشده بود ، چنین عملی ربا و حرام نیست بلکه مستحب است.در تعدادی از احادیث نیز عدم قصد و تلاش برای باز پرداخت دین و قرض مورد نکوهش و انذار شدید قرار گرفته است .

از امام رضا نقل شده است:

**«کسی که قرض بگیرد و در صورتی که تصمیم داشته باشد آن را پس بدهد در امان خداست تا آن را اداء کند ولی اگر تصمیم نداشته باشد آن را به صاحبش برگرداند دزد محسوب می‌شود.»[[80]](#footnote-80)**

همانطور که بیان شد، برای جلوگیری از اختلال بین قرض دهنده و قرض گیرنده در امر بازپرداخت ،خداوند سبحان در طولانی ترین آیه از قرآن در باره آداب پول قرض دادن و شاهد گرفتن افرادی برقرارداد و کتابت آن می‌فرماید.:[[81]](#footnote-81)

**«ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که دینی را تا مدت معینی (به خاطر گرفتن وام یا داد و ستد) به یکدیگر بدهکار شدید آن را بنویسید، و باید نویسنده ای (سند آن را) در میان خودتان به عدالت بنگارد، و هرگز نباید نویسنده از نوشتن آن- همان گونه که خدا به وی آموخته- امتناع ورزد، او باید بنویسد و کسی که حق به گردن اوست (بدهکار) املا کند، و از خداوند که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را کم نگذارد، و اگر کسی که حق به گردن اوست سفیه یا ناتوان (سنّی) باشد یا (به خاطر آفت زبان) نتواند املا کند، ولیّ او به عدالت املا نماید. و دو گواه از مردانتان (مردان مسلمان) را به شهادت بطلبید، و اگر دو مرد نباشد، یک مرد و دو زن را از میان گواهانی که (از دینشان) رضایت دارید گواه بگیرید، تا اگر یکی از آن دو زن فراموش نمود آن دیگری او را یادآوری نماید. و چون گواهان ( برای تحمل شهادت یا اداء آن) دعوت شوند خودداری نکنند. و از نوشتن بدهیی که تا مدتی معین مهلت دارد ، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید. این کار در نزد خدا عادلانه تر و برای گواهی استوارتر و به اینکه شک نکنید (و نزاعی برنخیزد) نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که در میان خود تبادل می کنید، که بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و (بهتر است که) هر زمان داد و ستد کنید شاهد بگیرید، و نباید نویسنده و گواه (به واسطه زیاد و کم کردن، به صاحب حق) ضرر بزنند و نباید به نویسنده و شاهد به سبب ندادن حقشان ضرر برسد، و اگر چنین کنید برای شما فسق و گناه است. و از خدا پروا کنید، و خدا به شما می‌آموزد و خدا به همه چیز داناست.»**

با وجود چنین آداب و فرهنگی در زمینه قرض الحسنه یکی از اصلی ترین مشکلات قرض، یعنی عدم اطمینان وام دهندگان در مورد باز پرداخت دیون خود، از بین می رود ، وخداوند از قرض دهنده تشکر می‌کند یعنی آن را به نیکی می‌پذیرد و با پاداشهای دنیوی و اخروی جبران می‌نماید.[[82]](#footnote-82)

در خصوص کتابت دین در تفسیر کاشف آمده است که هدف از کتابت دین اینست که حق طلبکار و بدهکار حفظ شود تا از کشمش و خصومت در بین آنها جلوگیری شود و همینطور نویسنده باید شخصی امین و آشنا به احکام دین اسلام باشد چون اگر جاهل به احکام و صادق و امین نباشد ممکن است به یکی از طرفین طلبکار و بدهکار متمایل باشد و نقض قرض شود.[[83]](#footnote-83)

بانو امین در تفسیر مخزن العرفان به نقل از شیخ طبرسی در باره صفات قرض نیکو می نویسد قرض نیکو باید متصف به صفات ذیل باشد :

حلال باشد، از چیزهای قیمتی و پاکیزه باشد، از چیزهایی باشد که انفاق کننده در حیات خود محتاج به آن باشد زیرا حضرت رسول اکرم بهترین صدقه را ، صدقه ای می‌دانند که انسان در حال صحت و امید بقاء، و نترسی از فقر بدهد، و در پرداخت آن سستی نکند تا وقتی که زمان مرگ او نزدیک شد افسوس بخورد که چرا صدقه نداده است.به کسانی که بیشتر نیازدارند انفاق کند،تا جایی که امکان دارد انفاق را پنهان کند، صدقه را با منّت و اذیت و ریا همراه نکند، با نیت خالص باشد قصد تقرب و رضایت خدا انفاق کند،آنچه را که در راه خدا انفاق می‌نماید بزرگ نشمارد اگرچه بزرگ باشد زیرا که متاع دنیا نسبت به آخرت اندک است واز آنچه بیشتر دوست دارد انفاق نماید.

هرگاه این ده صفت در انفاق جمع شد آن وقت قول خداوند **«قرضاً حسناً فلهُ اجرٌ کریم»**برآن صدق می‌کند که صدقه ای که این ده صفت را داشته باشد عامل آن مستحق اجر کریم می‌گردد . [[84]](#footnote-84)

همچنین تحقق قرض الحسنه شرايط خاصى دارد از جمله تاكيد روايات بر توجه داشتن قرض دهنده به ثواب اخروى و نیت‏ خدايى داشتن و ناپسند بودن قرض گرفتن در نيازهاى غير ضرورى‏، كه این موارد قرض را از دیگر عقود جدا مى‏سازد.

قرض الحسنه ، وام نیکی در کارنامه نیکوکاران و اهل احسان است این عمل هنگامی ارزش پیدا می‌کند که به قصد قربت باشد.به این معنا که قرض الحسنه هرچند به خودی خود عمل صالح و خوب است که پاداشی بزرگ برای آن در نظر گرفته شده ولی اگر این عمل با خلوص نیت همراه باشد و انسان در انجام آن جز خداوند کسی را در نظر نگیرد و تنها برای خشنودی و رضای الهی انجام دهد به عنوان عبادتی خالص تلقی می‌شود و ارزشی مضاعف و دوچندان می‌یابد . از این رو خداوند اخلاص در عمل را از شرایط مطلوبیت در قرض الحسنه بر می‌شمارد زیرا این گونه است که عمل نیک وصالح عملی عبادی می‌شود و آثاری افزون تر بر آن که عملی نیک و صالح است بر آن بار می‌گردد.پاداش عمل خالصانه عبادی در تفسیر وحیانی آنچنان بزرگ و زیاد است که نمی‌توان به سادگی آن را بیان کرد و از آن سخنی به میان آورد از این رو خداوند در آیاتی چون 245 سوره بقره پاداشهای قرض الحسنه را نامحدود و غیر قابل شمارش می‌داند و در آیات 11و 18 سوره حدید از آن به پاداش های عظیم و کریمانه یاد می‌کند قرض الحسنه افزون بر این که موجب تکفیر و نادیده گرفتن گناهان و سیئات می‌شود، موجبات دستیابی انسان به فوز عظیم و کامیابی در بهشت جاوید نیز می‌شود و زمینه بسیاری از خیرها و جلب محبت الهی و مانند آن را نیز فراهم می‌آورد.[[85]](#footnote-85)

### 5 - اقسام قرض دهنده و قرض گیرنده

«نهاد قرض الحسنه می‌تواند در دو سیستم مختلف به اجرا درآید که از جهت کیفیت و کمیت آثار، تفاوت های بسیار دارند.

1. صندوق تعاون قرض: در این سیستم، قرض دهندگان که از یک طبقه درآمدی هستند، وجهی را به عنوان سپرده در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا پس از جمع آوری، در صورت تحقق شرایط معین به اعضا وام داده شود.
2. صندوق معاونت قرض: در این سیستم، قرض دهندگان از طبقات درآمدی بالاتری هستند و جهت یاری رساندن به طبقات پایین تر درآمدی، با مسدود کردن موقت یا دائمی نقدینگی خود، آن ها را در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا به افراد خاص یا به افرادی که صندوق تشخیص می‌دهد، قرض بدهند.

صندوق تعاون قرض به افراد عضو این امکان را می‌دهد که پس اندازهای کوچک را به صورت کارایی در جهت رفع نیازهای اساسی خود به کار گیرند. به همین سبب با اتخاذ چنین شیوه ای، طبقات کم درآمد امکان استفاده بیش تر از امکانات موجود را پیدا می کنند و فاصله بین فقیر و غنی کاسته می‌شود. بنابراین صندوق مزبور از این جهت در کاهش فقر نسبی مؤثر است.

در نهاد معاونت قرض با توجه به این که ثروتمندان اقدام به قرض دادن می‌کنند، رفع فاصله طبقاتی و ایجاد توازن اقتصادی از دو جهت صورت می‌گیرد. نخست این که با این اقدام امکان تصرف اغنیا کاهش یافته و در نتیجه از روند تشدید فاصله طبقاتی کاسته می‌شود. دوم این که با استفاده وجوه در ایجاد امکانات برای طبقات کم درآمد در واقع از مقدار فاصله طبقاتی موجود کاسته می‌شود. از این جهت صندوق های معاونت قرض در زمینه فقرزدایی می‌توانند تأثیر بیشتری داشته باشند.»[[86]](#footnote-86)

### 6- تقسیم افراد جامعه بر اساس احتیاج

اولین وسیله اصلی در دستگاه توزیع ،کار است چون کار اساس مالکیت است و وسیله دیگری که در عمل توزیع به طور اصلی سهیم بوده احتیاج می‌باشد .نقش مشترکی که کار و احتیاج در این زمینه ایفا می‌کنند، شکل نخستین عمومی توزیع جامعه اسلامی را معین می‌سازند ممکن است برای توضیح بیشتر این نقش مشترک ، که احتیاج در آن سهیم است، افراد جامعه را به سه گروه تقسیم کنیم

دسته اول کسانی هستند که دارای قدرت فکری و جسمی مناسبی هستند و می‌توانند زندگی بهتری نسبت به دیگران داشته باشند و از رفاه بیشتری بهره مند گردند. تا هنگامی که این افراد به قوانین و مقررات پایبندند و از محدوده دین فراتر نرفته اند می‌توانند بیش از احتیاجات خویش داشته باشند. بنابراین نیاز نمی تواند برای این دسته از مردم نقش مهمی داشته باشد. در این دسته از مردم کار عامل تعیین کننده سهم آنان از توزیع درآمد است

گروه دوم کسانی هستند که کار می‌کنند و محصول کارشان به سختی کفاف یک زندگی عادی و معمولی را می‌دهد. توزیع درآمد در این گروه به هر دو عامل کار و نیاز بستگی دارد. یعنی آن ها فقط با کارکردن می‌توانند ضروریات اولیه زندگی را تهیه کنند و نیاز موجب می‌شود سهم بیشتری از درآمد به آن ها عطا گردد. به گونه ای که بتوانند زندگی آسوده و راحتی داشته باشند.

گروه سوم؛ ضعفا، معلولین، ناقص العضوها و کسانی هستند که توانایی کار ندارد و در مورد این گروه توزیع درآمد صرفاً براساس نیاز افراد است؛ زیرا این گروه قادر به کار نیستند و حق دارند تا حدی که حیات و زندگی آن ها تأمین شود از درآمد استفاده کنند. باید توجه داشت که برای این دو گروه اخیر، درآمد باید از طریق تعاون اجتماعی و دولت اسلامی تأمین گردد.[[87]](#footnote-87)

### 7-آثار قرض الحسنه

منظور از قرض دادن به خدایتعالی ،انفاقهای غیر زکات وصدقات مالی است که در راه خدا داده می‌شود و عطف امر به اقامه نماز و دادن زکات و قرض دادن به خدا به مسئله تخفیف ،برای اشاره به این معنا بوده که تکالیف دینی همچنان به وجوب و اهمیت خود باقی است و خدایتعالی همچنان به امر آن اعتناء است.و می‌فرماید هر اطاعتی که به نفع خود از پیش بفرستید (یعنی برای اینکه با آن زندگی آخرتی خود را تأمین کنید) نزد خدا آن را خواهید دید یعنی در روز لقاءالله آن را بهتر از همه کارهای نیک که می کردید و یا بهتر از هر چیزی که در دنیا باقی می گذارید و پراجرتر از آن خواهید یافت.[[88]](#footnote-88)

قرض الحسنه انسان را از دایره خود پرستی ،خودبینی و خود خواهی که حصار بزرگی در برابر کمال طلبی انسان است خارج می‌سازد و او را به مرکز تمام کمالات و زیبایی ها سوق می‌دهد.و روحیه مهرورزی ،همدلی و مواسات را در انسان زنده می کند و راه تقرب و نزدیک شدن به خداوند بزرگ است .

همچنین قرض الحسنه باعث رشد فضیلت ها و ملکات اخلاقی ،چون سخاوت و بخشش در انسان می‌شود انسانی که در نیازهای دیگران همواره با حضور خود باعث شادی و امید و دلگرمی ونشاط آنان می‌شود خود نیز به دنبال این حضور و همدلی در مسیر رشد و شکوفایی فضایل قرار می‌گیرد.

توجه به نیاز همنوعان وکمک به حفظ شأن وشخصیت آنان به انسان لذتی می‌دهد که در سایه این لذّت ، او می تواند با اطمینان قلبی بیشتری در مسیر تکامل قرار گرفته و آن را طی نماید.

آری قرض الحسنه یکی از ابزار های کم نظیر اخلاقی است که خداوند به واسطه آن هم گره از مشکلات نیازمند و گیرنده آن می‌گشاید و هم در اثر انجام این عمل اخلاقی ،دهنده آن را بهره مند از بسیاری فضایل و نعمات می گرداند.علاوه بر بهره مندی از فضایل ونعمات الهی ،همچنین می‌توان قرض الحسنه را عاملی برای تهذیب روانی و تربیت روحی شمرد چرا که درست عمل نمودن به این سنت حسنه می تواند سبب تزکیه نفس و آلایش روح و روان فرد از بسیاری مشکلات و پیچیدگی های درونی گردد.[[89]](#footnote-89)

قرض الحسنه باعث تألیف قلوب انسان ها ،تطهیر و وارستگی انسان،ترویج و تقویت صله رحم و جوانمردی و ایثار می‌شود.

از دیگر آثار دنیوی قرض الحسنه ، شکوفایی اقتصاد و حل مشکلات اجتماعی و رواج فرهنگ غیر ربوی اقتصاد اسلامی می‌باشد، تامین نیاز عموم جامعه اسلامی، وام به خدا که سودش چندین برابر است.و وقتی به بندگان خدا ترحم نمائیم ،خداوند برکات زمین و آسمان را به روی ما می‌گشاید.

از آثار و برکات اجتماعی و کارکردهای دنیوی، قرض الحسنه می توان به ایجاد محبت بین مردم و تحقق انسجام و وحدت اسلامی اشاره کرد.

از جمله آثار قرض الحسنه می بایست به نادیده گرفتن گناهان و تکفیر سیّئات و تبدیل آن به حسنات سخن گفت.[[90]](#footnote-90) بنابراین، وام دهنده با این کار خویش، گویی تازه از مادر متولد شده است و نقش کار او همانند توبه تاثیرگذار است و مشکلاتی که به سبب گناه گرفتار است برطرف می‌کند. پس می‌توان گفت که وام دادن، موجب جلب منفعت و دفع و رفع بلا و گرفتاری نیز است.

خداوند در آیه ۱۲ سوره مائده از پاداش های بزرگ قرض الحسنه را دستیابى به فوز عظیم و کامیابى در بهشت جاودان دانسته است. پس می‌بایست این عمل را از اعمال صالح و نیکی دانست که تضمین کننده بهشت برای آدمی است.

### **8**-آثار ترک قرض الحسنه

قرض الحسنه در زندگی فردی و اجتماعی، چنان نقش اساسی و کلیدی دارد که خداوند این مستحب را در کنار واجباتی چون نماز و روزه بیان کرده و بر انجام آن فرمان داده است.[[91]](#footnote-91) بنابراین، ترک آن نه تنها موجب ناخشنودی خداوند و عدم برکت در زندگی شخص می شود، بلکه آثار و تبعات دیگری دارد که در آیات و روایات بیان شده است.

رسول گرامی اسلام  در این باره می‌فرماید:

**.... وَ اَمّا اَوَّلَ ثَلاثَة یَدخُلَونَ النّارَ ......وَ ذُو ثَروَة مِن مَال یُؤدّی حَقَّ اللهَ فِی مَالِهِ ؛** « ثروتمندانی که حق خدا را از اموالی که در اختیار دارند ،ادا نکرده اند از زمره نخستین کسانی هستند که وارد آتش جهنّم می‌شوند.»[[92]](#footnote-92)

بر اساس این روایت، اگر چه رسالت مسلمانی فراگیر است و شامل همه امور مسلمانان می‌شود اما قرض الحسنه راهی است که می توان از طریق آن بخش هایی از نیازهای ضروری مسلمانان نیازمند را برآورده ساخت و دقیقاً به خاطر سنگین بودن این رسالت ، توانگرانی که می‌توانستند به نیازمندان کمک کنند امّا چنین نکردند به شدّت عذاب خواهند شد.

خداوند در آیاتی ترک قرض الحسنه از سوی افراد جامعه را بسیار زشت و گناه بر می‌شمارد و تارکان آن را لعنت می‌کند. افزون بر این که ترک این عمل صالح و نیک، موجبات بیماردلی شخص و جامعه می‌شود و انسان ها را سنگدل و قسی القلب می‌سازد. خداوند در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره مائده ترک قرض الحسنه از سوى بنى اسرائیل را ، از اسباب ابتلاى آنان به لعنت الهى و قساوت قلب دانسته است و به مومنان هشدار می دهد که این گونه عمل نکنند تا ایشان نیز گرفتار لعن الهی شده وسنگدل گردند.

اگر قرض الحسنه دادن، تضمین کننده ورود انسان به بهشت است، ترک آن نیز موجب محرومیت است؛ به ویژه آن که تارک آن ملعون است و خداوند او را لعن کرده است و بی گمان ملعون از خدا و بهشت او دور خواهد بود.

پیامبراکرم در همین باره می‌فرماید :

**مَنِ احْتاجَ إِلَیْهِ أَخوهُ الْمُسْلِمُ فى قَرْضٍ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَیْهِ فَلَمْ یَفْعَلْ حَرَّمَ اللّه عَلَیْهِ ریحَ الْجَنَّهِ** ؛«کسى که برادر مسلمانش در قرضى به او نیاز پیدا کند و او بتواند قرض بدهد و چنین نکند، خداوند بوى بهشت را بر او حرام مى‌کند.»[[93]](#footnote-93)

امام على به ثروتمندان و دارندگان مال هشدار می‌دهد که درخواست قرض دیگران را نادیده نگیرند؛ چرا که زمانه بسیار متقلب و متغیر است و اگر امروز دارا هستی فردایی ممکن است ندار باشی و نیازمند قرض ؛ پس امروز قرض بده تا فردا روزی به تو وام دهند:

**وَ اغْتَنِمْ مَنِ اسْتَقْرَضَکَ فى حالِ غِناکَ لِیَجْعَلَ قَضاءَهُ لَکَ فى یَوْمِ عُسْرَتِکَ ؛**«به هنگام بی نیازی ، اگر کسی از تو وام خواهد ،غنیمت بشمار، تا در روز سختی و تنگدستی به تو باز گرداند.»[[94]](#footnote-94)

ترک قرض الحسنه ، موجب ابتلای آدمی به سنگدلی شده و لعنت الهی را برای تارک آن به ارمغان می‌آورد زیرا ترک قرض الحسنه و نیکوکاری ، انسان را در مسیری قرار می‌دهد که از اعتدال و حق خارج می کند و به سوی شقاوت و بدبختی می‌کشاند .[[95]](#footnote-95)

از مجموع آیات و روایات ، جایگاه عالی سنت نیکوی «قرض الحسنه » و آثار ارزنده این مهم در زندگی دنیا و جهان پس از مرگ روشن می‌شود و برای کسانی که توانایی دارند ولی از انجام این عمل نیکو و سازنده امتناع می ورزند عذاب سخت و دردناکی توأم با خواری و زبونی را در انتظار خواهد داشت.

# فصل اول

# نقش قرض الحسنه در فقرزدایی فردی

بدون شک بخشی از آثار اولیه قرض حسن متوجه این دنیا و زندگی دنیوی افراد خواهد شد شاید در نگاه اول اینگونه برداشت شود که در قرض حسن ،فقط قرض گیرنده است سود می‌برد ، در حالی که با کمی دقت و تدبّر در آیات و احادیث مربوطه می‌توان پی برد که نه تنها گیرنده قرض ، بلکه قرض دهنده و کسی که بخشی از اموال و دارایی اش را از خود جدا می‌کند و حتّی اجتماعی که این دو در آن زندگی می‌کنند ، از این داد و ستدِ نیکو و حسن بهره می‌برند[[96]](#footnote-96) .در این فصل به بیان نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به دهنده و گیرنده قرض می‌پردازیم:

## الف: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به قرض دهنده

### **1. پس انداز**

« پس انداز سهمی از درآمد است كه به مصارف جاري و زودگذر زندگی تخصيص پیدا نمی‌کند و به اميد تحصيل درآمدی در آینده كه مؤثر در افزايش سرمايه شخص مي‌باشد اندوخته (پس انداز) مي‌شود. پس انداز همان مقداری از درآمد است ، که ما آن را خرج نمی‌کنیم یا اموالی که برای مصرف بعد از این کنار می‌گذاریم. پس انداز می‌تواند هر نوع صرفه جویی ما در هزینه ها باشد و چه بسا این نوع پس انداز بتواند گره های بیشتری از زندگی ما را باز کند و منظور ازآن فقط پس انداز پول و نقدینگی نیست.

عمومأ اولین چیزی که با شنیدن واژه پس انداز به ذهن اکثر ما ایرانی ها می‌رسد، بانک است. از نظر ما ایرانی ها، پس انداز یعنی پولی را در بانک گذاشتن برای روز مبادا. اما پس انداز یا همان saving در واقع "درآمد خرج نشده یا مصرف معوق" است. یعنی میزانی از درآمد که ما آن را خرج نمی‌کنیم یا اموالی که برای مصرف بعد از این کنار می‌گذاریم.

پس انداز یعنی انصراف از مصرف در زمان حال! اگر فردی به جای پس انداز، پول های خود را مصرف کند، دیگر پول نخواهد داشت**!**

پس‏انداز را مى‏توان به تاخير مصرف از حال به آينده تعريف كرد**.** پس‏انداز مى‏تواند به صورت قراردادى **يا** تعهدى (مانند اقساط بيمه عمر); افزايش داراييهاى نقدى (مانند سپرده‏گذارى در بانكها); سرمايه‏گذارىمستقيم در لوازم كسب و كار و تصفيه تعهدات يا پرداخت ديون صورت گيرد**.**براى بررسى جايگاهپس‏انداز در رفتار افراد بايد اشاره‏اى به نقش پيش بينى‏ها بشود. پيش بينى، به بررسى وضع آينده در حال اطلاق مى‏شود. پيش‏بينى در دو مرحله صورت مى‏گيرد:

- پيش بينى جهت تقسيم درآمد به مصرف و پس‏انداز

- پيش بينى جهت تقسيم پس‏انداز به سرمايه‏گذارى و كنز

در مرحله اول در مورد اين تصميم مى‏گيرد كه چه مقدار از درآمد خود را براى مصرف حال از دست ‏بدهد. پس از تعيين اين مقدار، باقيمانده مصرف از درآمد پس‏انداز محسوب مى‏شود، اگر چه در آينده باز دهى داشته يا نداشته باشد. سطح درآمد و نيز ميل به مصرف در اين مرحله نقش تعيين كننده‏اى دارند. در مرحله بعد فرد تصميم مى‏گيرد، چه مقدار از پس‏انداز را براى كسب بازدهى احتمالى در بخش سرمايه‏گذارىاختصاص داده و چه مقداررا نزد خود نگهدارى كند. در اين مرحله سود نهايى سرمايه و نيز نرخ بهره نقش اساسى را به عهده دارد.

از طرف ديگر چون پس‏انداز آن قسمت از درآمد است كه خرج نمى‏شود و از جريان درآمدى خارجمى‏گردد،يكى از مشكلات مربوط به پس‏انداز، باز گرداندن آن به چرخه درآمد مى‏باشد. اين امر از طريق پس‏انداز منفى عده‏اى كه بيش از درآمد جارى خود خرج مى‏كنند و يا سرمايه‏گذارى، قابل دستيابى است**.»[[97]](#footnote-97)**

پس از تعاریف فوق در مورد پس انداز می توان گفت اعطای وام قرض الحسنه به نیازمند برای قرض دهنده پس انداز محسوب می‌شود زیرا تا زمانی که مبلغ قرض عودت نشود قرض دهنده در آن دخل و تصرفی ندارد ،و هر اندازه خدمت به نیازمندان با دادن وام قرض الحسنه بیشتر شود پس انداز قرض دهنده بیشتر خواهد شد و به نوعی از او فقر زدایی می‌شود و موقع نیازخودش مبلغی را در دست قرض گیرنده پس انداز دارد،که برای او ذخیره شده و می تواند از آن استفاده کند .

آينده‌نگرى، ايجاب مى‌كند كه انسان، همه درآمد خود را يك‌جا مصرف نكند؛ بلكه آينده خود را نيز در نظر بگيرد و براى تأمين آرامش خاطر خود، در صورت امكان، بخشى از درآمدش را پس‌انداز كند. در روايتى از امام صادق آمده كه مى‌فرمايد:

«إنَّ النَّفسَ إذا أحرَزَت قوتَهَا استَقَرَّت؛»[[98]](#footnote-98)آدمى، هر گاه وسايل زندگى‌اش به قدر نياز فراهم باشد، روانش آسايش مى‌يابد.

بديهى است كه آينده‌نگرى و پس‌انداز در سطح كلان براى تأمين نيازهاى جامعه، از اهميت دوچندانى برخوردار است و با آينده‌نگرى فردى، قابل مقايسه نيست. نمونه قرآنى آن نيز، آينده‌نگرى حضرت يوسف در ذخيره گندم براى تأمين نيازهاى آينده مردم است.

### **2. افزایش و برکت در مال و سرمایه**

در تفسیر نمونه آمده است : با توجه به اینکه واژه «اضعافاً» به صورت جمع در آیه245 سوره بقره [[99]](#footnote-99) آمده و با کلمه «کثیره» تأکید شده به علاوه جمله «یضاعف» نیز تأکید بیشتری را از یضعّف می‌رساند از مجموع این جهات استفاده می‌شود که خداوند برای انفاق کنندگان پاداش بسیار فراوانی قرار داده و انفاق در راه خدا همچون بذر مستعدی است که در زمین آماده ای افشانده شود و به وسیله بارانهای پی در پی آبیاری گردد و ده ها و گاه صدها برابر نتیجه دهد.

در پایان آیه می فرماید :خداوند روزی بندگان را محدود و گسترده می کند و همه شما به سوی او باز می‌گردید.

اشاره به اینکه تصور نکنید انفاق و بخشش ،اموال شما را کم می کند زیرا گسترش ومحدودیت روزی شما به دست خداست و او توانایی دارد در عوض اموال انفاق شده به مراتب بیش از آن را در اختیار شما قرار دهد بلکه با توجه به ارتباط و به هم پیوستگی افراد اجتماع با یکدیگر ، همان اموال انفاق شده در واقع به شما باز می‌گردد.

این از نظر دنیا، و از نظر آخرت ، فراموش نکنید که همه به سوی او باز می‌گردید و پاداشهای بزرگ شما آنجاست.[[100]](#footnote-100)

اگر این انفاق را قرض دادن به خدا خوانده چون انفاق در راه خداست علاوه بر اینکه این تعبیر هم تعبیری است سلیس و هم مشعر به قرب خدا ، می‌فهماند انفاق گران نزدیک به خدایند به طوری که با او داد وستد دارند.[[101]](#footnote-101)

جمله  **یضاعفه و یغفر لکم** اشاره است به حسن جزایی که خدایتعالی در دنیا و آخرت به انفاق گران می‌دهد و اسم های« شکور و حلیم و عالم غیب و شهادت و عزیز وحکیم» پنج نام از اسماء حسنای الهی است که شرحش و وجه مناسبتش با سمع و طاعت و انفاق که در آیه بدان سفارش شده است روشن است.[[102]](#footnote-102)

درسوره تغابن نیز قرض دادن موجب افزایش نعمت به چندین برابر مقدار قرض بیان شده ودر ذیل این آیه و در ذیل آیه 17 آمده است : [[103]](#footnote-103) چه تعبیر عجیبی که بارها در قرآن مجید در مورد انفاق فی سبیل الله تکرار شده خدایی که آفریننده اصل و فرع وجود ما و بخشنده تمام نعمتها و مالک اصلی همه ملکهاست از ما وام می‌طلبد و در برابر آن وعده «اجر مضاعف » و آمرزش می‌دهد و نیز از ما تشکر می‌کند لطف و محبت بالاتر از این تصور نمی‌شود و بزرگواری و رحمت فراتر از این ممکن نیست ما چه هستیم و چه داریم که به او دهیم و تازه چرا این همه پاداش عظیم بگیریم؟![[104]](#footnote-104)

بانو امین در فایده قرض دادن می‌‌نویسد: اگر به خدا قرض دهید قرض نیکو، دو فایده می‌برید یکی آنکه (یضاعفه لکم) خدا آن را زیاد می‌گرداند یکی را به هفتصد یا زیادتر و دیگر آنکه انفاق نیکو که از روی خلوص نفس سرزند سبب آمرزش گناهان می‌شود و خدا شما را می‌آمرزد.

اینکه در بسیاری از آیات انفاق فی سبیل الله را به منزله قرض به خودش نامیده با آنکه ذات حق تعالی بی نیاز از غیر است نکاتی در بر دارد ،یکی تشویق مؤمنین برای آنکه به خدا قرض داده باشند و خدا می‌گیرد و چنانچه در جای دیگر فرموده خدا صدقات را می‌گیرد تا بیشتر راغب و مایل گردند به انفاق، و دیگر چون قرض عوض دارد که بایستی قرض گیرنده چیزی که گرفته پس بدهد با زیاده به اعتبار اینکه خداوند متعهد گردیده به چند برابر عوض بدهد این است که انفاق را استعاره قرض نامیده (والله شکور حلیم) شکور صیغه مبالغه است و اشاره به مزید عنایت در باره متقین است و با آنکه تمام نعمتها از خوان نعمتهای بی پایان اوست حتی آنکه انفاق و هر کار نیکی از هر کسی بروز و ظهور نماید به توفیق و لطف او پدید گردیده لکن با این حال در موقع انفاق خود را (شکور) ،گویا خود را شکرگزار انفاق کننده نامیده و این کمال لطف و کرم را می‌رساند.[[105]](#footnote-105)

در کتاب تفسیر کشف الاسرار در ذیل آیه  **مَن ذَالَّذِی یُقرِضُ اللَّهَ قَرضَاً حَسَناً.....** ؛ «هر نیکی که بنده کند ده چندان پاداش به وی دهیم...» آمده است ؛ رسول خدا گفت : یارب بیفزای امت مرا ،پس این آیت فرود آمد  **مَن ذَالَّذِی یُقرِضُ اللَّهَ قَرضَاً حَسَناً.....** هر نیکی که بنده کند آن را اضعاف مضاعف گردانیم و او را با آن ثواب فراوانی دهیم ، سدی گفت :جایی که الله ،کثیر گوید و تضعیف کند ، اندازه آن جز الله نداند از عظیمی و فراوانی که بود.[[106]](#footnote-106)

«در آیه مورد بحث تشویقی بالغ به انفاق در راه خدا شده که مافوق آن تصور ندارد چون از یکسو سؤال کرده که آیا کسی هست که چنین قرضی به خدا دهد و از سوی دیگر انفاق او را قرض دادن به خدای سبحان نامیده که پرداخت آن بر قرض گیرنده واجب است و از سوی سوم چنین مقاطعه وطی کرده که هرگز عین آنچه گرفته پس نمی‌دهد بلکه باضعاف مضاعف می‌دهد و به این هم اکتفا نکرده اجری کریم برآن اضافه کرده فرموده خدا در آخرت قرض خود را به اضعاف مضاعف ادا می‌‌کند و اجری کریم هم می‌دهد و اجر کریم اجری است که در نوع خودش پسندیده ترین باشد و اجر اخروی همینطور است چون اجری است مافوق آنچه ممکن است به تصور درآید.»[[107]](#footnote-107)

درباره کلمه اجر راغب گفته ؛کلمه اجر و اجرت عبارت است از پاداش و ثوابی که در مقابل عمل به ما بر می‌گردد.چه این پاداش،دنیایی باشد و چه آخرتی.سپس اضافه می‌کند که این کلمه جزء در موارد سود و فایده استعمال نمی‌شود.بر خلاف «جزاء»که هم در نفع بکار می رود و هم در ضرر.[[108]](#footnote-108)

« در آیه مورد بحث تشویق به انفاق با طرح این سؤال مطرح شده که آیا کسی هست که قرضی به خدا بدهد که پرداخت آن بر قرض گیرنده واجب است؟ و به این هم اکتفا نکرده بلکه شرط کرده که به اضعاف هم برمی‌گرداند و اجر کریم می‌دهد. با این بیان خداوند می‌خواهد به بندگانش بگوید برای این که عزت نفس مؤمنان حفظ شود اگر امکان انفاق ندارید ،لااقل قرض بدهید اما قرض بی آزار و بی منت، خداوند خودش را واسطه قرار داده با آن که همه ما وسیله ای هستیم برای کاربرد بهتر،لذا توصیه می کند که این کاربرد بهتر در گام نخست ،انفاق است و بریدن و دل کندن از مال یا هر چیزی که درتملک شماست.چنانچه فکر می‌کنید این کار بسیار سخت است پس قرض بدهید و بدانید با قرض دادن در واقع با خدا معامله می‌کنید.خداوند هم عمل شما را بی پاسخ نخواهد گذاشت و دو چندان به شما پاداش می‌دهد چه در دنیا و چه در آخرت.

نکته مهم در این آیه،آن است که خداوند خود را واسطه این قرض قرار داده است و با این که می‌دانیم مالک اصلی همه دارایی های انسان خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد ،امّا در این آیه گویی انسان ها را مالک شناخته و از آن ها می‌خواهد که به خداوند قرض بدهند تا اثبات کند که برگشت آن مالی که قرض داده ای حتمی خواهد بود اگر چه ندانی که از چه مجرایی آن مال به سوی تو برمی‌گردد،یعنی خداوند خود را ضامن برگشت آن مال دانسته آن هم به صورت مضاعف و این مسأله ،اهمیت گردش مال در جامعه اسلامی و رفع نیازهای دیگران را بیان می‌کند.البته در صورتی که بدون منت باشد و در آن «ریا» نباشد تا بدین وسیله اولاً سرمایه ها یک جا متمرکز و انباشته نشود ثانیاً روحیه گذشت و توجه به دیگران تعمیم یابد و ثالثاً افراد نیازمند بتوانند احتیاجات خود را تأمین کنند و از فقر و نداری نجات یابند.این روحیه اجتماعی موجب حل مشکلات مردم می‌شود و جامعه روی آرامش خواهد دید و جامعه ای که در آن آرامش باشد اندیشه رشد می‌کند و انسان ها یاد می‌گیرند که نسبت به یکدیگر عشق بورزند و هرگاه شهروندان به یکدیگر عشق بورزند ،دیگری را بر خود مقدم می‌دارند و در این حالت است که مفهوم ایثار شکل می‌گیرد واین از صفات جامعه مؤمن است .»[[109]](#footnote-109)

قرض حسن دادن برای اهل قرض فوائد و برکات فراوانی دارد که بخشی از این برکات وثمرات در دنیا نصیب او می‌شود و کسی که مشکلات دیگران را با دادن قرض برطرف می‌کند خود نیز مشمول این عنایات و برکات خداوند می شود و همیشه از افزایش مال و برکت در دارایی بهره مند می‌گردد.[[110]](#footnote-110)

بانو امین در تفسیر مخزن العرفان می‌نویسد: « از اینکه از انفاق راه خدا تعبیر نموده به قرض که به خدا قرض بدهید در صورتی که خدا مستغنی و بی نیاز است از احتیاج و آنچه هست ملک او و تحت تصرف وی است اشاره به این است که اینجا در راه خدا انفاق مال نما و در آخرت بلکه در همین نشأه نیز باضعاف مضاعف عوض بستان و گمان مکن که آنچه به راه حق داده ای از کفت رفته و عوض ندارد.

**وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ ...... [[111]](#footnote-111)** اشاره به این است که گمان مکن آنچه در این عالم دنیا کار نیک می کنی فانی و بی ثمر مانده ، اینطور نیست بلکه در عالم آخرت می‌یابی نزد کردگار عالم بهتر از آنچه پیش فرستاده ای و آن کسی که بینا و شنوا و عالم به افعال و کردار شماست بهتر از آنچه کرده اید عوض می‌دهد و پاداش اعمال خیر شما به مراتب بسیار بزرگتر و عظیم تر است از آنچه تصور نمایید زیرا که بزرگی پاداش به اعتبار بزرگی پاداش دهنده است .»[[112]](#footnote-112)

### **3. جلو گیری از ربا خواری**

تحصیل مال از راه های حرام دارای ضررهای فردی ، اجتماعی،بدنی،روحی و فرهنگی است و اسلام تأکید دارد که مسلمانان جداً از آن پرهیز کنند و در میان کسب های حرام تأکیدی که نسبت به ربا بعمل آمده در باره هیچ یک از آنها نیامده است .

حضرت رسول اکرم فرمودند: **شَرّالمَکاسِب کسب الرِّبا [[113]](#footnote-113)**

« قرض امرى است كه اسلام آن را همچون يك ضرورت- براى موارد نياز- مقرّر داشته است نه چون يك اصل؛ و از آنرو بر قرض دادن تأكيد شده است كه نيازمنديهاى مردمان در اوضاع و احوال خاص برآورده شود، و از راه‏ تأكيد بر «قرض الحسنه»، قرض همراه با ربا از ميان برود؛ ليكن رسالت و مأموريّت اسلام، در مكتب اقتصادى خود بى‏نياز كردن مردمان و از بين بردن فقر عمومى و ريشه كن ساختن آن است از اجتماع و رهانيدن مردمان از چنگال اين درد بزرگ كوبنده و مهلك، و رساندن ايشان به وسعت زندگى يا به حدّ كفاف.»[[114]](#footnote-114)

در آیه 276 سوره بقره آمده است که خداوند ربا را نابود کرده و صدقات را رشد وبرکت می‌دهد.[[115]](#footnote-115)

لازم به ذکر است شرط هر نوع زیاده بر عهده قرض گیرنده ، ربا و حرام است و پرداخت هر نوع زیاده از طرف قرض کننده بدون شرط قبلی، به عنوان هدیه یا غیر آن،حلال و در مواردی مستحب است.امّا گرفتن کارمزد برای عملیات اعطای قرض –به ویژه زمانی که این کار توسط مراکزی مانند بانک یا صندق قرض الحسنه صورت پذیرد- جایز نیست.مراکزی که ناچار به تحمل هزینه هایی چون اجاره مکان،حقوق کارکنان ،قیمت آب ،برق و تلفن هستند،قرض دهنده می تواند تمام این هزینه ها را به عنوان کارمزد از قرض کننده دریافت کند و اگر تعداد قرض کننده ها زیاد است تناسب بر کل آن ها تقسیم کند.[[116]](#footnote-116)

شهید مطهری قرض الحسنه دادن را یک عبادت بسیار بسیار بزرگ دانسته اند و فرموده اند اگر قرض الحسنه داده شود ، قهراً یک عده مردم مضطر ، به یک گناه بسیار بزرگ یعنی ربا دادن مجبور نمی‌شوند و قهراً آن دیگری هم به ربا خوردن .[[117]](#footnote-117)

### **4. افزایش سخاوتمندی**

یکی از اهداف انسان های کامل به دست آوردن اخلاق پسندیده است. در قرآن مجيد در مورد سخاوت و بخشش بسيار تأكيد شده است. خداوند می فرمايد:

**مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ** [[118]](#footnote-118) ‏مثل كسانی كه دارائی خود را در راه خدا صرف می كنند، همانند دانه‌ای است كه هفت خوشه برویاند  و در هر خوشه صد دانه باشد و خداوند برای هر كه بخواهد آن را چندين برابر می گرداند و خدا (قدرت و نعمتش) فراخ (و از همه چيز) آگاه است».‏

هرچند پیامبر اکرم برای کامل کردن مکارم اخلاق آمده است ؛ولی کسب اخلاق نیک مختص اسلام نیست و به همه ادیان مربوط می‌شود ،بخل از رذائل اخلاقی است و سخاوت وبخشش از اخلاق پسندیده است و در مقابل بخل قرار دارد .قرض رفتاری است که همراه با این صفت پسندیده پدید می آید.

در کتاب اخلاقی جامع السعادات آمده است :«قرض از ثمرات سخاوت است؛ زیرا سخاوتمند راضی می‌شود که به برادر نیازمند خود مقداری از مالش را ،تا زمانی که او توانایی بازپرداخت دارد ،قرض بدهد؛ چنان که راضی می شود مالش را ببخشد ، در حالی که این رفتار برای بخیل مشکل به نظر می‌رسد.»[[119]](#footnote-119)

خداوندى كه تمام هستى را آفريده، از انسانى كه هستى و اموالش را خودش به او داده مى‌خواهد كه به ديگران كمك كند و فرموده وام دادن به ديگران، وام دادن به خداوند است و وعده‌ها و پاداش‌هاى چندين برابر مى‌دهد، اين به خاطر رشد انسان و دل كندن او از دنيا و رسيدگى به فقرا و خدمت به مردم و گره گشايى از آنان و شكستن بت دلبستگى به ماديت و پرواز به سوى خدا و شكوفايى روح سخاوت و عاطفهاست**.[[120]](#footnote-120)**

امام علی در حکمت 138 نهج البلاغه در مورد سخاوتمند بودن فرمودند:[[121]](#footnote-121)

**مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلَفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ ؛** «كسى كه يقين به پاداش دارد در بخشش، سخاوتمند است.»

حضرت علیدر اين گفتار حكيمانه به يكى از مهم ترين انگيزه هاى انفاق و بخشش در راه خدا اشاره كرده مى‌فرمايد: «كسى كه يقين به پاداش و عوض داشته باشد در بخشش سخاوت به خرج مى‌دهد» از جمله غرائز مسلم انسان جلب منفعت و دفع ضرر است، انسان هميشه مى خواهد كارى انجام دهد كه سودى براى او داشته باشد يا ضررى را از او دور سازد و در همين راستا حاضر مى‌شود مواهبى را كه در اختيار دارد براى رسيدن به امور مهمترى هزينه كند و تمام تجارت هاى مادى با همين انگيزه صورت مى‌گيرد.

در تجارت معنوى كه قرآن نيز از همين لفظ براى آن استفاده كرده مانند آيه شريفه  **... هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنجِیکُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ** [[122]](#footnote-122) نيز بر همين اساس كار مى‌كند، بنابراين كسانى كه به وعده هاى الهى ايمان و يقين داشته باشند و بدانند در برابر هر انفاق در راه خدا، بهتر و بيشتر از آن را در اين دنيا يا در آخرت و يا در هر دو دريافت مى‌كنند هرگز در انفاق كردن ترديدى به خود راه نمى‌دهند، سخاوتمندانه مى‌‌بخشند و از اموال و ثروت هاى خود در اين راه با روى گشاده استقبال مى‌كنند.

برای اعتلای ابعاد روحی، قرض دهنده باید سخاوتمند باشد ،زیرا سخاوت در فرهنگ الهی از دست دادن نیست بلکه به دست آوردن و ذخیره نمودن، آن هم با عالی ترین شرایط و در بهترین موقعیت است.همچنین قرض الحسنه باعث رشد فضیلت ها و ملکات اخلاقی،چون سخاوت و بخشش در انسان می‌شود.انسانی که در نیازهای دیگران همواره با حضور خود باعث شادی و امید ودلگرمی و نشاط آنان می‌شود ،خود نیز به دنبال این حضور و همدلی در مسیر رشد و شکوفایی فضایل قرار می‌گیرد .توجه به نیاز همنوعان و کمک به حفظ شأن و شخصیت آنان به انسان لذتی می‌دهد که در سایه این لذّت ، او می‌تواند با اطمینان قلبی بیشتری در مسیر تکامل قرار گرفته و آن را طی کند. در سخنان امام حسین آمده است : السَّخاءُ غَنِی بخشش وسخاوت موجب غنا و بی نیازی می‌شود.[[123]](#footnote-123)

در واقع یکی از ثمرات بخشش و سخاوت اینست که فرد یا بی نیاز از بسیاری مادیات می‌شود یا به جهت این صفت نیکو ،خداوند خلق و خویی به او می‌بخشد که به خاطر آن موجب جلب ثروت و دارایی و بی نیازی می‌گردد.و کسی می‌تواند قرض حسن بدهد که صاحب صفت سخا و بخشش باشد. هیچ وقت کسی که تنگدست و بخیل بوده و تحمّل جدایی از ذره ای مال و ثروت خود را نداشته باشد نمی‌تواند اهل قرض حسن باشد.[[124]](#footnote-124)

### **5. ایجاد روحیه تعاون و همیاری**

تعاون و همکاری به معنای یکدیگر را یاری کردن است. تعاون یکی از اصول اخلاقی مهم است که در قرآن با صیغه امر به آن اشاره شده و همین امر نشانگر اهمیت و ارزشمندی آن است.خداوند در سوره مائده می‌‌فرماید:  **وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى‌ وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ [[125]](#footnote-125)**در این آیه هم جنبه مثبت قضیه و هم جنبه منفی آن بیان شده و اشاره به این مطلب دارد که تعاون و همکاری باید با هم در دعوت به نیکی ها و هم در مبارزه با بدی ها انجام گیرد . هدیه دادن ،عیادت از بیمار ، رفع غم از چهره مؤمن ، شادکردن دل مؤمن از مصادیق تعاون محسوب می شود

از آنجایی که انسان موجودی است اجتماعی و هر اجتماعی نیازمند تعاون و همیاری مردم می باشد ،تعاون امری لازم و ضروری است و گرنه افراد به منافع خود دست پیدا نمی‌کنند،هرچه سطح این تعاون ونوعدوستی در جامعه ای افزایش پیدا کند زندگی اجتماعی منجسم تر و محکم تر می‌شود.وقرض نیز نوعی تعاون وهمیاری در اجتماع است که از حس نوع دوستی افراد آن جامعه نشأت می‌گیرد.[[126]](#footnote-126)

## ب: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به قرض گیرنده

### **1-رفع نیازهای ضروری**

نیازمند بودن وام گیرنده، در قرض الحسنه اصلی مهم است.در اسلام قرض گرفتن اگر برای نیاز ضروری نباشداز آن نهی شده و ناپسند است .

امام خمینی می‌فرماید: قرض گرفتن، اگر با نیاز همراه نباشد مکروه است و هرچه بر نیاز فرد افزوده شود، از کراهت آن کاسته می‌شود.و هر اندازه نیاز کمتر شود کراهت آن شدت می یابد .[[127]](#footnote-127)

این نیاز ضروری نباید ریشه در تنبلی و کم کاری فرد داشته باشد انسان زمانی که نیاز پیدا می‌کند باید هر اندازه که مقدور است تلاش کند و اگر تلاش او به هر دلیلی نتوانست به رفع نیازهای ضروری او کمک کند ،می‌تواند قرض بگیرد.تلاش و کوشش او باعث می‌شود که راه های طبیعی رفع نیاز را از یاد نبرد و به فکر زندگی کردن از طریق قرض کردن نیفتد زیرا اسلام قرض را تعاون و یاری می‌داند نه شغل یا معامله.

سه تا عاملی که سبب ضرورت نیاز می‌شود عبارتند از:

الف )عامل تکوینی که سبب نیاز به غذا و پوشاک و دارو و.... می‌شود.

ب) عامل تشریعی یعنی اموری که شارع آن را واجب کرده است، مثل حج کردن که نیازهای ضروری را در انسان پدید می‌آورد.

ج)عامل اجتماعی و زندگی کردن در اجتماع که به نیازهایی می‌انجامد و با توجه به جایگاه هر انسان در جامعه تعدادی از این نیازها ضرورت می‌یابد، وقرض گرفتن در تمام این موارد ممکن و صحیح است .البته قرض الحسنه بیشتر در امور مصرفی زندگی است و در امور تولیدی کمتر استفاده می‌شود ،همچنین به جهت اینکه رفع نیاز های ضروری فرد به مبالغ هنگفت و زیاد نیاز ندارد به همین سبب قرض الحسنه در مبالغ درشت از مطلوبیت کمتری برخوردار است.

یکی از اصول قرض الحسنه اینست که وام گیرنده نیاز ضروری به گرفتن وام داشته باشد و اگر وام دهنده را عرضه کننده وام و قرض گیرنده را متقاضی وام معرفی کنیم، توجه به این اصل جامعه را از حالت مازاد تقاضا دور و به تعادل نزدیک می سازد.این اصل در مورد تعیین کارآمدی فعالیتهایی که با عنوان قرض الحسنه انجام می‌گیرد ، نقشی مهم دارد؛ زیرا هرچه قرض به ضروری ترین نیازهای جامعه ونیازمندترین افراد جامعه تعلّق گرفته باشد ،آن فعالیت به اهداف قرض الحسنه نزدیک تر است و بهتر عمل کرده است .[[128]](#footnote-128)

### **2-ایجاد روحیه کار و تلاش**

در احادیث آمده که بخشش را اگر ده پاداش نیک باشد برای وام نیک(قرض الحسنه) هیجده پاداش در نظر گرفته شده است. **قالَ الصّادِقُ : عَلى بابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبٌ: اَلْقَرْضُ بِثَمانِيَةَ عَشْرٍ وَالصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ [[129]](#footnote-129)** با آن که در بخشش ،مال از کف می رود و باز نمی‌گردد ولی در قرض،اصل مال باز می‌گردد و اگر وام گیرنده اهل کرم باشد کریمانه مبلغی به اختیار بر آن اصل می‌نهد تا از زیر دین وام دهنده خود را بیرون آورد سبب این پاداش مضاعف وام را می توان در پاسخ به نیازی دانست که وام گیرنده را وادار ساخته تا وام بگیرد و با تلاش و کوشش ، هم نیاز خود را برطرف ساخته و هم اصل وام را با سودی اختیاری ،بازگرداند، این جاست که هدف از قرض الحسنه به درستی شناخته می‌شود زیرا در وام ،گردش درست سرمایه و چرخ های تولید و اشتغال به حرکت در می‌آید در حالی که در بخشش هایی چون انفاق و هبه و مانند آن چنین گردش اقتصادی سالم دیده نمی‌شود .[[130]](#footnote-130)

انسان برای کار کردن و رفع نیازهای خود به دو چیز اساسی نیازمند است یکی «فکر» و دیگری «دست»،فکر کردن و راه چاره اندیشه کردن و دست سالم برای کار کردن و به دنبال روزی حلال رفتن، و نیاز زندگی خود و خانواده را مرتفع کردن .به طور کلی کسانی که اهل کار و تلاشند از دو فایده بزرگ بهره می‌برند اول اینکه برای بقای حیات و هماهنگی با نظام آفرینش ، «کار کردن » را برای خود یک ضرورت به حساب می‌آورند و باور دارند که اگر بیکار باشند و عنصر فعالی نباشند زندگی ،جای خود را با مُردگی عوض خواهد کرد.دوم اینکه لذت زندگی خود را در «کار کردن» می‌دانند و این حقیقت در کلام حکیمانه امام صادق اینگونه تبیین شده است که اگر مردم هرچه می‌خواستند حاضر و آماده در اختیار داشتند زندگی برای آنان گوارا نمی‌شد و لذتی از آن نمی‌بردند. این حکمت شاخص و امتیاز بزرگ «کار کردن» که موجب نشاط در زندگی می‌شود نکته بسیار مهمی است که معمولاً افراد تنبل و بیکاره از درک آن عاجزند وبه بهانه های مختلف تن به کار نمی‌دهند و راحت طلبی را پیشه خود کرده اند و مدام از فقر و نداری و گرانی دم می‌زنند این افراد می‌توانند با گرفتن قرض الحسنه از خیرین در جهت رفع بیکاری خود همت خود را بالا ببرند و با کمی کار و همت در می‌یابند که با تقویت روحیه کار وتلاش و کسب درآمد و افزایش سرمایه ، عشق و علاقه به کار در آنها افزایش می یابد و فقر از زندگی و جامعه به حداقل می‌رسد.

البته نمی‌توان انکار کرد که در اجتماعی افراد از پا افتاده و ناتوان و اشخاص سالخورده و خانه نشین وجود دارند که نه قدرت انجام کاری را دارند و نه درآمدی که زندگی آنها را تأمین کند .ثروتمندان جامعه در مورد این قشر از جامعه وظیفه دارند که کمبودهای زندگی آنان را از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و درمان و غیره تأمین کنند. و نیازی به وام دادن به این گروه نیست چرا که توان پرداخت آن را ندارند.

در اسلام اصلی ترین منشأ و منبع درآمد و مالکیت، کار است لذا با تأکید بر تضمین روزی بندگان از سوی خدای متعال، سعی و تلاش را توصیه کرده و در قرآن کریم می‌فرماید:

**وَان لَیسَ لِلاِنسَانِ اِلّا مَا سَعَی ؛** «انسان جز محصول کوشش خویش مالک چیزی نیست.»[[131]](#footnote-131)

«روایاتی نیز کم همتی را مانع پیشرفت و تنبلی را مایه حقارت و سربار دیگران بودن را ناشایست می شمارند،همچنانکه از تلاش توانفرسا و کار مداوم شبانه روزی که باعث نادیده گرفتن حق اعضای بدن شود نهی کرده و آن را حرام می دانند.»[[132]](#footnote-132)

اسلام با گداپروری شدیداً مبارزه کرده و بر حفظ شخصیت افراد بسیار تأکید می‌کند و مؤمنان را از هر کاری که حیثیت انسان را خدشه دار می سازد باز می‌دارد و به اشخاصی که توانایی کار کردن دارند اجازه گدایی و درخواست کردن از مردم را نمی‌دهد و اگر چنین اشخاصی دست به گدایی بزنند مرتکب خلاف شده اند و پولی که دریافت می‌کنند حرام است.لذا این افراد فقط در صورت نیاز و آن هم نیاز ضروری می‌توانند قرض بگیرند ودر روایات به کسانی که نیازمند نیستند و طلب قرض می‌کنند وعده آتش جهنم داده است.البته به مسلمانان و دولت اسلامی سفارش شده که مراقب وضعیت مردم باشند و اجازه ندهند گروهی در فقر و تنگدستی به سر برند و ناگزیر به تکدّی روی آورند و به طور معمول افرادی که خود را به این کار می‌آلایند از تلاش دست بر می دارند و به درمان اساسی مشکل خود فکر نمی‌کنند و دشواری کار را تحمل نمی‌کنند در نتیجه روز بروز بر فقر و ناتوانیشان افزوده می‌شود.

از آنجایی که قرآن کریم به همه مسلمانان امر به قرض دادن کرده ،همانطوری که به امر او نماز می‌خوانید ،روزه می‌گیرید وبه حج می‌روید باید به پرداخت قرض الحسنه نیز قیام کنید ، وقتی دل کسی را با حل کردن مشکل مالی او و قرض دادن شاد می‌کنید این امر موجب رشد وتعالی خود قرض دهنده می‌شود و اگر پولی را به جوان نیازمندی قرض دهید تا بتواند کار وکسبی برای خود پیدا کند و با قرض گرفتن بتواند ابزار لازم برای کار و تولید کالا و یا خدمتی دیگر تهیه کند و با تلاش و کار برای خود زندگی شرافتمندانه ای بسازد و به تدریج بدهکاری خود را پرداخت کند و در رشد تولید جامعه سهیم شود این امر موجب شادی و افزایش روحیه تلاش او می‌شود وهمچنین موجب تعالی قرض دهنده می‌گردد.

« کاری که منشأ درآمد و موجب حق استفاده از ثروت می‌گردد به دو صورت بروز می‌کند یکی کار پیوسته و مستقیم که عامل ، با استفاده از قوت و مهارت خود کسب درآمد می‌کند و دیگری کار منسجم و انباشته که کار گذشته به صورت سرمایه یا دارایی درآمده که با به کاراندازی این دارایی درآمد به دست می‌آید. ربا خواری باعث بی ارزشی کار که پایه و اساس ادامه حیات اجتماعی است می‌شود.

علامه طباطباییدر این زمینه می‌فرماید: یکی از مفاسد شوم ربا این است که راه انباشت و اندوختن ثروت را آسان می‌نماید امروز میلیون ها ریال پول در بانک ها ذخیره شده و از جریان تولید خارج گردیده است و ربا باعث می‌شود که عده ای به خاطر ثروت زیاد و بی نیازی بیش از حد کار نکنند و عده ای به خاطر محرومیت توان کار نداشته باشند ،کاری که حیات بشر بر آن استوار است.»[[133]](#footnote-133)

### **3-ایجاد روحیه تعاون و همیاری**

همان طور که در بخش قبل گفته شد، انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی مستلزم کمک وتعاون بوده وهمیاری همنوعان را می‌طلبد و اگر تعاون وهمیاری در اجتماع وجود نداشته باشد مردم به منافع خود نمی رسند لذا هر اندازه تعاون و همیاری در جامعه بیشتر شود و مردم به یاری کردن همنوع خود اشتیاق بیشتری نشان دهند زندگی در آن جامعه بهتر و راحت تر خواهد بود و قرض دادن به همنوع و و یاری رساندن به او در رفع مشکلات ضروری و احساس نوع دوستی از ثمرات این کار خیر محسوب می‌شود و این حس خوب و خوشحالی ،قرض دهنده را بیشتر به قرض دادن و شرکت در امر خیر ترغیب و تشویق می‌کند.

### **4-ایجاد روحیه تملک و مالکیت**

از آنجایی که قرض نوعی تملیک است؛ یعنی وام دهنده مالکیت مال خود را انتقال می‌دهد، در صورت تلف شدن مال ،قرض گیرنده ضامن است بر خلاف بسیاری از عقود مشارکت (مضاربه،مساقاة، مزارعه و......)که انتقال ملکیت تحقق نمی‌یابد و بدین سبب طرف قرار داد اگر کوتاهی نکرده باشد ،ضامن نیست.[[134]](#footnote-134)

از نظر اسلام کار سبب می‌شود کارگر مالک حاصل کار خویش شود و مالکیت خصوصی که بر این اساس پی ریزی شده، نشان دهنده تمایل طبیعی انسان به تملک و مالکیت حاصل کار خویش است. به همین علت تملک بر اساس حاصل کار، حق طبیعی انسان بوده و از احساسات و عواطف غریزی وی سر چشمه می‌گیرد. شاید به همین علت پایه مالکیت کارگر از نظر اسلام کار می‌باشد و هر کارگری به وسیله کار از ثروت های طبیعی که حاصل می‌شود بهره مند می‌گردد و بر طبق قاعده «کار ، علت مالکیت است» حاصل کار خویش را به تملک در می‌‌آورد. حال با روشن شدن نقش کار در این رابطه و در بحث توزیع درآمد شخصی، اقتصاد اسلامی به نقش احتیاج نیز توجه کافی مبذول داشته و بنابراین شکل عمومی توزیع درآمد در اسلام از نقش مشترک دو عامل کار و احتیاج پدید می‌آید.

### **5-بالابردن توان قدرت خرید**

فرد و خانواری که امید دارد در آینده درآمد بیشتری داشته باشد ، اقدام به استقراض کرده ،به وسیله آن کالاهای مصرفی مورد نیاز خود را فراهم می‌کند و پس از تحقق درآمد به تدریج قرض خود را پرداخت می‌کند .اگر این قرض نباشد فرد نمی‌تواند کالایی برای خود خریداری کند و قرض دهنده گان از اموال خود برای برخی خانوارها وسایلی را تجهیز و خریداری می‌کنند و یا مبلغی را به عنوان قرض الحسنه به نیازمندان می‌دهند و با این کار توانایی خرید کالا و خدمات را در آنها بالا می‌برند و این فرایند در تمام زمان ها ادامه دارد .در نتیجه اولا ً تابع مصرف تا حدودی افزایش می‌یابد و ثانیاً از ثبات نسبی در زندگی برخوردار می‌شوند .

زمانی که فردی مازاد خود را برای مدتی به کسی قرض الحسنه می‌دهد، در واقع از هزینه فرصت پول خود صرف نظر کرده، آن را در راه خدا انفاق می‌کند و به همین جهت از ثواب و اجر اخروی برخوردار می‌شود. گیرنده قرض ـ که در واقع فردی نیازمند است و اگر نمی‌توانست قرض الحسنه بگیرد، ناچار بود کالا یا خدمات مورد نیاز خود را به قیمتی بالاتر خریداری کند ـ از ما به التفاوت قیمت نقد و نسیه منتفع می‌شود در نتیجه یک جریان درآمدی از طرف خیّر به سود افراد نیازمند شکل می‌گیرد.

### **جمع بندی**

### در نگاه اول شاید این‌گونه تصور شود که در قرض دادن، فقط قرض گیرنده منفعت می‌برد ولی اگر کمی تأمل در آیات و روایات کنیم متوجه می‌شویم که قرض دهنده که بخشی از اموال خود را برای مدتی از خود جدا می‌کند و حتی اجتماعی که این دو در آن زندگی می کنند از این قرض بهره می‌برند.

### قرض دهنده با قرض دادن می‌تواند سهمی از درآمد خود را پس انداز کند زیرا تا زمان بازپرداخت دخل و تصرفی در آن ندارد، در آیات قرض الحسنه به پاداش بسیار فراوان برای قرض دهنده اشاره شده است همین‌طور قرض دادن موجب برکت در مال و سرمایه او می‌شود و از ربا دادن او جلوگیری می‌کند، موجب افزایش سخاوت قرض دهنده شده و روحیه تعاون و همیاری در اجتماع را بالا می‌برد. همین‌طور قرض گیرنده با قرض، نیازهای ضروری خود را برطرف کرده روحیه تملک و مالکیت در او ایجاد می‌شود و قدرت خرید او افزایش پیدا می‌کند.

# فصل دوم

# نقش قرض الحسنه در فقرزدایی اجتماعی

بشر نیازهای مادی بسیاری دارد که تأمین تمامی آنها ممکن نیست مگر با همراهی و همکاری دیگران، بر این اساس همه آحاد بشر به یکدیگر نیاز دارند ودر این مورد قرآن کریم دستوالعمل‌ها و راهبردهایی را برای زندگی متعالی بشر تبیین کرده است که در این فصل به نقش قرض الحسنه در فقر زدایی از اجتماع می‌پردازیم.

## **الف: قرض الحسنه عنصر مولد و توزیع مجدد ثروت در جامعه**

قرض می‌تواند آثار مثبتی بر توزیع درآمد داشته باشد. این ویژگیها را می‌توان در این امور تعریف کرد.

« اولاً برخلاف مالیات ها ،قرض موجب انتقال اختیارات درآمد افراد به دولت نمی شود یعنی دولت اختیار تصرف در اموال مردم را جهت اعطای قرض الحسنه ندارد پس اختصاص بهینه قرض در جهت عدالت اجتماعی به وجود برنامه‌های درست در چارچوب بودجه‌های عمومی وابسته نیست. در قرض، وام دهنده قرض را به طور مستقیم و بدون واسطه دولت به نیازمند می‌دهد لذا درستی ونادرستی برنامه‌های دولت در توزیع درآمد دخالت مستقیم ندارد؛

ثانیاً قرض با توزیع درآمد در اسلام هم آهنگی کامل دارد.زیرا در قرض دادن هیچ اجباری وجود ندارد و دهنده قرض با اختیار و انتخاب خود در این امر خیر قدم برمی‌دارد و در قرض احترام به مالکیت به طور کامل مشاهده می‌شود و ثروتمندانی که قرض می‌دهند می‌دانند مالکیت آنها پس از مالکیت مطلق خداوند متعال است و بر اساس تعالیم اسلام ثروتمندان در برابر نیازمندان جامعه مسئولند و این موضوع باعث افزایش انگیزه در آنان می‌شود و با عشق وعلاقه و با اختیار وام می‌دهند و این اختیار و احترام به مالکیت موجب می‌شود که نهاد قرض با انگیزه افزایش تولید و رشد اقتصادی منافاتی نداشته باشد بلکه به عنوان عنصری مولد در جامعه مطرح می‌شود؛

ثالثاً در قرض ،مبلغ وام به خرید کالاهای ضروری اختصاص پیدا می‌کند و قرض گیرنده منافع موجود از قرض را به تهیه و تولید کالاهای لازم در زندگی مصرف می‌کند و از خرید کالاهای لوکس و گران قیمت خودداری می‌کند واین امر موجب می‌شود وام گیرنده، مبلغ دریافتی را به امور مطلوب اختصاص می‌دهد و این موجب می‌شود ثروت بیهوده هدر نرود و منابع تولید در جهت مطلوب هزینه گردد؛

رابعاً در قرض ،شاخص های یک سیستم توزیع مطلوب، به چشم می‌خورد زیرا با قرض دادن انگیزه‌های تولید از افراد گرفته نمی‌شود، همچنین قرض دادن موجب می‌شود ثروت منحصر به ثروتمند نباشد و به طور موقت از ملکیت او خارج می‌شود وبه طبقه نیازمندان سپرده می‌شود در قرض الحسنه خصوصی حتی انتقال مالکیت به دولت نیز داده نمی‌شود ولی در مالیات، اموال منحصر در دولت می شود و از آنجایی که «نیاز» از ارکان قرض است، می‌توان قرض را وسیله مناسبی در جهت تشکیل یک زندگی مناسب دانست.»[[135]](#footnote-135)

## **ب: توزیع عادلانه ثروت و درآمد عمومی**

از ویژگی های اقتصاد اسلام توزیع همه جانبه و عادلانه سرمایه‌هاست. دولت اسلامی وظیفه دارد سیاست‌های اقتصادی خود را به گونه‌ای تنظیم نماید که در دست همه به گردش در آید و هر فردی از هر قشری از جامعه به اندازه استعداد و لیاقتش بتواند در به کارگیری سرمایه‌ها و ثروت‌ها تلاش نماید نه اینکه عده‌ای خاص و قشری متمایز، زمام امور را در انحصار خود در آورند.[[136]](#footnote-136)

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

**مَّا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاء مِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ [[137]](#footnote-137)**

«آنچه را که خدا از اموال کافران دیار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و (ائمه) خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (ایشان) است. این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید(بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد) و شما آنچه رسول حق دستور دهد (و منع یا عطا کند) بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است».

امر پروردگار در باره تعدیل ثروت اصل و واقعیتی جاری در عالم هستی است و محدود به گروه و ملت خاصی نیست بنابر‌این هرکس با هر مذهب و ملیتی اگر به آن عمل نماید از مزایای آن بهره مند می شود و هرچند مسلمان نباشد و هرکس آن را کنار گذارد از پیامدهای دنیوی و اخروی آن در امان نماند هر چند خود را دیندار و مسلمان بداند.[[138]](#footnote-138)

« ثروت طلبی و کنز مال شخص را به گردآوری هرچه بیشتر مال دعوت می‌نماید بر همین اساس اسلام تأکید دارد که افراد به قدر کفاف اکتفا کنند و بیشتر از حد کفاف را انفاق نمایند این بهترین شیوه برای ترک تکاثر مالی است. اگر ثروتهای کلان بدون در نظر گرفتن لیاقت و شایستگی افراد در دست عده‌ای خاص قرار گیرد، غالباً این ثروتهای خدادادی و سرمایه‌های ملی در جهت رفع نیازهای واقعی افراد و جامعه مصرف نمی‌گردد و به جای اینکه با بهره‌برداری صحیح از آنها جامعه به سوی اهداف بلند اقتصادی گام بردارد به سمت مصرف گرایی و تجمل پرستی سوق داده می شود.اسلام این پدیده را اسراف نامیده و از آن نهی کرده است.»[[139]](#footnote-139)

توزيع مناسب درآمد يكي از اهداف نظام اقتصادي اسلام است و مكتب اسلام ريشه اصلي بسياري از مشكلات اقتصادي را توزيع ناعادلانه درآمدها مي‌داند؛ از اين رو در اين مكتب عنايت ويژه‌اي به رفع اين معضل اجتماعي ـ اقتصادي شده است. قرض‌الحسنه از جمله نهادهايي است كه نظام اقتصادي اسلام توجه ويژه‌اي به آن مبذول داشته و مسلمانان به صورت اختياري و بدون توقع هيچ سودي اقدام به انجام آن مي‌كنند و مي‌تواند نقش مؤثري در دست‌يابي به توزيع عادلانه داشته باشد.

در اسلام مردم تشويق به دادن قرض‌الحسنه شده‌اند و بدين وسيله بين دنيا و آخرت آن‌ها پيوند ايجاد شده است. اجر اخروي اين كار به عنوان يك انگيزه قوي در پرداخت قرض‌الحسنه نقش بسيار مهمي ايفا مي‌كند. قرض‌الحسنه به عنوان يك امر مستحب مطرح است و چنانچه بيشتر رعايت شود از دامنه فقر كاسته شده و به توازن اقتصادي نزديك‌تر مي‌شويم.

یکی از مشکلات جوامع بشری به ویژه در عصر حاضر، مسأله شکاف عمیق طبقاتی ، میان طبقه ثروتمند و فقیر است.این معضل‌، هم در سطح جهانی در میان کشورهای مختلف و هم در درون جوامع ، روز به روز در حال گسترش است. در جامعه ما نیز در حالی که تعدادی انگشت شمار، ثروتهای انبوه را تصاحب نموده اند، بار سنگین فقر و فشارهای اقتصادی بر دوش بسیاری از اقشار سنگینی می‌کند و درد و محرومیت، غبار اندوه بر چهره جان آنان افشانده است.

دین اسلام به عنوان برنامه سعادت بشری، رفع فقر و نفی هر گونه افزون طلبی را رسالت خود می داند. وضع قوانین مناسب برای ریشه کن سازی فقر (در قالب انواع انفاقها) از یک سو و مبارزه قاطع با تکاثر و زیاده طلبی از سوی دیگر، جامعه را به سمت ایجاد توازن و توزیع عادلانه ثروت و بهره مندی تمامی مردم از یک زندگی متوسط، سوق می‌دهد، با وجود این ،اسلام مالکیت افراد را محترم شمرده و وجود تفاضل در میزان داراییها را تایید نموده است.[[140]](#footnote-140)

می‌توان توزیع درآمد را یکی از ابزارهای مهم برای از بین بردن فقر در نظام اقتصادی اسلام دانست. این توزیع در سه مرحله، پیش از تولید، هنگام تولید و بعد از تولید صورت می‌گیرد. و مراد از توزیع قبل از تولید شیوه بهره‌برداری مسلمانان از ثروت‌های طبیعی مثل زمین، آب و مباحات عمومی چون ماهی‌ها و پرندگان است و در این مرحله با حدودی که اسلام مشخص کرده از انباشته شدن ثروت و منابع در دست گروهی خاص و محرومیت گروه دیگر جلوگیری می‌شود و اولین و مهم‌ترین عامل بوجود آمدن شکاف بین طبقات مختلف جامعه را از بین می‌برد. و موقعی که منابع اولیه در جریان تولید قرار می‌گیرد، سودی که از این طریق حاصل می‌شود بین افرادی که در جریان تولید دخیل بودند تقسیم می‌شود و هر سرمایه‌ای در جریان تولید شرکت نکند بهره ای نخواهد برد زیرا بهره ربا وحرام است و نیروی کار از طریق مزد یا مشارکت می‌تواند در فرآیند تولید از طریق عقود مساوات، مزارعه، مساقات و... به سهم خود دست یابد. و در مرحله بعد از تولید یا توزیع مجدد ،ملاک توزیع ، نیاز افراد است بی‌تردید وجود برخی از عوامل طبیعی در فرآیند تولید که سبب تفاوت در درآمد افراد می‌شود یا ناتوانی و ضعف گروهی از فعالیت اقتصادی به اختلاف درآمد و شکاف طبقاتی منجر می شود اسلام به منظور از بین بردن این شکاف طبقاتی و جلوگیری از فقر در سطح جامعه ، مردم را به پرداخت خمس، زکات، صدقات مستحبی، کفارات مالی، ندورات، وصایا و قرض الحسنه امر کرده است. لذا جهت اجرای سیاستهای فقر زدایی در جامعه منابع مالی بالقوه و بالفعل فراوانی وجود دارد که می‌توان با برنامه ریزی صحیح از آنها بهره گرفت.[[141]](#footnote-141)

درباره توزیع عادلانه در کتاب گنجینه معارف آمده است: «حضرت یوسف پس از رنج ها و زندان ها و... سرانجام بر اثر تعبیر کردن خواب شاه مصر ،به مقامی رسید که شاه ، طبقِ درخواست آن حضرت، او را به عنوان رئیس خزانه مصر منصوب کرد. حضرت وقتی این مسئولیت را پذیرفت، از ولایت ِ خود استفاده کرد و با توجه به شرایط و موقعیت زمانی و مکانی مصر، در هفت سال وفور نعمت، آنچه که امکان داشت مواد غذایی را در انبارها ذخیره کرد و در هفت سال قحطی، با کمال دقّت و نظارت بر مصرف آن، مواد غذایی را عادلانه به مصرف مردم رسانید آن حضرت برای حفظ اقتصاد مملکت و جلوگیری از اختلاف طبقاتی و استثمار اقتصادی آن چنان دخالت و نظارت کرد که امام هشتم حضرت رضا فرمود: در سال اول مواد غذایی را به درهم و دینار (پول های در دست مردم) فروخت، به طوری که همه پول ها در اختیار حکومتش قرار گرفت. در سال دوم با آن پول ها همه طلاجات و زیور آلات مردم را خریداری کرد. در سال سوم با آن جواهرات، حیوانات و چارپایان مردم را خرید. در سال چهارم با فروش آن حیوانات، همه کنیزان و غلامان را خرید. در سال پنجم با فروش کنیزان و غلامان، همه خانه ها و زمین ها را خرید .در سال ششم با فروش خانه ها و زمین ها ، باغ ها و مزارع و آب ها را خرید و در سال هفتم همه انسان های برده و آزاد را به شیوه خاص و عادلانه خرید. سپس همه اموال را بین ملت مصر ، به صورت عادلانه تقسیم کرد و به این ترتیب ، وضع اقتصادی مردم را سامان بخشید و از قدرت ولایت خود ، مردم را از نابسامانی های اقتصادی نجات داد.»[[142]](#footnote-142)

در قرض الحسنه، ثروتمندان بخشی از درآمد قابل تصرف خود را جدا می‌کنند و در یک دوره زمانی معین به فقیران اختصاص می‌دهند. اگر این فعالیت استمرار یابد می توان جریان مداوم ثروت از توان گران به نیازمندان را پیش بینی کرد. پس در هر مقطع زمانی ، بخشی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد؛ هر چند در مقطع بعد باید بازپرداخت شود. با چنین نگرشی می توان گفت: در قرض الحسنه، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه های کم درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد.

## **ج: کمک به کاهش هزینه های دولت اسلامی**

در نظام اقتصاد اسلام،که بر اساس تعاون و همیاری استوار شده است تأمین اجتماعی از ذات این نظام نشأت می‌گیرد و از اهداف نظام اقتصاد اسلامی است.مراد از تأمین اجتماعی در اسلام رفع نیازهای ضروری افراد و ایجاد امکانات مناسب جهت فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی آنهاست .اسلام دو روش را برای تحقق این امر بیان می‌کند،اول اینکه همه افراد جامعه در تأمین نیازهای حیاتی یکدیگر مسئولیت دارند و این مسئولیت مانند دیگر فرائض بوده و عمل به آن واجب است ،لذا اگر نیازهای حیاتی افراد مورد ظلم وتهدید قرار گیرد بر همه مسلمانان واجب کفایی است جهت رفع مشکل قیام کنند و دولت نیز موظف است زمینه را برای انجام تکلیف فراهم و بر آن نظارت کند مثلاً اگر مردم جامعه را زلزله یا سیل یا سونامی و یا آتش سوزی و... تهدید کند مردم وظیفه دارند به کمک آنها بشتابند و دولت نیز به آنها یاری برسانند و خود نیز به طور مستقیم وارد عمل شود .دوم اینکه دولت وظیفه دارد سطح معیشتی بهتری را برای مردم فراهم کند به ویژه یتیمان،از کار افتادگان و در راه ماندگان و .. را تحت پوشش حمایتی خود قرار دهد.[[143]](#footnote-143)

قرض الحسنه می‌تواند در این امر به کمک دولت قیام کند و هزینه‌هایی را تقبل کند و امنیت اجتماعی را در جامعه پدید آورد و افراد اجتماع نیز اطمینان داشته باشند که هرگاه حادثه‌ای آنها را تهدید کند ثروتمندان جامعه به یاری آنها می‌شتابند و نیازهای آنها را برطرف می‌کند .

با توجه به منابع محدود دولت اسلامی برای برآوردن نیازهای مختلف جامعه و حصول موفقیت در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی که نیاز به سرمایه گذاری دارد با قرض های در گردش مردم وجبران بخشی از سرمایه های ملی مورد نیاز دولت ، می توان از بعضی هزینه های دولت کم کرد و در این امر مؤثر بود.[[144]](#footnote-144)

## **د : فراهم شدن زمینه ایجاد واحدهای تولیدی**

قرض دهنده می‌تواند بخشی از اموال خود را در قالب عقد قرض الحسنه به متقاضیان نیازمندی که می‌خواهندکارگاه تولیدی یا شرکت تعاونی راه اندازی کنند و فاقد امکانات کار هستند و جهت تأمین وسایل و ابزار وسایر امکانات لازم برای ایجاد کار نیاز به وام قرض الحسنه دارند قرض دهد و یا به امر افزایش تولید با تأکید بر تولیدات کشاورزی ،دامی وصنعتی کمک کند که این کار می تواند از توقف کارگاه ها و واحدهای تولیدی موجود جلوگیری کند و یا اگر کارگاه واحد تولیدی راکد شده ، مجدد راه اندازی شود. همین طور با قرض الحسنه دادن می توان در امر ایجاد و یا توسعه کارگاه و واحد تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و یا روستاها مشارکت کرد.

لذا از مزایای قرض الحسنه، تاثیر مثبت آن بر تولید به ویژه تولید در سطوح خُرد و تامین سرمایه اولیه و سرمایه در گردش برای کسب و کارهای کوچک است. همچنین قرض الحسنه از کارآفرینی حمایت می کند و درنتیجه اشتغال ،افزایش می‌یابد.

یکی از فضایل قرض بر سایر ابزارهای فقر زدایی، افزایش انگیزه کار و تولید در قرض گیرنده و قرض دهنده است، زیرا اولاً قرض گیرنده ملزم به بازپرداخت است لذا به جهت اهمیت باز پرداخن وام در فرهنگ اسلامی، انگیزه کار و تلاش در گیرنده وام افزایش می‌یابد. ثانیاً با توجه به اینکه قرض دادن داوطلبانه و با تضمین پرداخت تحقق پیدا می‌کند انگیزه کار در قرض دهندگان نیز همچنان پایدار می‌ماند.[[145]](#footnote-145)

## **ه : کاهش زمینه های فقر و فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی**

بر اساس آیه  **مَن ذَالَّذی یُقرِضُ اللّهَ قَرضَاً حَسَنَا....** اسلام برای حل مشکل فاصله طبقاتی و حفظ جامعه اسلامی، راه هایی ارائه می‌دهد که اگر با دقت به آن ها عمل شود معزل فاصله طبقاتی در بین مسلمانان و جوامع دیده نمی‌شود. یکی از این مسائل اسلامی که حائز اهمیت است مربوط به حقوق مردم می‌باشد و اسلام برای عملی کردن این امر حقوقی از راه های مختلف واجب و مستحب، به عنوان زکات و خمس و کفارات مال و اقسام فدیه و انفاقات واجب و صدقات مستحبی و نیز از طریق وقف و بخشش و قرض وارد شده و هدف اصلی اسلام از جعل چنین قوانینی این است که سطح زندگی و معیشت طبقه ضعیف جامعه که بدون کمک دیگری قادر به رفع نیازهای ضروری و حیاتی خود نیستند را افزایش دهد تا آنها هم بتوانند در سطح متوسط جامعه از امکانات موجود در جامعه بهره مند شوند و زندگی آسوده ای را داشته باشند .[[146]](#footnote-146)

یکی از آثار اجتماعی قرض الحسنه، کاهش زمینه های فقر و فاصله طبقاتی است، نهاد قرض مى‏تواند جريان پول را از بين طبقات ثروتمند به سمت طبقات كم در آمد سوق داده و در جهت تثبيت در بين آنها و عدم تمركز ثروت، نقش فعالى داشته باشد.

صندوق تعاون قرض به افراد عضو اين امكان را مى‏دهد كه پس‏اندازهاى كوچك خود را به صورت كارآيى در جهت رفع نيازهاى اساسى خود به كار گيرند. به همين سبب، با اتخاذ چنين شيوه‏اى طبقات كم درآمد امكان استفاده بيشتر از امكانات موجود را پيدا مى‏كنند و فاصله بين فقير و غنى كاسته مى‏شود. بنابر اين، نهاد مزبور از اين جهت در رفع فقر نسبى مؤثر است.

در نهاد معاونت قرض با توجه به اينكه ثروتمندان اقدام به قرض دادن مى‏كنند، لذا رفع فاصله طبقاتى از دو جهت صورت مى‏گيرد.

* با اين اقدام امكان تصرف اغنيا در اموالشان کم می شود و در نتيجه از روند تشديد فاصله طبقاتى كاسته مى‏شود.
* با استفاده وجوه در ايجاد امكانات براى طبقات كم در آمد در واقع از مقدار فاصله طبقاتى موجود نيز كاسته مى‏شود.

به همين خاطر است كه مى‏توان نتيجه گرفت: همچنانكه صندوق تعاون قرض در جهت تامين اجتماعى مؤثرتر واقع مى‏شود، چنين انتظار مى‏رود كه صندوق معاونت قرض در زمينه فقر زدايى تاثير بيشترى داشته باشد. [[147]](#footnote-147)

قرض‌الحسنه یکی از این ابزارهایی است که با تقویت و انتقال ثروت به طبقه نيازمندان، مالکیت به عنوان یکی از عوامل پيدايش انحصار، را خنثي مي‌كند و در حقیقت نابرابری‌های درآمدی در جامعه از بین می‌رود.

از آنجاکه در نظام اقتصاد اسلامی، کسب درآمد از طریق ربا وجود ندارد، درنتیجه عوامل شرکت کننده در یک کسب و کار به صورت عادلانه تری از درآمد حاصل از آن منتفع می‌شوند. به همین ترتیب فقر در جامعه کاهش پیدا می کند و شیوه توزیع درآمد در نظام کلان اقتصادی بهبود می یابد. در این شرایط ضمن افزایش کیفیت زندگی عامه مردم، عدالت در جنبه های مختلف اجتماعی و اقتصادی تحقق می‌یابد.

بخشی از معضلات اجتماعی از جمله بیکاری، اعتیاد، طلاق و ... ریشه در مشکلات مالی و اقتصادی دارد که می توان با اعطای وامهای قرض الحسنه نقش موثری در کاهش این آسیب‌ها در جامعه داشت.

قرض می‌تواند از جهت تغییر ثروت نیز بر مصرف تأثیر بگذارد زیرا وام گیرنده، با توجه به اینکه قرض را درآمد گذرا می‌داند ،کالاهای مصرفی بادوام می‌خرد و در واقع بر مخارج مصرفی خود می‌افزاید کالاهای مصرفی بادوام قسمتی از ثروت مادی شمرده می‌شود پس این امکان وجود دارد که با بالارفتن ثروت ،مصرف نیز افزایش یابد. اما چون فرد می‌داند که باید وام را در آینده پس دهد بخشی از درآمد جاری آینده اش را به این امر اختصاص می‌دهد پس آن قسمت از درآمد جاری که به مصرف اختصاص پیدا می‌کند دستخوش تغییر قرار می گیرد مقدار این تغییر به چگونگی بازپرداخت وام ونیز منبع جبران آن بستگی دارد ، اگر زمان بازپرداخت طولانی تر و پرداخت اقساط وام از طریق ساعات کار یا دستمزد ممکن باشد مقدار نزول مصرف کالای مصرفی بی دوام کاهش می‌یابد .[[148]](#footnote-148)

## **و : حذف نظام ربوی و ایجاد بانکداری اسلامی**

عدالت اجتماعی، یکی از اصول اساسی در جامعه ای با اقتصادی پایدار و پویا است. بانکداری اسلامی می‌تواند الگویی مناسب برای نظامی به شمار آید که هدف آن ریشه کن کردن فقر و اجرای عدالت محوری است. با این که کشور ایران سعی کرده است که در این الگو موفق شود اما هنوز جای کار زیادی برای آن وجود دارد. با توجه به نقش کلیدی فعالیت بانک ها در ایجاد رونق در اقتصاد یک کشور، سپرده های قرض الحسنه به عنوان یکی از عوامل اصلی تشکیل دهنده سپرده های بانکی می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی یک جامعه داشته باشد. سیاست های فقرزدایی دولت معمولا با دو مشکل اساسی تحمل بودجه و نبود اطلاعات کافی و شفاف نسبت به نیاز و نیازمندان واقعی مواجه است. در این راستا دولت باید قرض الحسنه را به عنوان یک ابزار فقر زدایی در نظر بگیرد و در تخصیص وجوه و هدایت صحیح آن با توجه به سیاست های کلان (اشتغال زایی، تامین نیازهای اساسی و ...) با سایر نهادهای مرتبط همکاری ثمربخشی داشته باشد. در واقع می‌توان گفت، قرض الحسنه، به نوعی پرچم دار تحقق عدالت اجتماعی در کشور ایران است.

آیت الله مکارم شیرازی در خصوص حذف ربا از بانکداری اسلامی بیان می‌کند «ظاهراً قرض الحسنه در نظام بانکداری دنیای امروز وجود ندارد؛ چرا که در تمام وامها بهره و سودی وجود دارد، و قرض الحسنه آن است که هیچ بهره و سودی نداشته باشد و این یک امر صددرصد اخلاقی است که در نظام مادّی بانکداری کنونی دنیا جایی ندارد. ولی در بانکداری اسلامی این خدمت وجود دارد و بانک درصدی از موجودی حسابهای جاری یا قرض الحسنه را به این امر اختصاص می‌دهد ، و مبلغی را با شرایطی-که نوعاً سخت است- در اختیار متقاضیان قرار می‌ دهد!

این خدمت بانک مشروع بلکه بسیار شایسته و سزاوار است و احیاء یک سنت بزرگ اسلامی است که آیات و روایات فراوانی در اهمیت آن وارد شده است. [[149]](#footnote-149)ولی متأسفانه بانکهای اسلامی اهمیت زیادی به این مسأله نمی‌دهند ، چرا که بودجه ای که اکنون بانکها برای این امر مهم و با فضیلت در نظر گرفته اند در صد بسیار کمی است، در حالی که عدالت و انصاف ایجاب می‌کند که درصد بیشتری به این امر اختصاص داده شود؛چون عمده سرمایه های بانکها از خود مردم است و باید مقدار قابل ملاحظه ای از آن ، به عنوان وام بدون سود به مستضعفین داده شود تا فرق میان بانک اسلامی و غیر اسلامی ظاهرتر شود .ولی متأسفانه تقریباً نامی از وامهای قرض الحسنه در میان است و در عمل چندان خبری از آن نیست و بانکهای اسلامی باید از این نظر اصلاح شود. با این حال قرض الحسنه ،مشروع بلکه مستحب و بسیار شایسته است، مشروط بر این که جنبه تشریفاتی و دکوری پیدا نکند و کارمزد آن واقعی باشد ، و بیش از اجرت کارکنان و هزینه های مربوط به آن نباشد .[[150]](#footnote-150)

## **ز: تأمین زندگی نیازمندان**

«قرض الحسنه تلاش برای تحقق همبستگی های فرهنگی و همگرایی های اجتماعی است ،به همین جهت قرض الحسنه مطلوب می‌تواند پیوندهای مؤمنان را مضاعف کند و ارتباطات آنها را بیشتر نماید از این رو وقتی مسلمانی به مسلمان نیازمندی قرض حسن دهد ، در گردش روزگار و تحولاتی که رخ می دهد، شرایط افراد دگرگون می شود و نیازهایی جدید و نو رخ می‌دهد و چه بسا آن کس که اکنون نیازمند قرض است در روزی توانگر و دارا شود و بتواند خود، درخواست نیازمندان را اجابت کند آن زمان که قرض حسن می‌دهید به ظاهر نیازمندی را خرسند و مشکلی از مشکلات او را حل کرده اید ولی از آنجا که این قرض حسن است و با انگیزه های پاک و الهی است خود مولّد نیرویی الهی خواهد بود و قرض گیرنده کنونی را برای فردا می‌سازد تا او نیز مثل شما قرض دهنده پاکدل و مخلص شود پس با اندک توجهی در می‌یابید که هم نیازی را برطرف کرده اید و هم نیرویی را برای فردا به خیل سعادتمندان و قرض دهندگان اضافه کردید و هم سنّتی از سنن الهی را ترویج کرده و سلامت روانی و امنیتی جامعه را تأمین کرده اید و سرانجام ممکن است برکات این کمک و دستگیری امروز شما ، فردا از شما دستگیری کند .»[[151]](#footnote-151)

لذا اسلام با تبیین مبانی اعتقادی و احکام دینی و تربیت اخلاقی ، نه تنها بینش مردم را تغییر داد، بلکه انگیزه های صحیح اجتماعی و رفتارهای مادی و اقتصادی مردم را ارزش بخشیده است.

یکی از عوامل مهم تشکیل دهنده نظام ارزشی اقتصاد اسلامی ، کمک رسانی به محرومین از راه های مختلف است که مورد توجه و توصیه اسلام است.

رفع نیازهای فردی و اجتماعی، با همیاری و همکاری بخش های گوناگون جامعه، نقش مؤثری در بهبود وضع عمومی جامعه و شکوفایی اقتصاد و همچنین نزول برکات مادی و دنیوی از جانب حق تعالی دارد.

توجه به محرومین و برآوردن نیازهای ایشان ، آثار اقتصادی و اجتماعی ارزشمندی دارد و باعث به وجود آمدن توازن اجتماعی ،توزیع ثروت و کم شدن اختلاف طبقاتی در راه تأمین زندگی نیازمندان می باشد.برخی گمان می‌کنند با کمک مالی همچون انفاق و صدقه و صرف وقت و آبرو برای رسیدگی به دیگران ، از زندگی عقب مانده و از سرمایه و ثروتشان کاسته می‌شود ، در صورتی که اگر به جریان هستی و سیستم آفرینش آگاه باشند ،خواهند دید که با ارتقاء سطح زندگی عمومی، فرصت های اقتصادی بیشتر شکل می گیرد و باعث رونق اقتصادی می‌گردد.[[152]](#footnote-152)

از این رو رسول مکرم اسلام می‌فرمایند:

**ما نَقَصَ مالٌ من صَدَقةٍ**  [[153]](#footnote-153)؛ «هیچ ثروتی از صدقه کم نمی‌شود .»

## **ح : استفاده از وجوه قرض الحسنه در ایجاد امکانات برای طبقه کم درآمد**

در بسیاری از موارد می توان با دادن قرض الحسنه به افراد نیازمند و کم درآمد امکانات را برای فعالیت و تلاش در زندگی فرهم کرد.

«سرمايه انساني از جمله زمينه‌هاي مهمي است كه اقدامات عمومي در آن مي‌تواند منجر به تفاوت بزرگ در توزيع درآمدها شود. بازدهي اجتماعي اين كار بسيار بالاست و سرمايه‌گذاري در زمينه آن به افزايش بهره‌وري نيروي كار، و به تبع آن بالا رفتن درآمد ملي و كاهش نابرابري توزيع درآمد منجر مي‌شود. سرمايه‌گذاري در انسان ظرفيت‌هاي كسب درآمد انسان در آينده را افزايش مي‌دهد. تحقيقات متعدد نشان مي‌دهد كه افراد تحصيل كرده نسبت به كساني كه از تحصيلات كم‌تري برخوردارند. در طول سال ، ساعات بيشتري را به كار مشغولند و از درآمدها و امكانات بيشتري برخوردارند هم‌چنين مي‌توان از مطالعات انجام گرفته چنين نتيجه گرفت كه ارتباطي مستقيم بين سرمايه انساني اعضاي خانوار و تحرك اقتصادي خانوار برقرار است. هر چه سطح سواد و تخصص اعضاي خانوار بالاتر باشد، تحرك اقتصادي خانوار بيش‌تر است و خانوار از احتمال ارتقاي موقعيت درآمدي بالاتري برخوردار است. اسلام نيز در زمينه تحقق عدالت اجتماعي و توسعه پايدار توجه ويژه‌اي به تشويق علم و فضيلت عالم و اهميت دادن به نقش سرمايه انساني از خود نشان داده است.

نقشي كه در اين جا مي‌توان براي قرض‌الحسنه در نظر گرفت، استفاده از قرض‌الحسنه در زمينه پرداخت وام‌هاي بدون بهره و يا با كارمزد پايين براي دانشجويان و كساني است كه مايلند دوره‌هاي مختلف آموزشي را بگذرانند اما توانايي مالي استفاده از آن را ندارند. اين افراد مي‌توانند با بهره‌مندي از وجوه قرض‌ الحسنه در دوران تحصيل و استفاده از آن، پس از اتمام دوران تحصيلات خود و يافتن شغل و يا ارتقاي شغل، نسبت به بازپرداخت آن اقدام كنند. بنابراين قرض‌الحسنه به عنوان عاملي كه مي‌تواند در دوره‌اي از زمان ظرفيت كسب درآمد افراد خانواده‌ها را دست خوش تغيير قرار دهد و تحرك اقتصادي خانوار را افزايش دهد، مي‌تواند در بهبود توزيع درآمد مؤثر باشد. البته سرمايه انساني حتي اگر به صورت عادلانه‌اي در ميان تمام جمعيت پخش شده باشد، اما ثروت‌هاي طبيعي و مادي در دست تعداد محدودي جمع باشد، درآمد به طور كلي نابرابر توزيع خواهد شد و توسعه انساني چندان موفق نخواهد بود.

مطالعات انجام گرفته در زمينه ارتباط اشتغال و توزيع درآمد نشان مي‌دهند عموماً بيكاري باعث افزايش پراكندگي درآمدها مي‌شود و كاهش در بيكاري، پراكندگي درآمدها را كاهش مي‌دهد. اشتغال براي افراد جامعه منبعي از درآمد را فراهم مي‌آورد و كاركنان را قادر مي‌سازد در فعاليت‌هاي اجتماعي شركت كنند و مولد ارزش باشند و در نتيجه به آن‌ها احساس عزت و اعتبار مي‌بخشد. ضمن اين‌كه اشتغال براي برداشت كامل از فايده‌هاي سرمايه‌گذاري در نيروي انساني ضروري است و در صورت نبود اشتغال افراد نمي‌توانند از نيرو، مهارت، قدرت ابتكار و دانش‌شان به درستي بهره گيرند و بازدهي سرمايه انساني پايين خواهد آمد. از اين رو نقش اشتغال در كاهش نابرابري توزيع درآمد بيش از گذشته آشكار مي‌شود. البته كاهش بيكاري تنها زماني مي‌تواند تأثير مثبت بر توزيع درآمد داشته باشد كه به طور وسيع و يا حتي در حد محو بيكاري دائم انجام شود؛ كه در اين صورت ساختار اقتصاد تغير كرده و زمينه‌اي مناسب براي كاهش نابرابري فراهم مي‌آيد.

مطالعات نشان مي‌دهد كه بازارهاي سرمايه به خصوص در كشورهاي در حال توسعه، به خوبي عمل نمي‌كنند. به خصوص گروه‌هاي كم درآمد كه در برابر رويدادهاي غير منتظره از همه آسيب پذيرترند و كم‌ترين دسترسي را به بازار اعتبارات دارند. از سوي ديگر بررسي‌ها نشان مي‌دهند كه گاهي اعتبارهاي مالي نظير تأمين سرمايه در گردش فعالان اقتصادي - به ويژه كشاورزان و توليدكنندگان صنايع دستي - به افزايش حجم توليد و رشد درآمدها كمك شاياني در جهت افزايش قدرت تأمين مالي به موقع ديون و تأمين مواد اوليه و مانند آن‌ها مي‌توانند داشته باشند.

صندوق‌هاي قرض‌الحسنه توليدي در جهت ايجاد اشتغال و بالا رفتن توليد اهميت بسيار دارند. در واقع چنين ابزاري مي‌تواند سببب استفاده از انگيزه‌هاي معنوي و اخروي در كاهش بيكاري و نيز افزايش توليد شود. اين صندوق ها مي‌توانند در جهت تأمين سرمايه‌هاي اوليه توليد و تجارت ـ البته امور توليـدي كوچك ـ و تأمين سرمايه در گردش و هم‌چنين قرض دادن ابزار توليد به توليدكنندگان كوچك، فعاليت داشته باشند و در ايجاد و تداوم اشتغال مؤثر باشد. ضمناً اين قبيل وام‌ها عمدتاً با افزايش نسبت افراد فعال به غير فعال، به تعداد دريافت‌كنندگان درآمد مي‌افزايد. به همين جهت مي‌تواند در توزيع درآمدها مؤثر باشد.»[[154]](#footnote-154)

## **ط :کاهش امکان تصرف اغنیا**

خداوند متعال در اموال کلان اغنیا حقی برای سائل و محروم قرار داده است که آن را به صاحبان حق می‌پردازند و می‌فرماید**: وَ فِی اَموَالِهِم حَقّ لِلسّائِلِ وَالمَحرُومِ[[155]](#footnote-155)**طبیعی است که قدرت و مکنت اگر به دست انسان برسد ، بسیار کم اتفاق می‌افتد که از راه راست منحرف نشود و آن عده کم و قلیل که به تمکن و ثروت رسیدند ولی گمراه نشدند در پناه خدا بودند و خدا آن ها را حفظ کرد و اما بسیاری از مردم وقتی فقیر و تنگدست بودند بنده خوب وخالص خدا بودند همین که نَمی از باران رحمت خدا را دیدند به همه چیز پشت کردند و حتی خدا را نادیده گرفتند و در نتیجه برای همیشه در مذلت و بدبختی زندگی کردند و ننگ و عذاب ابدی را برای خود خریدند. آری خداوند انسانها را بدون هدایت و راهنمایی نگذاشته است و جلوی انحرافات مخرب را گرفته و انسان را شدیداً سرزنش نموده است و به ثروتمندان امر کرده در راه خدا انفاق کنند و به نیازمندان قرض نیکو دهند تا این ثروت در دست آنها باقی نماند و سرمایه در گردش در آید.[[156]](#footnote-156)

محمد باقر صدر می‌گوید: اسلام اندوختن پول راکد را جایز نمی‌داند به همین جهت پرداخت زکات را بر پول راکد وضع کرده است با این ترتیب در صورتی که اندوخته پول برای چند سالی طول بکشد با زکات تقریباً همه پول اندوخته شده به خزانه بیت المال سرازیر می‌شود لذا قرآن اندوختن طلا و نقره را جنایت می‌ داند و سزای آن را آتش جهنم. زیرا اندوختن زر و سیم به معنای تخلف از پرداخت مالیات «زکات» است که شرعاً واجب شده است چون اگر این زکات پرداخت شود فرصت انباشتن و اندوختن از بین می رود لذا قرآن افرادی را که زر و سیم ذخیره می‌کنند را تهدید کرده و آنها را به آتش کیفرشان می‌کند.

در آیات 34 و 35 سوره توبه آمده است :

**....والَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذاب أَلیم** ؛«....و کسانى را که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) مى‌سازند، و در راه خدا انفاق نمى کنند، به مجازات دردناکى بشارت ده! »

**یَوْمَ یُحْمى عَلَیْها فی نارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوى بِها جِباهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هذا ما کَنَزْتُمْ لاِ َنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا ما کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ** ؛« در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورت ها و پهلوها و پشت هایشان را داغ مى‌کنند; (و به آنها مى گویند:) این همان چیزى است که براى خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزى را که براى خود مى‌اندوختید!»

و از این رو اسلام بقاء ثروت را در زمینه های تولید و مصرف ضمانت کرده وو مانع از راکد شدن و انباشته شدن آن شده است.[[157]](#footnote-157)

با مشارکت‌های مردم در پرداخت قرض الحسنه، نوعی تعادل در روحیه اقتصادی آنها بوجود می‌آید و آنها با تمرین وممارستی که در دادن صدقه، انفاق، زکات ، قرض و هر امر خیری دیگر از خود نشان می‌دهند کمتر دلبستگی وعلاقه به جمع کردن اموال و محافظت از آن نشان می‌دهند و با این عدم دلبستگی و انباشته کردن مال و دارایی راکد در بانک و یا منازل می‌توانند در اقتصاد جامعه تأثیر گذار باشند. و چون مصرف کنندگان قرض الحسنه، معمولاً از پولهای ذخیره شده و بلا استفاده بهره می برند در صورتی که فرهنگ قرض الحسنه در جامعه رواج پیدا کند این وجوه به جریان می‌افتد و بخشی از تقاضای مصرف کنندگان و تولید کنندگان تأمین شده و رفاه و تولیدش در جامعه بالا می‌رود و مبالغ در دست اغنیا به صورت راکد نمی‌ماند.[[158]](#footnote-158)

در قرض‌الحسنه ثروتمندان بخشي از درآمد قابل تصرف خود را جدا مي‌كنند و در يك دوره زماني معين به فقيران اختصاص مي‌دهند. اگر اين فعاليت استمرار يابد مي‌توان جريان مداوم ثروت از توانگران به نيازمندان را پيش‌بيني كرد. پس در هر مقطع زماني بخشي از درآمد ثروتمندان در اختيار نيازمندان قرار مي‌گيرد؛ هر چند در مقطع بعد بايد بازپرداخت شود. با چنين نگرشي مي‌توان گفت: در قرض‌الحسنه نوعي انتقال واقعي قدرت خريد به گروه‌هاي كم درآمد و خرج كردن آن در اقتصاد ملي وجود دارد.

# **جمع بندی**

# در این فصل به نقش قرض الحسنه در فقرزدایی از اجتماع پرداخته شده که اولین مورد به مولد بودن قرض الحسنه در جامعه و توزیع مجدد ثروت و درآمد اشاره شد از آنجایی که قرض دهنده با اختیار در این امر خیر قدم بر می دارد و با احترام قرض می دهد و مالکیت را از آنِ خدا می‌داند نه خودش،لذا خود را در برابر فقرا مسئول می‌داند و انگیزه اش برای قرض دادن زیاد می‌شود و اموالش را با فقرا تقسیم می‌کند.توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند ، در قرض الحسنه ثروتمندان بخشی از اموال خود را در زمانی معین به فقیران اختصاص می‌دهند و با این عمل خیر در فقرزدایی مؤثرند.

# قرض الحسنه می‌تواند به کاهش هزینه های دولت کمک کند و موجب امنیت در جامعه شود و زمینه ایجاد واحد های تولیدی را فراهم آورد و موجب کاهش فقر و فاصله طبقاتی در جامعه شده ربا را از جامعه حذف و بانکداری اسلامی را تقویت کند.

# فصل سوم

# نقش قرض الحسنه در فقر زدایی در مقایسه با

# روش های دیگر فقر زدایی

توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام از طریق معیارهای متفاوتی انجام می‌شود. برخی از این معیارها شرعی و الزامی و برخی اختیاری است. معیارهای الزامی عبارتند از زکات، خمس، قانون ارث، منع ربا، منع احتکار، منع اسراف و تبذیر، منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار، تقلب و غیره. معیارهای اختیاری عبارتند از کارهای خیر اختیاری که ثروتمندان برحسب وظیفه، داوطلبانه اقدام به انجام آن می کنند. از آن جمله می‌توان به صدقات وقرض الحسنه اشاره کرد. آنان وظیفه دارند ثروت خویش را در راه رفاه عام جامعه صرف کنند.

## الف: روش های الزامی اسلام در فقرزدایی

### 1**-زکات**

زکات در دین اسلام عبارت است از سهمی از مالِ ثروتمندان ،که خداوند برای تهیدستان قرار داده است.خداوند در باره زکات اموال می‌فرماید**: خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [[159]](#footnote-159)** تناسب مفهوم شرعی «زکات»با مفهومِ لغوی آن ،از این جهت است که پرداخت زکات،از یک سو، برکتِ مال را به همراه دارد و باعث رشد فضایل در نفس و افزایش ثواب اخروی می‌شود و از سوی دیگر ، مال را از آلودگیهای معنوی و دل آدمی را از بُخل و حرص و مانند آن ،پاک می‌نماید.ولی در قرض الحسنه برکت و افزایش در مال را به همراه دارد وقبل از رسیدن به دست نیازمند به دست خدا می رسد .مزیت قرض الحسنه بر زکات اینست که قرض الحسنه را به هر نیازمندی می توان داد ولی زکات به هشت قسمی که در کتب فقه بیان شده تعلق می گیرد.

اسلام برای افزایش ثروت افراد با توجه به رفاه کل جامعه مقررات خاصی تعیین کرده است .تمام مخلوقات آفریننده های خدایند و او روزی دهنده آنان است و به سبب این علت است که به مؤمنان دستور داده است تا مراقب نیازمندان و فقرا باشند.

و علتی که برای وجوب زکات ذکر شده بیان می‌کند که زکات یک قانون صرفاً آمرانه مولوی و آزمایش روانی خالص در مقابل دستور خداوندی نیست ، بلکه تنظیم و تأمین امور معاش آن دسته از افراد جامعه است که نمی‌توانند کار کنند یا کارشان برای اداره زندگیشان کافی نیست و همچنین دیگر مصارف اجتماعی از قبیل انتظامات و غیره باید از مالیات تأمین گردد .لذا از وجوب پرداخت زکات معلوم می‌شود که برای اداره زندگی فقرا و بینوایان و ریشه کن کردن فقر از جامعه مؤثر است.

امیر مؤمنان علی به جابر فرمود :....ای جابر !کسی که نعمت های خدا بر او فراوان شود نیاز مردم به اوافزون شود، پس اگر به وظیفه الهی خود عمل کند بقا و دوام نعمت را تضمین کرده است و اگر در انجام دادن واجب الهی خود کوتاهی کند نعمت را در معرض نابودی و فنا قرار داده است.»[[160]](#footnote-160)

علمای اسلام، زکات را از ضروریات دین و منکر آن را کافر دانسته اند. زکات درمان دردهای اقتصادی جامعه است و همان گونه که اگر برای عضوی از بدن ِ کسی ناراحتی پیش بیاید او را از حرکت می‌اندازد، در جامعه نیز اگر گروهی با مشکلات رو به رو شوند، حرکت آن جامعه فلج می‌شود و زکات برای حلّ مشکلات جامعه است.[[161]](#footnote-161)

حضرت علی در ارزش زکات دادن می‌فرماید: «اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید »[[162]](#footnote-162)

اگر زکات در جامعه پرداخت شود ،نیاز اولیه فقرا و مستمندان برطرف شده و وقتی آن ها از گرسنگی در رنج نباشند دیگر به اموال اغنیاء دست درازی نمی‌کنند بنابر این دزدی و سرقت در جامعه کاهش می‌یابد و اموال مردم محترم شمرده می‌شود و امنیت در جامعه برقرار می‌شود زیرا انسان ها به کمال سعادت نمی‌رسند مگر این که در اجتماع سعادتمندی زندگی کنند که در آن هر صاحب حقِّی به حقّ خود می‌‌رسد و جامعه روی سعادت را نمی‌بیند مگر این که طبقات مختلف مردم از مزایای حیات در سطوح نزدیک به هم برخوردار شوند و پرداخت زکات این امر را محقق خواهد ساخت.

هر یک از اعضای بدن نیز وظایفی دارند که از پاره ای از آنها در روایات به عنوان زکات یاد شده است: زکاتِ زبان ، خیر خواهی مسلمانان ، آگاهی دادنِ غافلان و تسبیح و ذکر فراوان ، زکاتِ دست ، بخشش و سخاوت و نگارش علوم ،زکاتِ چشم ، نگریستن از روی عبرت و چشم پوشی از شهوات و زکاتِ گوش،گوش سپردن به دانش و حکمت قرآن است.

بدین سان می‌توان گفت،زکاتِ هر نعمتی،به کار بستن شایسته آن در مسیر سعادت اخروی و رشد معنوی مردم است.[[163]](#footnote-163)

### 2**-خمس**

خمس در لغت به معنای یک پنجم است وجمع آن «اخماس» است [[164]](#footnote-164) و در مجمع البحرین آمده «خُمس »یا «خُمُس »در اصطلاح شرع حقی است که خروج آن از مال واجب بوده و بنی هاشم مستحق آن هستند .[[165]](#footnote-165) در اصطلاح فقه عبارت است از پرداخت یک پنجم در آمدی که از راه زراعت، صنعت، تجارت، پژوهش و یا از راه های کارگری و کارمندی به دست می‌آید.

امام خمینی می فرماید:خمس آن است که خداوند تعالی برای حضرت محمدو ذریه آن حضرت که خداوند نسل مبارکشان را زیاد کند ،عوض زکات که اوساخ دست مردم است واجب کرده است.[[166]](#footnote-166)

خمس یکی از فریضه های اسلامی است و قرآن کریم آن را در کنار جهاد (قرار داده) است و در بیان اهمیت آن، ایمان را با آن پیوند زده و می‌فرماید:

«بدانید آنچه را که سود می برید، یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا (ص) و خویشاوندان او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود (محمّد) در روز فرقان، روزی که دو سپاه (اسلام و کفر در جنگ بدر) روبرو شدند نازل کرده‌ایم ایمان آورده‌اید، و خدا بر هر چیز تواناست.»[[167]](#footnote-167)

پرداخت خمس از نظر اعتقادي نشانه ايمان و اعتقادي واقعي است علاوه بر آن از نظر عبادي، خمس از عبادات است و بايد با قصد قربت پرداخت شود. طبعاً هرگونه رياکاري و ناخالصي هم در انجام اين فريضه اختلال به وجود مي آورد. از نظر رواني پرداخت خمس سبب مي شود که انسان در خود احساس کند حامي اهل بيت (ع) و مراجع تقليد و حوزه هاي علميه و تبليغات صحيح ديني است و اين احساس همواره او را هوادار جبهه حق و مخالف جبهه هاي باطل و وسوسه هاي آنان قرار مي دهد. از نظر تربيتي پرداخت خمس انسان را حسابگر، دقيق، وظيفه شناس، نسبت به محرومان جامعه مسئول و نسبت به حمايت از خط خدا و رسول و اهل بيت(ع) متعهد تربيت مي کند. پرداخت خمس روحيه سخاوت و نوع دوستي را در انسان شکوفا مي کند. و روحيه بي تفاوتي و دنيا پرستي را از انسان برطرف مي کند.

### 3**-نفقه**

در قرآن کریم ، آیات متعددی در باره وجوب نفقه زن نازل شده است از جمله در آیه 233 سوره بقره آمده است : **وَالْوَالِدَاتُ یُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کَامِلَیْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَن یُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَکِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...** **[[168]](#footnote-168)** «مادران، فرزندان خود را دو [سال](http://wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%A7%D9%84) تمام [شیر](http://wikifeqh.ir/%D8%B4%DB%8C%D8%B1) می‏دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و برای آن کس که [فرزند](http://wikifeqh.ir/%D9%81%D8%B1%D8%B2%D9%86%D8%AF) برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک [مادر](http://wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A7%D8%AF%D8%B1) را به طور شایسته (در مدت شیر دادن) بپردازد (حتی اگر [طلاق](http://wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%84%D8%A7%D9%82) گرفته باشد).

وعبارت است از مالی که برای ادامه [زندگی](http://wikifeqh.ir/%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C)، صرف مخارج ضروری [همسر](http://wikifeqh.ir/%D9%87%D9%85%D8%B3%D8%B1) و [فرزندان](http://wikifeqh.ir/%D9%81%D8%B1%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86)، [خویشاوندان](http://wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%88%DB%8C%D8%B4%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86) و

مانند آنها می‏شود؛ اعم از [خوراک](http://wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%A7%DA%A9)، [پوشاک](http://wikifeqh.ir/%D9%BE%D9%88%D8%B4%D8%A7%DA%A9)، [مسکن](http://wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%DA%A9%D9%86) و غیره. در [ازدواج دائم](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC_%D8%AF%D8%A7%D8%A6%D9%85)، پرداخت نفقه [زن](http://wikifeqh.ir/%D8%B2%D9%86) بر [شوهر](http://wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%88%D9%87%D8%B1) واجب است. [حق](http://wikifeqh.ir/%D8%AD%D9%82) نفقه در [اسلام](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)، نوعی تسهیل برای زنان است و اگر چنین حقی برای آنها قرار داده نمی‏شد به سختی می‏افتادند؛ چون زن در ازدواج دائم، مسئولیتهایی را در طول زندگی مشترک بر عهده دارد که توان جسمی او را می‏طلبد و فرصتی را از او می‏گیرد؛ مسئولیتهایی مانند [شوهرداری](http://wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%88%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C)، [خانه‌داری](http://wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87%E2%80%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C)، [بارداری](http://wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C)، [تربیت](http://wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%AA) [فرزند](http://wikifeqh.ir/%D9%81%D8%B1%D8%B2%D9%86%D8%AF)؛ از این رو، نفقه، حقی است که اسلام برای زن قرار داده است. [[169]](#footnote-169)

### 4-**قانون ارث**

قانون ارث قانونى است که از طرف خدا فرض و واجب شده و او دانا و حکیم است و احکامى که صادر مى‌کند از روى علم و حکمت است**. .....يُوصِيكُمُ اللّهُ فِي أَوْلاَدِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الأُنثَيَيْنِ ......فَرِیضَهً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلِیماً حَکِیما [[170]](#footnote-170)**حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسر دو برابر دختر ارث می‌برد...این احکام فریضه ای است که خدا معیّن کرده ،که خدا به هر چیز دانا و آگاه است.

قانون ارث بر اساس مصالح واقعى بشر استوار شده، و تشخیص این مصالح به دست خداست، زیرا انسان آنچه را مربوط به خیر و صلاح اوست در همه جا نمى‏تواند تشخیص دهد، ممکن است بعضى گمان کنند پدران و مادران بیشتر به نیازمندى‏هاى او پاسخ مى‏گویند، و بنا بر این باید در ارث بر فرزندان مقدم باشند، و ممکن است جمعى عکس این را فکر کنند و اگر قانون ارث بدست مردم مى‏بود هزار گونه هرج و مرج و نزاع و اختلاف در آن واقع می‌شد، اما خدا که حقایق امور را آن چنان که هست مى‏داند قانون ارث را بر نظام ثابتى که خیر بشر در آن است قرار داده است.

حق‌الناس از نظر اسلام با عدالت و حکمت الهی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و دارای گستره وسیعی می‌باشد. به‌عبارتی، حق‌الناس در همه ابواب فقه وجود دارد و می‌توان گفت که بابی از ابواب فقه اسلامی نیست، مگر این‌که مسایل فراوانی در زمینه حق‌الناس وجود دارد.

در دیدگاه اسلامی، مال و دارایی مؤمن و گاهی اموال دیگران محترم است و مصونیت دارد و اتلاف و تجاوز در آن مجاز نیست. بنابراین، اگر کسی از راه ربا، رشوه، فریب‌کاری، سرقت و بالاخره هرگونه تصرف نامشروع، مالی را از کسی خورده باشد، باید به تحصیل رضایت صاحب مال و یا باز پس دادن آن مال اقدام نماید.

با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت که ارث نوعی حق‌الناس است و ضایع کردن ارث وارثان از موارد حق‌الناس محسوب می‌شود .[[171]](#footnote-171)

### **5-منع ربا**

هفت آیه در قرآن به وضوح تحریم ربا را ثابت می‌کند[[172]](#footnote-172) خداوند متعال در شرح حال ربا خواران و تحریم ربا می‌فرماید**: الَّذینَ یَأْکُلُونَ الرِّبا لا یَقُومُونَ إِلاّ کَما یَقُومُ الَّذی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبا وَ أَحَلَّ اللّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا ....** [[173]](#footnote-173)کسانى که ربا مى‌خورند، (در قیامت) بر نمى‌خیزند مگر مانند کسى که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمى‌تواند تعادل خود را حفظ کند;). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است». در حالى که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام!

همه مسلمانان اذعان دارند که ربا در همه ادیان آسمانی عملی ناپسند و حرام است و ترویج آن یعنی حمایت از طبقات استثمارگر جامعه ، ترویج فساد و بی بند وباری و نابود شدن عواطف و از سوی دیگر له شدن افراد فقیر و تهی دست و ایجاد شکاف طبقاتی و گسترش فقر و فحشا در جامعه اسلامی.اما مع الاسف این پدیده زشت که در نگاه دین بزرگترین گناه کبیره محسوب شده و همگان از مفاسد آن باخبرند همچنان در جامعه اسلامی خود نمایی می‌کند و به صورت آشکار و نهان رو به گسترش است با آنکه در قبح و زشتی آن بسیار گفته و شنیده شده است مع الوصف برخی بی اعتنا به آثار زشت این عمل ، آلوده به آن هستند .[[174]](#footnote-174)

حرمت ربا ، تحقیقاً به وسیله قرآن کریم و سنّت معصومین و اجماع مسلمین ثابت است ،بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات دین باشد، و ربا از گناهان کبیره بزرگ است. و در قرآن عزیز و اخبار زیادی ، به شدت با آن برخورد شده است .

از پیامبر است که در وصیتش به علی فرموده :

«ای علی! ربا هفتاد جزء است، آسانترین آنها مانند این است که مردی با مادرش در بیت الله الحرام ، زنا نماید» و نیز می‌فرماید:«هرکه ربا بخورد خداوند اندرون او را به قدری که ربا خورده از آتش جهنم پر می‌کند و اگر از آن مالی را کسب کند خداوند هیچ عملی را از او قبول نمی‌کند و مادامی که یک قیراط ربا نزد اوهست، دائماً در لعنت خدا و ملائکه قرار دارد.»[[175]](#footnote-175)

آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: حداقل هفت آیه قرآن ، تحریم ربا را ثابت می‌کند [[176]](#footnote-176)و قرآن به شدت هر نوع ربا خواری را تحریم می‌کند تا آنجا که آن را نوعی کفر به خدا می‌شمارد و به ربا خوار از ناحیه خدا و رسولش اعلان جنگ می دهد و ربا خوار را مستحق خلود در جهنم می‌داند و این کار را سبب مجازات دنیوی می‌شمرد. و در تفاسیر آیات بیان می‌کند صحنه قیامت کانونی برای تجسم اعمال انسانهاست؛ آنها که تعادل اقتصادی جامعه را در زندگی دنیا از طریق رباخواری برهم زدند در آنجا به صورت مست و مصروع و افراد دیوانه و غیر متعادل محشور می‌شوند ،و وضع ظاهری آنان همه افراد محشر را متوجه خود می‌سازد.و این مجازات را دلیلی بر حرمت ربا می‌شمارد .[[177]](#footnote-177)

از امام رضا در باره تحریم ربا آمده است : علّت حرام بودن ربا، خداى بزرگ بدان جهت ربا را نهى كرده، كه مايه تباهى اموال است، چه اگر آدمى يك درهم را به دو درهم بخرد، بهاى درهم يك درهم است و درهم دوم ناحقّ است؛ پس فروختن و خريدن به ربا به هر حال مايه زيان خريدار و فروشنده است. اين است كه خداوند متعال ربا را از جهت فسادى كه در اموال پديد مى‏آورد حرام كرده است، به همان گونه كه دادن مال شخص سفيه را به دست او حرام كرده است، چه در اينجا نيز بيم فاسد شدن مال مى‏رود، و تا زمانى كه به رشد برسد چنين است. و علّت تحريم ربا در تأخير پرداخت بدهى نيز، از بين رفتن معروف و نيكى است، و تلف شدن اموال، و تمايل پيدا كردن مردمان به ربح (بهره)، و ترك وام دادن و به كار نيكو پرداختن. و اينها همه سبب فساد است و ظلم و نابودى اموال مردمان.[[178]](#footnote-178)

### 6**-منع احتکار**

احتكار يعنی حبس نمودن و نگاه داشتن طعام و آذوقه و حبوبات و مايحتاج مردم، به انتظار اين كه اجناس گران شود و محتكر استفاده فراوان ببرد.احتکار، به لحاظ اينکه قدرت خريد مردم را کاهش می‌دهد، حرام شمرده شده است. هر مقدار پولی که عادلانه و مشروع در اختيار فردی باشد، در سيستم اقتصادی صحيح، و دور از سودجويي و استثمار، به معنی آن است که به نسبت آن وجه، حق استفاده از کالاهای جامعه را در رابطه با نياز خود دارد، ولی احتکار اين حق را از او سلب می‌نمايد. درواقع احتکار نه تنها پايمال کننده حقی از حقوق افراد است، بلکه بر اثر وجود پول، يعني وسيله مبادله کالا در دست مردم، با نبودن کالا در بازار يا کمبود آن، موجب تورم می‌شود که از مفاسد بسيار خطرناک اجتماع است و در صورت ادامه آن، آثار ناهنجار معنوی نيز به دنبال خواهد داشت و درنهايت در زنجيره نظام جامعه اختلال ايجاد خواهد کرد و درنتیجه جامعه ای فاسد خواهد ساخت.

بايد توجه داشت که معيار در احتکارِ حرام، ايجاد بازار سياه است به گونه‌ای که موجب تضييق و دشواری مردم مسلمان فراهم شود و گرنه در موارد فراوانی که عرضه بی رويه کالا چه بسا موجب تضييع و اتلاف ما شود، نه تنها حرام نيست، بلکه از جهاتی منطبق با موازين عقلايی است.

هدف اصلی احتكار برای فروشندگان، منفعت طلبی از تمايل و شتابی است كه خريداران در اثر باور كردن كميابی كالا از خود نشان داده و به ذخيره سازی و نگهداری كالا می‌پردازند.

احتکار کردن یکی از مسائلی است که در دین اسلام به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است و افرادی که در هر شغل و منصبی هستند اگر کالا و یا چیزی را که دارند احتکار کنند در قیامت دچار عذابی سخت می‌شوند.[[179]](#footnote-179)

خداوند در آیه 34 سوره توبه می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيم ٍ** کسانی که از زر و سیم گنج می‌سازند و آنها را در راه خدا خرج نمی‌کنند، به عذابی دردناک مژده ده.[[180]](#footnote-180)

رسول گرامی اسلاممی‌‌فرمایند :

«هرکس خوراکی را بخرد و برای این که آن را به مسلمانان گران بفروشد چهل روز انبار کند و پس از چهل روز آن را بفروشد و همه درآمد آن را هم صدقه بدهد کفاره گناه او نخواهد شد.»[[181]](#footnote-181)

انسان در مسير ادامه زندگی خود، ضرورت دارد با ديگران ارتباط اقتصادی و اجتماعی برقرار نمايد و نسبت به برطرف ساختن نياز يکديگر اقدام نمايد و همديگر را از بهره برداری مايحتاج زندگی و به ويژه مواد غذايی محروم نسازند.

### **7- منع اسراف و تبذیر**

اسلام مال و ثروت را مایه استواری یک جامعه وشبیه ستون فقرات جامعه می‌داند و کسی که فاقد مال باشد از آن جهت فقیر است که ستون فقرات اقتصادی او شکسته است وتوان مقاومت ندارد جامعه ای که با این افراد تشکیل شود استقلال خود را از دست داده است و با نابودی اقتصاد ،جامعه به خطر انقراض و نابودی می‌افتد و به عبارت دیگر مال به منزله خون در عروق جامعه محسوب می‌شود و نباید به صورت ناروا و ناصواب در آن تصرف کرد ونباید در اختیار سفیهان قرار داد تا در تصرف آن مسرفانه عمل کنند.[[182]](#footnote-182)

لذا قرآن کریم مسلمانان را از اسراف کردن و خسّت ورزیدن منع کرده و حالتی میانه و معتدل را که بین این دو صفت قرار دارد بیان کرده است.

**وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلک قَوَامًا .[[183]](#footnote-183)**

امام صادق نیز در تعریف اسراف می‌فرماید:

**انمّا السَّرَفُ أن تَجعَلَ ثَوبَ صَونِک ثَوبَ بِذلَتّک** [[184]](#footnote-184) ؛ «اسراف عبارت از آن است که لباس (و آبرومندانه ) را در جایی که باید لباس فرسوده (و لباس کار)پوشید بپوشی.»

### **8- منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار،تقلب و غیره**

قمار به معنای گرو گذاشتن در بازی با آلات معروف برد وباخت است و در اصطلاح فقه به مطلق گرو گذاشتن و غیر آن در مقابل عوض ، تعریف شده است.

قرآن کریم قمار بازی را پلید واز عمل شیطان می‌داند و می‌گوید قمار بازی و شرابخواری موجب عداوت ودشمنی بین مردم می‌شود و انسان را از فلاح و رستگاری و یاد خدا و نماز باز می‌دارد. ومردم را از این عمل فاسد و شیطانی نهی می‌کند ؛

 «اى کسانى که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و ازلام (نوعى بخت آزمائى)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دورى کنید تا رستگار شوید!

شيطان مى‌خواهد با شراب و قمار ميان شما كينه و دشمنى افكند و شما را از ياد خدا و نماز باز دارد، آيا بس مى‌كنيد؟»[[185]](#footnote-185)

## ب: روش های اختیاری اسلام در فقرزدایی

### **1-صدقات**

در قرآن کریم قرض در ردیف مسائلی چون صدقه ، انفاق ، زکات و نماز آمده و این حاکی از اهمیت آن است همانطور که نماز با تعالی روح و رشد عبودیت موجب ارتباط با مبدأ هستی است و به جا آوردن آن موجب دوری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌گردد قرض و صدقه و انفاق و زکات هم موجب تقرب به خداوند عالم می‌شود.اگر روزی بشر به مرحله ای از رفاه اقتصادی برسد باز هم برای این منظور قرض و صدقات و خمس و زکات لازم است .اگر در جامعه ای به این سه موضوع(انفاق، صدقه و قرض) عمل شود فاصله اقتصادی بین ثروتمندان و فقرا تا حدودی از بین می‌رود و تعادل و توازن اجتماعی به وجود می‌آید و جامعه از طهارت معنوی برخوردار می‌شود.

### **2- قرض الحسنه**

قرض الحسنه در کنار دیگر صدقات مستحب و واجب که از تعالیم و سنت های دین مبین اسلام هستند نقش قابل توجهی در ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه ایفا می‌نماید .بدون شک در هر جامعه ای عده ای پیدا می‌شوند که علی رغم تلاش و کار متعارف خویش با مشکلات غیر منتظره ای مواجه شده و وضعیت اقتصادی آنها رو به ضعف وکاستی گرایش پیدا می‌کند .

پیش بینی های تعالیم دینی مکتب اسلام در خصوص رفع چنین مشکلاتی بسیار زیبا و راه گشا بوده و چنانچه مسلمین و اعضای جامعه اسلامی نسبت به اجرای این راه کارهای پیش بینی شده مقید بوده و اهل عمل باشند بدون شک مشکلی به نام «فقر» در جامعه اسلامی یافت نخواهد شد لیکن در جامعه اسلامی امروز ما به دلیل مشکلات عدیده اقتصادی ،فرهنگی و زیربنایی توسعه و پیشرفت ونیز شرایط متأثر از حکومت های غیر اسلامی در دوران گذشته واستعمار طولانی بیگانگان ،امکان رفع فقر و ایجاد عدالت اجتماعی در کوتاه مدت میسر نمی‌باشد اما نکته اصلی و کلی این است که برای رفع بخشی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه ،باید به راه های سهل الوصول و شدنی اندیشیده و نسبت به ترویج آنها کوشید.

یکی از این راه های ممکن و نیز مؤثر در حل مشکلات اقتصادی مسأله قرض الحسنه است و در شش جای قرآن کریم موضوع قرض حسن مطرح شده و از مسلمین دعوت شده تا نسبت به این سنت حسنه قیام نموده و آن را در جامعه زنده نگه دارند.[[186]](#footnote-186)

آیات و روایات فراوانی از مؤمنان می‌خواهد که بخشی از اموال خود را برای کمک به نیازمندان و رفع گرفتاری برادران ایمانی خود قرض الحسنه دهند.رسول گرامی اسلام پاداش کسی را قرض الحسنه می‌دهد به وزن کوه های احد و رضوی می‌داند و تارک آن را محروم از بهشت ، و می‌فرماید:«هرکس به برادر مؤمنش قرض دهد ، به ازای هر درهم آن ،به وزن کوه های اُحد،رضوی و طور سینا ، حسنات در ترازوی اعمال وی نهاده می‌شود و اگر پس از فرارسیدن مهلت با او مدارا کند ،از پل صراط بدون رسیدگی به حساب، چون برق سریع و درخشنده می‌گذرد و هیچ عذابی نمی‌بیند و هر کس که برادر مسلمانش از او یاری طلبد،امّا قرض ندهد ،هنگامی که پروردگار نیکان را پاداش می‌دهد ،بهشت را بر او حرام می‌سازد.»[[187]](#footnote-187)

### 3-**وقف**

وقف، نگه­داشتن و حبس کردن عین مال و جلوگیری از انتقال آن به دیگری، به‌وسیله‌ی یکی از عقود، مانند بیع، صلح، هبه و قرار دادن منافع آن در جهتی­ که واقف آن را مشخص کرده است.

امام صادق در فضیلت و ثواب وقف می­‌فرمایند:

**خَیْرُ مَا یُخَلِّفُهُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ ثَلَاثَةٌ وَلَدٌ بَارٌّ یَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ سُنَّةُ خَیْرٍ یُقْتَدَى بِهِ فِیهَا وَ صَدَقَةٌ تَجْرِی مِنْ بَعْدِهِ**[[188]](#footnote-188) ؛ بهترین چیزى­ که انسان از خود به یادگار می­‌گذارد، سه چیز است: فرزند نیکوکارى که براى او استغفار کند، روش و سنت خوبى­ که مردم از او پیروى کنند، صدقه‌ی جاریه‌ای­ که پس از مرگش جریان داشته باشد.

### **4-هدیه**

واژة "هدیه‌" در دو آیة 35 و 36 سورة نمل آمده است‌. در این آیه‌، به هدیه‌ای که ملکه سبا "بلقیس‌" برای حضرت سلیمان‌ فرستاد، اشاره شده است‌: **وَ إِنِّی مُرْسِلَةٌ إِلَیْهِمْ بِهَدِیَّة فَناظِرَةٌ بِمَ یَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ؛ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ** همانا من ارسال می‌کنم‌، به سوی آنان هدیه‌ای‌، و منتظر می‌مانم‌. تا فرستادگان من برگردند." بدیهی است اگر سلیمان‌ هدایا را بپذیرد، معلوم می‌شود اهل دنیا است‌، ولی اگر رد کند، معلوم می‌شود پیامبری از پیامبران الهی است‌. احادیث فراوانی از معصومین‌دربارة هدیه آمده است‌. آن بزرگواران‌، پیروان خود را به هدیه دادن به دیگران‌، تشویق کرده‌اند.

امام صادق‌ می‌فرماید: «هدیه بدهید، تا بدین وسیله‌، دوستی و محبّت بین شما ایجاد شده‌، و کینه و عداوت از بین شما زایل گردد»[[189]](#footnote-189).

هدیه یا کادو، که به آن پیشکش یا تحفه نیز می‌گویند، چیزی است که آن را بدون انتظار دریافت چیزی دیگر به شخص دیگری تقدیم کنند. اگر چه ممکن است در مقابل هدیه دادن، چشمداشت هدیه‌ای متقابل داشت، اما هدیه چیزی است که آن را به رایگان می‌بخشند هدیه می‌تواند هر چیزی باشد که سبب خشنودی دیگری شود یا از غمش کاسته شود، به‌ویژه خدمتی چون بخشندگی یا مهربانی.لذا در هدیه عین مال به صاحبش بر نمی‌گردد ولی در قرض الحسنه ،عین مال به صاحبش بازگردانده می‌شود.

در تشویق به هدیه دادن حضرت علی فرمودند: « اگر به برادر مسلمان خود هدیه ای دهم که به کارش آید خوشتر است نزد من از این که همانند آن هدیه صدقه دهم.»[[190]](#footnote-190)

### **5-هبه**

«هبه» عبارت است از خارج ساختن [مال](http://wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A7%D9%84) از [ملک](http://wikifeqh.ir/%D9%85%D9%84%DA%A9) خود و به ملک دیگری در آوردن آن به طور [رایگان](http://wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DA%AF%D8%A7%D9%86) و آن قراردادی است که به [ایجاب و قبول](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%A8_%D9%88_%D9%82%D8%A8%D9%88%D9%84) [احتیاج](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D8%AC) دارد، به هر لفظی که [مقصود](http://wikifeqh.ir/%D9%85%D9%82%D8%B5%D9%88%D8%AF) را برساند.

در هر دو مالکیت مشهود است و در هر دو تبرّعی بودن وجود دارد ولی در قرض عین مال به قرض دهنده عودت می‌شود ولی در هبه تعهدی به بازگرداندن مال وجود ندارد.[[191]](#footnote-191)

1. **عاریه**

عاریه نیز رفتاری شبیه قرض الحسنه است که «به موجب آن یکی از طرفین به طرف دیگر اجازه می دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود »ولی تملیکی بودن قرض الحسنه آن را به کلی از مفهوم عاریه دور ساخته است چون در قرض الحسنه ملکیت منتقل می‌شود و قرض گیرنده باید عین مال یا قیمت آن را در پایان وقت مقرر بازگرداند ولی در عاریه مال به عاریه گیرنده تسلیم می شود تا از آن منتفع گردد و در وقت مقرر عین آن را پس دهد بنابر این عاریه در مورد اموالی است که انتقال آن با بقای عین ممکن باشد و در اثر بهره برداری از بین نرود.

## ج: تفاوت قرض الحسنه در فقر زدایی با موارد یاد شده

از آن‌جا که اسلام مخالف هرگونه گداپروری است، و پیامبرش بر دست کارگری که با کدّ یمین و عرق جبین به تأمین معیشت خویش می‌پردازد، بوسه می‌زند، و با مرور روایاتی که درباره قرض و صدقه آمده است، برتری قرض بر صدقه کاملاً آشکار می‌شود. در این فرصت چند نمونه از این روایات را بیان می‌کنیم.

رسول گرامی اسلام فرمود: شبی که به معراج برده شدم، این نوشته را بر در بهشت دیدم:

**اَلصَّدَقَةُ بِعَشْرِ اَمْثالِها وَالْقَرْضُ‌بِثَمانِیَةَ عَشَر [[192]](#footnote-192)؛**  صدقه ده برابر پاداش دارد و قرض الحسنه هیجده برابر؛

امام صادقفرمود: «اگر مالی را قرض دهم پیش من محبوب‌تر است تا همانند آن را [صله](http://wikifeqh.ir/%D8%B5%D9%84%D9%87) دهم».[[193]](#footnote-193)

رسول اکرم فرمودند:

**اَلصَّدَقَةُ بِعَشرَةٍ وَ القَرضُ بِثَمانِیَةَ عَشرَ وَ صِلَةُ الاِخوانِ بِعِشرینَ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ بِاَربَعَةٍ وَ عِشرینَ**

«صدقه دادن، ده حسنه، قرض دادن، هجده حسنه، رابطه با برادران [دینى‏]، بیست حسنه و صله رحم، بیست و چهار حسنه دارد.»[[194]](#footnote-194)

پاداشِ قرض دادن از صدقه بیشتر است زیرا: همان طور که در حدیث فوق اشاره شد ،قرض به طور معمول به دست نیازمند می‌رسد،در حالی که چه بسا صدقه به کسی رسد که گدایی،پیشه اوست و نیازی ندارد. به طور معمول،انسانهای آبرومندی که هرگز حاضر به گدایی نیستند، به هنگام نیاز قرض می‌گیرند، در نتیجه شخصیتِ آنان حفظ می‌گردد. از نظر اجتماعی، صدقه دادنِ بی حّد و مرز ،عامل رواج گدایی، تنبلی و راهِ درآمد نامشروعی برای عده ای فرصت طلب است،در حالی که گیرنده قرض خود را موظف به کار و تلاش می‌بیند و به طور طبیعی،جامعه شاهد پویایی و حرکت خواهد بود.

بنابر‌این طبق احادیث فوق، قرض الحسنه، نسبت به صدقه‌، از جایگاه بالاتری برخوردار است ‌زیرا در قرض الحسنه‌، مال به دست کسی می‌رسد که به آن نیاز دارد؛ چرا که انسان بی‌نیاز قرض نمی‌گیرد، برخلاف صدقه که ممکن است به دست انسان بی‌نیاز بیفتد. در ضمن پولی که به عنوان قرض پرداخت می‌گردد،دیگر بار به صاحبش برگشته ،می‌تواند گره از کار نیازمندی دیگر بگشاید. بر خلاف صدقه که مال صدقه داده شده به صاحبش بر نمی‌گردد.

امام صادق‌ در این‌باره می‌فرماید:

« پاداش قرض از این رو از پاداش صدقه بیش‌تر است که قرض‌گیرنده جز از روی نیاز قرض نمی‌گیرد، ولی صدقه گیرنده گاهی با این‌که نیاز ندارد، صدقه می‌گیرد.»

در همه موارد ذکر شده اعم از پرداخت زکات ،خمس ، نفقه ،ارث و عدم پرداخت ربا واحتکار نکردن، قناعت کردن واسرف نکردن و... به نوعی کمک کردن به هم نوع ،خانواده، فقیر و غیره می باشد و در هیچ یک از این موارد اصل مال به صاحبش بر نمی‌گردد ولی در قرض الحسنه اصل مال در زمان رسید موعد مقرر به صاحبش بر می‌گردد.

قرض الحسنه با سایر عقود اسلامی مثل بیع،شرکت و ودیعه نیز تفاوت دارد تفاوت قرض با بیع این است که در بیع دو مال با هدف سود جویی با هم مبادله می‌شوند ولی در قرض ، وام گیرنده اصل مال یا بدل آن را برمی‌گرداند.فرق قرض با شرکت هم در سود داشتن در شراکت است که شریک سهم خود را کسر و بقیه را به صاحب مال می‌دهد ولی در قرض عین مال برگردانده می شود و سود ندارد. در تفاوت قرض با ودیعه می‌توان گفت در قرض موقع سررسید وام، انتقال مالکیت تحقق می‌یابد ولی در ودیعه هیچ انتقالی وجود ندارد .

# جمع بندی

# معیارهایی که در توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام مؤثرند برخی شرعی و الزامی و برخی اختیاری هستند معیارهای الزامی مثل خمس و زکات و ارث و منع ربا و.... که شرع برای همه مردم مقرّر کرده است در صورتی که رعایت شود می‌تواند به رفع فقر از جامعه کمک کند و برخی روشها اختیاری هستند که در شرع تعریف شده ولی الزامی در انجام آن نیست و جزو مستحبات دین می‌باشند مثل قرض الحسنه ،صدقه و....در صورتی که شخصی به این روشهای اختیاری ،خود را ملزم کند و در این امور خیر شرکت کند علاوه بر پاداش دنیوی و اخروی می تواند در فقرزدایی از جامعه نقش بی بدیلی را ایفا کند.

# نتیجه

قرض الحسنه میثاق و پیمانی میان انسان و خداوند است که پایبندی به آن در حقیقت ارج نهادن به گوهر انسانیت و شخصیت واقعی انسان است عمل به این میثاق ،نیازمند دلدادگی انسان به آفریدگار هستی و اعتماد به وعده های خدا و ایمان و باوری است که در دل ریشه دوانیده باشد و به طبع، نتایج چنین باور و ایمانی شکوفایی فضیلت ها و گسترش نورانیت و معنویت در دلهاست که ارزنده ترین ارزش ها و گواراترین میوه های الهی شدن انسان است و اساساً سنت های الهی برای همین مقصد و هدف تشریع شده است تا جامعه با عمل به آنها به زندگی پاکیزه دست یابد و با عمل به هر سنتی گامی به جلو بردارد و مرتبه ای از کمال انسانی را طی کند و با هر قدمی که برمی‌دارد به نیکی ها مایل تر و از زشتی ها و رذیلت ها بیزارتر می شود .اگر انسان با نیت خیرخواهانه و کسب خشنودی خداوند بزرگ اقدام به قرض دادن کند و نیاز نیازمند و احتیاج او و موقعیت و روحیه او را درک کند ، بداند که خداوند او را به پاداشهای بزرگ بشارت داده است و او را به پیشرفتهای معنوی که در میدان عمل بدست آورده می‌رساند تا در این مسیر مشتاقانه تر و امیدوارانه تر تلاش کند .

در قرض الحسنه، قرض دهنده، اصل مال را به تملیک دیگری درمی‌آورد تا عوض (عین، مثل یا قیمت) آن را در موعد مقرر بدون هیچ گونه اضافه ای پس بگیرد. این رفتار اقتصادی، باعث انتقال مبالغ و منابع از طبقات ثروتمند جامعه برای مدتی معین به نیازمندان آن برای رفع نیازهای مصرفی ضروری یا تهیه ی امکانات لازم برای بنگاه های کوچک تولیدی یا خدماتی می‌شود. قرض الحسنه ی مورد توجه قرآن و سنت، علاوه بر رفع نیاز نیازمندان و حل مشکلات آنان، در جهت تزکیه ی نفس، زدودن گناهان و تربیت نفسانی قرض دهندگان بسیار موثر است. علاوه بر این، قرض الحسنه از جهت مادی و معنوی، دارای آثار و برکات فراوان دنیوی و اخروی است که خداوند به قرض دهندگان عطا می‌نماید. دو نکته ی اساسی در رابطه با مفهوم قرض الحسنه با تعریف قرآنی - حدیثی مورد تاکید است: یکی این که گیرنده ی اصلی قرض حسن، خداوند است و اوست که از بنده اش قرض می خواهد و لذا تمامی رفتارها و برخوردهای قرض دهندگان باید بر این اساس تغییر یابد و مورد توجه واقع شود. دوم این که نوع قرضی که خداوند خواسته و در قرآن کریم بر آن تاکید نموده است قرض حسن است و بر همین اساس، شایسته است بندگان خداوند همواره در جهت حسن بودن و حسن ماندنِ قرضی که می دهند دقت و مواظبت نمایند تا از آثار و برکات فراوان آن محروم نگردند.

نیازمند بودن وام گیرنده در قرض الحسنه اصلی مهم است واگر نیاز او ضروری نباشد وام گرفتن او امری ناپسند است در صورتی که قرض گرفت باید متعهد شود که خود مال یا مثل و بهای آن را به وام دهنده بازگرداند و بهتر است بازگردان قرض به صورت نیکوتر باشد .

پیاده سازی قرض الحسنه با برنامه های مدرن در اموری مشخص و با شرط های خاص، می تواند زمینه ی مشارکت عمومی و کاهش آثار سوء مداخله دولت در اقتصاد را به همراه داشته باشد. البته به طور معمول، قرض الحسنه با ریسک عدم بازپرداخت همراه است. بنابراین با توجه به وظیفه دولت در نظارت بر فعالیت های بخش خصوصی جهت اجرای احکام و جلوگیری از انحراف از اهداف اقتصادی، دولت می‌تواند با دخالت در قرض الحسنه به عنوان یک نهاد ناظر و حامی، حاضر باشد. همچنین در قرض الحسنه توجه ویژه ای به توان اقتصادی افراد جامعه شده است و وظیفه تأمین نیازهای جمعی زندگی افراد به عهده مردم گذاشته شده است تا با استفاده از ابزار قرض، به صورت تدریجی نسبت به رفع نیازهای هم و ایجاد توزیع مناسب تر درآمدها کمک کنند.

یکی از این امور اقتصادی که امروزه در جامعه ما جایگاه ویژه ای دارد و همه مردم به نوعی با آن سر وکار دارد مسئله قرض الحسنه است اگر مردم با آداب و شرایط و چگونگی این عمل خیر بیشتر آشنا شوند و فرهنگ آن در جامعه رواج پیدا کند نه تنها به ثواب و پاداش نیک می‌رسند بلکه با این عمل باعث رفع نیازمندان و حرکتی در جهت رشد اقتصادی جامعه می‌شوند با توجه به اینکه اسلام کسب روزی حلال را در مقام و منزلتی خاص قرار داده لذا یک مسلمان با توجه به این عمل مهم نباید آگاهانه درآمد و روزی خود را به حرام آلوده سازد و با گرفتن «ربا» از قرض گیرندگان اقتصاد جامعه را فلج و نیازمندان را محتاج تر و خود را اسیر دام گناه و معصیت نماید.

در قانون بانکداری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران توجه خاصی به قرض الحسنه شده است و از این قرارداد در تجهیز و تخصیص منابع استفاده می شود. از دیرباز قرض الحسنه در کنار صدقات، عقود مبادله ای و مشارکتی به عنوان یکی از جایگزین های ربا در تجهیز و تخصیص منابع معرفی شده است. نظام اقتصادی، قرض الحسنه را به عنوان یکی از شیوه ها و ابزارهای موثر برای کاهش نابرابری در توزیع درآمد در نظر گرفته است که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تامین نیازهای ضروری طبقات مزبور می تواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقش فعالی داشته باشد. در یک جمله، در قرض الحسنه هدف سودآوری بانک ها نیست؛ بلکه بانک ها صرفا واسطه ای میان سپرده گذاران و نیازمندانی هستند که تسهیلات را تقاضا می کنند.

آن چه در قرض الحسنه اهمیت فراوان دارد، خصوصی بودن آن و حرکت خود جوش مردم در زمینه رفع نیازهای ضروری یکدیگر و کاهش عدم توازن در جامعه اسلامی می باشد و برای حفظ قرض الحسنه به عنوان نهادی که ویژگی های یک توزیع مطلوب را داراست، دخالت دولت باید صرفاً در زمینه هدایت و تقویت انگیزه ها و فراهم ساختن زمینه مشارکت هر چه بیش تر مردم صورت گیرد.

در مجموع، قرض الحسنه می تواند به عنوان ابزار مفیدی در راستای تحقق اهداف توزیعی و فقر زدایی عمل کند و به همین دلیل می توان آن را سازگار با اهداف توزیعی جامعه اسلامی دانست.

# راهکارها و پیشنهادات

1. ترویج فرهنگ قرض الحسنه
2. توزیع اوراق قرض الحسنه
3. تامین مالی طرح های عام المنفعه
4. تامین سرمایه اشتغال اقشار کم درآمد
5. اعطای قرض الحسنه جهت نیازهای ضروری
6. راه اندازی صندوق های قرض الحسنه خانوادگی
7. ایجاد نظام بانکداری بدون ربا
8. حمایت دولت از صندوقهای قرض الحسنه

# فهرست منابع

\*قرآن کریم ، مترجم محمد آیتی

\*نهج البلاغه ،مترجم محمد دشتی

\*نهج الفصاحه ، مترجم محسن شیرمحمدی

1. ابن بابویه ، محمد بن علی «شیخ صدوق » ،**امالی،**چاپ ششم،تهران : کتابچی، 1376

2. ابن فارس،**معجم مقاییس اللغه** ، محقق عبدالسلام محمد هارون، ج5 ، ص454

3. ابن منظور، محمد بن مکرم ،**لسان العرب**،قم،ادب الحوزه،1405،ج6،ص70

4. اسد زاده ، اکبر، **سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین ع** ، چاپ اول ، تهران : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، 1381

5. امین ، نصرت السادات ، **مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید** ، ج 13، اصفهان : انتشارات بانو امین ،بی تا

6. ایروانی ، جواد ، **فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های** **اسلامی** ،ج2، چاپ اول، مشهد : دانشگاه علوم رضوی،1387

7. آربلاستر، آنتونی ، **ظهور و سقوط لیبرالیسم** ، نقل از کتاب نگاهی به فقر و فقرزدایی

8. بیک محمدی، جواد **، قرض و قرض الحسنه (جایگاه آن در قرآن ، حدیث و فرهنگ جاری** **جامعه)**،تهران :دانشگاه امام صادق «ع» ،1390

9. تحریری، محمد باقر ، **اخلاق اجتماعی**،چاپ چهارم، قم : نشر هاجر،1397

10. تقدسی نیا ، خسرو ، **هفت سنبله**، چاپ اول ، آوای منجی ،1390 ،

11. جوادی آملی ،**تسنیم تفسیر قرآن کریم**، ج 11، چاپ اول ، قم : نشر اسراء ،1385

12. \_\_\_\_\_\_\_\_، عبدالله ، **مفاتیح الحیاة**، چاپ یازدهم، قم : اسراء،1391

13. \_\_\_\_\_\_\_\_، **نسبت دین و دنیا** ، چاپ اول ، قم : نشر اسراء، 1381

14. جوهری فارابی،ابی نصر اسماعیل بن حماد، **الصحاح ،** ج 3،چاپ پنجم، بیروت:دارالاحیا التراث العربی ،1430 ق

15. الحر العاملی ،محمدبن الحسن ،**وسایل الشیعه** ، ج9، ص175 ،ح2

16. حسینی اصفهانی ،سید مرتضی ،**اسلام وراهکار فاصله طبقاتی**، چاپ اول ،قم، فرهنگ قرآن، 1380

17. حکیمی، محمد ، **معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام** ،چاپ چهارم، مؤسسه بوستان کتاب ، 1390 ، بی جا

18. حکیمی، محمدرضا ؛ حکیمی، محمد ؛ حکیمی، علی ،**الحیاة** ،ترجمه احمد آرام، ج‏4،چاپ هفتم ، قم : دلیل ما،1385

19. دشتی، محمد ، **نهج الحیاة، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)** ،چاپ اول، ج 1، قم : مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین ،1377

20. راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ،**مفردات الالفاظ القران الکریم** ،مصحح داودی ،بیروت : دارا لشامیه ، بی تا

21. \_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_، **المفردات فی غریب القران**، محقق ندیم مرعشلی ،ص523

22. رحمتی شهرضا، محمد **، گنجینه معارف**، چاپ چهارم، قم : صبح پیروزی ،1386

23. رشیدالدین میبدی، ابوالفضل، **کشف الاسرار و عدة الابرار**،ج 1، چاپ هشتم ،امیر، 1389،بی جا

24. صدر، سید محمدباقر، **اقتصاد ما**، ترجمه محمدکاظم موسوی ،ج۱،برهان ،1350،بی جا

25. طباطبایی ، سید محمد حسین ، **تفسیر المیزان** ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ،ج4 و38 و37

26. طبرسی، حسن بن فضل،**مجمع البیان** ،ج3، 1350ش،ص72

27. الطریحی،فخرالدین ،**مجمع البحرین**،محقق سیداحمد حسینی ،چاپ سوم، تهران:1375، مرتضوی، ج4،ص 66

28. طوسی ، محمد بن حسن**، النهایة** ، چاپ دوم، بیروت : دارالکتب الاسلامیه ،1400 ه.ق ، ص188

29. عبدوس، محمد تقی، اشتهاردی ، محمد محمدی ، **آموزه های اخلاقی –رفتاری امامان شیعه** ، چاپ دوم ، قم ،بوستان کتاب،1384

30. فراهانی فرد ، سعید ، **نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام**، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی دانش واندیشه معاصر ،1378، بی جا

31. فیض کاشانی، محسن ،**ترجمه الشریعه** ،ج 1، قم : توحید، 1380

32. قرائتی ، محسن، **خمس و زکات** ، چاپ ششم ، تهران : ،، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن 1387،ص 95

33. قرائتی، محسن ،**تفسیر نور**،چاپ پنجم،مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، 1389

34. قرشی ، سید علی اکبر ، **قاموس قرآن**، ج 5،چاپ هفدهم،تهران، دارالکتب الاسلامیه ، 1390

35. کلینی،محمد بن یعقوب ،**اصول کافی**، ترجمه محمد باقر کمره ای ،ج4،چاپ ششم، تهران : اسوه ، 1383 ه.ش

36. گرنیرپان ، آلیا ندرو ، **سیاستهای فقرزدایی** ، ترجمه دکتر ناصر موفقیان ،تهران : مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی،1382

37. مجلسی ، محمد باقر ، **بحارالانوار** ، ج 103 ،بیروت : الامیره ،1429 ق

38. محمدی ری شهری،محمد ، **منتخب میزان الحکمه**،ترجمه حمیدرضا شیخی، قم : دارالحدیث، 1387

39. مطهری، مرتضی، **آشنایی با قرآن**،ج 10،چاپ دوم،تهران : صدرا،1384

40 مغنیه، محمد جواد ،**تفسیر کاشف**، مترجم ، موسی دانش، ج 1 ، قم : بوستان کتاب ، 1383

41. مکارم شیرازی **،** ناصر ، **ربا و بانکداری اسلامی** ، چاپ اول ، قم : مدرسه الامام علی بن ابیطالب،1376

42. \_\_\_\_\_\_\_\_\_ ، **تفسیر نمونه** ، ج 25،24،23،8،2 ، چاپ نوزدهم،دارالکتب الاسلامیه ، تهران، 1365

43. موسوی الخمینی ، روح الله ،**تحریرالوسیله**، ج 2،چاپ سیزدهم، دفتر انتشارات اسلامی، 1375

44. موسویان ، سید عباس ، **ابزار های مالی اسلامی (صکوک)،**چاپ چهارم، تهران : پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ،1386

45. نراقی، محمد مهدی ،**جامع السعادات**،ج2،بیروت :دارالاندس، 1431 ق

46. نوری همدانی ،حسین ،**مسأله ربا**، چاپ اول، پارسیان،1389،قم،ص 42

47. نهاوندی ، علی ، **فرهنگ خدمت رسانی** ، چاپ اول ، مشهد : انتشارات آستان قدس رضوی -1382

48. نیک یار، عزت ،**نظام توزیع ثروت در قرآن**، چاپ اول، قم: نشر هاجر، 1396

49. هادوی نیا، علی اصغر، **قرض الحسنه وآثار اقتصادی آن**، قم : پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1378

50. هاشمی رفسنجانی، اکبر ، **فرهنگ قرآن «کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن»** ،چاپ دوم، قم : بوستان کتاب ،ج 23

51. الهندی البرهانی ،علا ءالدین علی ،**کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**،بیروت: مؤسسه رسالت ،بی تا

فصلنامه:

1. فصلنامه علمی ، کاربردی قرض الحسنه ،وام ذخیره ماندگار، شماره 70 ،پاییز 1393

2. کمیجانی، علی اکبر و هادوی نیا، علی اصغر، درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن ، مجله علمی- پژوهشی مفید،1377، ش14

3. گزیده ای از پژوهش مرتضی نظری ، وام ذخیره ماندگار ،فصلنامه علمی کاربردی قرض الحسنه ، شماره 59 ،1390، ص25

4. میرمعزی، سیدحسین، ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن، مجله علمی –پژوهشی مفید ،1377، ش14،بی جا

مقالات :

1-هادوی نیا، علی اصغر، نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی ، سال اول ، شماره 2، 1395، ص 188،پایگاه مجلات تخصصی نور

سایت :

1. بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد، برگرفته از اینترنت

2. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی،چاپ سوم، تهران ،سمت ،1379 ، ص 122

3. محمد احمدي، علی ، محمدغفاري، حسن ، وفایی یگانه، رضا، بررسي تأثير قرض‌الحسنه بر توزيع درآمد، برگرفته از سایت دانشگاه فردوسی مشهد پژوهشکده حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی،چاپ سوم، تهران ،سمت ،1379

1. .حسین بن محمد ،راغب اصفهانی ،مفردات الالفاظ القران الکریم ،ص 666، سید مرتضی حسینی اصفهانی،اسلام و راهکار فاصله طبقاتی،ص 5 [↑](#footnote-ref-1)
2. .ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه ، ج 24،چاپ نوزدهم،تهران،دارالکتب الاسلامیه، 1380،ص 211 [↑](#footnote-ref-2)
3. - «أي: تجوزهم و تدعهم إلى أحد الجانبين و سمّي ما يدفع إلى الإنسان من المال بشرط ردّ بدله قَرْضاً،» حسین بن محمد ،راغب اصفهانی ،مفردات الالفاظ القران الکریم ،ص 667 [↑](#footnote-ref-3)
4. .حسین بن محمد راغب اصفهانی ،مفردات الالفاظ القران الکریم ، ص 666 ،جواد بیک محمدی ،قرض و قرض الحسنه، چاپ اول،تهران ،دانشگاه امام صادق، 1390.ص9 [↑](#footnote-ref-4)
5. . سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج 5، چاپ هفدهم،تهران : دارالکتب الاسلامیه، 1390،ص 306 [↑](#footnote-ref-5)
6. . ابی نصر اسماعیل بن حماد جوهری فارابی ،الصحاح ،چاپ پنجم ،بیروت،دارالاحیاالتراث العربی،1430 ق،ج 3،ص1102-اکبر هاشمی رفسنجانی،فرهنگ قرآن ،کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن،چاپ دوم ،قم،بوستان کتاب ، بی تا ، ص 224 [↑](#footnote-ref-6)
7. 3. ابن فارس، ،محمد عبدالسلام محمد هارون، معجم مقاییس اللغه، ج 5،ص455، سید مرتضی حسینی اصفهانی ،اسلام وراهکار فاصله طبقاتی، چاپ اول ،قم، فرهنگ قرآن، 1380، .ص5 [↑](#footnote-ref-7)
8. . روح الله موسوی الخمینی،تحریرالوسیله،چاپ سیزدهم، دفتر انتشارات اسلامی، 1375، ج2 ،ص572 [↑](#footnote-ref-8)
9. .حسن بن فضل طبرسی،مجمع البیان،ج3، 1350 ش، ص72 [↑](#footnote-ref-9)
10. . محمد تقی عبدوس ومحمد محمدی اشتهاردی ، آموزه های اخلاقی –رفتاری امامان شیعه ، چاپ دوم ، قم ،بوستان کتاب،1384 ،ص47) [↑](#footnote-ref-10)
11. . خسرو تقدسی نیا، هفت سنبله، چاپ اول ، آوای منجی ،1390 ، ص211 [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره بقره (2) آیه 110 [↑](#footnote-ref-12)
13. . عبداله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج 11، ،چاپ اول ، قم، نشر اسراء ،1385 ،ص587 [↑](#footnote-ref-13)
14. . جواد بیک محمدی ، قرض و قرض الحسنه ، (جایگاه آن در قرآن ، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)، ص9 [↑](#footnote-ref-14)
15. . عبدالله جوادی آملی،تسنیم تفسیر قرآن کریم ، ص598 [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره فاطر(35) آیه 15 [↑](#footnote-ref-16)
17. . حسین بن محمد راغب اصفهانی،مفردات الالفاظ القران،ص 529 [↑](#footnote-ref-17)
18. . سیدعلی اکبر قرشی،قاموس قرآن،ج 5، ص 197 [↑](#footnote-ref-18)
19. . سعید فراهانی فرد ،نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، بی جا، مؤسسه فرهنگی دانش واندیشه معاصر ،1378،ص17 [↑](#footnote-ref-19)
20. . اکبر اسد زاده ،سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین ع ، چاپ اول ،مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، 1381،ص9 [↑](#footnote-ref-20)
21. . محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی،علی حکیمی ،الحیاة ،ترجمه احمد آرام، ج‏4، چاپ هفتم ، قم ،دلیل ما ،1385 ،ص516 [↑](#footnote-ref-21)
22. . محمد حسین طباطبایی ،المیزان ،ج 18 ،ترجمه سید محمد باقر موسوی ،چاپ سوم ، تهران،انتشارات محمدی، 1362،ص 192 [↑](#footnote-ref-22)
23. 4.محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای ،ج3، چاپ ششم، تهران : اسوه ، 1383 ه.ش

    ،ص 503 ، ح 18 [↑](#footnote-ref-23)
24. 1. اکبر اسدزاده ،سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین ع ، ص9 [↑](#footnote-ref-24)
25. . ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه ، ج 8 ، 1380،ص 6 [↑](#footnote-ref-25)
26. . محمدرضا حكيمى، محمد حكيمى، علی حكيمى، الحياة ، ص400 [↑](#footnote-ref-26)
27. .روح الله ،موسوی الخمینی، تحریر الوسیله ،مترجم علی اسلامی ،ج 2، دفتر انتشارات اسلامی،ص 47 [↑](#footnote-ref-27)
28. . پژوهشکده حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی،چاپ سوم، تهران ،سمت ،1379 ، ص 122 [↑](#footnote-ref-28)
29. .فقر نسبی این است که فرد گرچه برخوردار از مقدار ضروری خوراک ،پوشاک ، مسکن و دارو و درمان است،ولی از امکانات و وسایل راحتی که غالب مردم از آن برخوردارند یعنی نسبت به متوسط زندگی اجتماعی فقر است. [↑](#footnote-ref-29)
30. .شیخ طوسی، النهایة ، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب الاسلامیه ،1400 ه.ق ، ص188 [↑](#footnote-ref-30)
31. . مقصود از فقر مطلق مقدار نیاز ضروری یک فرد به خوراک ،پوشاک ،مسکن،دارو و درمان جهت حفظ جان ،سلامت بدن و ادامه حیات است به گونه ای که تأمین نشدن این مقدار ، موجب به خطر افتادن جان ،یا سلامت بدن گردد. [↑](#footnote-ref-31)
32. . سعید فراهانی فرد، نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام، ص19 [↑](#footnote-ref-32)
33. . سوره فاطر(35)، آیه15،« اى مردم، همه شما به خدا نيازمنديد. اوست بى‌نياز و ستودنى.» [↑](#footnote-ref-33)
34. . سعید فراهانی فرد ، نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام ،ص21 [↑](#footnote-ref-34)
35. **.** محمد حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام ،چاپ چهارم، مؤسسه بوستان کتاب ، 1390،ص 113 [↑](#footnote-ref-35)
36. **.** محمد حکیمی، همان ،ص 127 [↑](#footnote-ref-36)
37. . محمدرضا، حكيمى، محمد ،حكيمى، علی ، حكيمى ، الحياة، ص390 [↑](#footnote-ref-37)
38. . عزت نیک یار ،نظام توزیع ثروت در قرآن، چاپ اول، قم، نشر هاجر، 1396، ص 57 -58 [↑](#footnote-ref-38)
39. . محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی،علی حکیمی ، الحياة ، ص442 [↑](#footnote-ref-39)
40. . همان ،ص 443 [↑](#footnote-ref-40)
41. . ابن فارس،معجم مقاییس اللغه ، محقق عبدالسلام محمد هارون، ج5 ، ص454 [↑](#footnote-ref-41)
42. .حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القران، محقق ندیم مرعشلی ،ص523 [↑](#footnote-ref-42)
43. . جواد ایروانی و دیگران ، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی ،ج2، چاپ اول، مشهد ،دانشگاه علوم رضوی،1387 ،ص280 [↑](#footnote-ref-43)
44. .«[إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَ إِنْ تُخْفُوها وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَراءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَکُمْ وَ يُکَفِّرُ عَنْکُمْ مِنْ سَيِّئاتِکُمْ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ](http://www.tadabbor.org/?page=quran&SID=2&AID=271) »اگر آشكارا صدقه دهيد كارى نيكوست و اگر در نهان به بينوايان صدقه دهيد نيكوتر است و گناهان شما را مى‌زدايد. و خدا به كارهايى كه مى‌كنيد آگاه است. [↑](#footnote-ref-44)
45. 3.« إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ، فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ ، وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيم» [↑](#footnote-ref-45)
46. . جواد ایروانی ،همان ص281 [↑](#footnote-ref-46)
47. .سوره زمر ( 39 ) ، آیه 10 [↑](#footnote-ref-47)
48. .سوره نحل (16)آیه 90، « [إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إيتاءِ ذِي الْقُرْبي‏ وَ يَنْهي‏ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُون »َ](http://www.tadabbor.org/?page=quran&SID=16&AID=90) [↑](#footnote-ref-48)
49. .محمد باقر تحریری،اخلاق اجتماعی،چاپ چهارم، قم ، نشر هاجر،1397،ص 40 [↑](#footnote-ref-49)
50. .یعقوب کلینی،اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای ،ج4،چاپ ششم، اسوه ، 1383 ه.ش ،ص581 [↑](#footnote-ref-50)
51. .سوره روم(30) آیه 39 [↑](#footnote-ref-51)
52. .سوره بقره (2) ، آیه 286 [↑](#footnote-ref-52)
53. 3 محمد رحمتی شهرضا،گنجینه معارف، چاپ چهارم،صبح پیروزی ،1386،ص 499 [↑](#footnote-ref-53)
54. .حسین نوری همدانی،مسأله ربا، چاپ اول، پارسیان،1389،قم،ص 42 [↑](#footnote-ref-54)
55. .سوره بقره (2) آیه 245 [↑](#footnote-ref-55)
56. . ناصر مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ص 224 [↑](#footnote-ref-56)
57. .همان ،ص 223 [↑](#footnote-ref-57)
58. . همان، ص226 [↑](#footnote-ref-58)
59. .سوره مائده، ( 5) ،آیه 12 [↑](#footnote-ref-59)
60. . محمد تقی عبدوس ومحمد محمدی اشتهاردی ، آموزه های اخلاقی –رفتاری امامان شیعه ،ص49 [↑](#footnote-ref-60)
61. . همان ،ص50 [↑](#footnote-ref-61)
62. . سوره تغابن (64) ،آیه 17 [↑](#footnote-ref-62)
63. . محسن قرائتی ،تفسیر نور،چاپ پنجم،مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، قم: بوستان کتاب،بی تا ، 1389 [↑](#footnote-ref-63)
64. .سوره حدید ، (57 )، آیه 18 [↑](#footnote-ref-64)
65. .ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه ، ص 344 [↑](#footnote-ref-65)
66. .نصرت السادات امین ، مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید ، جلد 13 ، اصفهان ، بی تا ،ص 141 [↑](#footnote-ref-66)
67. .سوره مزمل،(73) آیه 20 [↑](#footnote-ref-67)
68. . ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه ، ص197 [↑](#footnote-ref-68)
69. . سوره حدید، (57) ،آیه 11 [↑](#footnote-ref-69)
70. . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ، ص 321 [↑](#footnote-ref-70)
71. . محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه ، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث ، 1387،ص 1017 ،ح5217 [↑](#footnote-ref-71)
72. . محسن فیض کاشانی،ترجمه الشریعه ،ج 1، قم، توحید، 1380، ص59؛ محمد محمدی ری شهری، همان ،ح5222 [↑](#footnote-ref-72)
73. . جواد بیک محمدی، قرض و قرض الحسنه، ص21 [↑](#footnote-ref-73)
74. . محمدبن حسن الحر العاملی،وسایل الشیعه،ج 13،ص88،ح 55 [↑](#footnote-ref-74)
75. . فصلنامه علمی –کاربردی قرض الحسنه ،وام ذخیره ماندگار، شماره 70 ، پاییز 1393 [↑](#footnote-ref-75)
76. . کمیجانی، علی اکبر و هادوی نیا، علی اصغر، «درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، نامه مفید،1377، ش14، ص235 [↑](#footnote-ref-76)
77. . سیدحسین، میرمعزی ، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن»، نامه مفید،1377، ش14، ص218.  [↑](#footnote-ref-77)
78. . «**لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» سوره نساء** ( 3) آیه 114 [↑](#footnote-ref-78)
79. . علی اصغر، هادوی نیا، قرض الحسنه وآثار اقتصادی آن، قم ، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1378، ص 60-55. [↑](#footnote-ref-79)
80. . محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار ،ج 103 ، ص 150 [↑](#footnote-ref-80)
81. .سورره بقره(2 ) آیه282 [↑](#footnote-ref-81)
82. . محمد تقی عبدوس ومحمد محمدی اشتهاردی ، آموزه های اخلاقی –رفتاری امامان شیعه ، ص50 [↑](#footnote-ref-82)
83. .محمد جواد مغنیه، تفسیر کاشف، مترجم،موسی دانش، ج 1 ، قم : بوستان کتاب ، 1383 [↑](#footnote-ref-83)
84. . نصرت السادات امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید ، ص129-130 [↑](#footnote-ref-84)
85. . محسن فیض کاشانی ،ترجمه الشریعه، ص59 [↑](#footnote-ref-85)
86. .پایگاه اطلاع رسانی حوزه ،مجله دانش پژوهان ،پاییز و زمستان 1385 ،شماره 9 ، بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد [↑](#footnote-ref-86)
87. . سید محمدباقرصدر، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی ،ج۱،برهان ،1350، ص431-432 [↑](#footnote-ref-87)
88. . محمد حسین طباطبایی ،تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی،ج 39،چاپ دوم،تهران ، انتشارات محمدی،1361،ص 261 [↑](#footnote-ref-88)
89. . جواد بیک محمدی، قرض و قرض الحسنه ، چاپ اول،دانشگاه امام صادق، 1391،ص 18-20 [↑](#footnote-ref-89)
90. . سوره مائده (5)،آیه 12 [↑](#footnote-ref-90)
91. . أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَقْرِضُوا اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا ...؛ سوره مزمل (73)آیه 20 [↑](#footnote-ref-91)
92. . علاء الدین الهندی ، کنز العمال،بیروت،مؤسسه رسالت،بی تا [↑](#footnote-ref-92)
93. . محمد بن علی ابن بابویه «شیخ صدوق »،امالی،چاپ ششم ، تهران : کتابچی ، 1376 ،ص516 [↑](#footnote-ref-93)
94. .محمد دشتی ،ترجمه نهج البلاغه،چاپ اول، اوج علم، 1380، نامه 31، ص 528 [↑](#footnote-ref-94)
95. . خسرو تقدسی نیا، هفت سنبله، ص 21 [↑](#footnote-ref-95)
96. .جواد بیک محمدی،قرض و قرض الحسنه (جایگاه آن در قرآن ، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)، ص36 [↑](#footnote-ref-96)
97. . علی اصغر هادوی نیا،قرض الحسنه و آثار اجتماعی آن، چاپ اول ، پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی،1378،ص109-114 [↑](#footnote-ref-97)
98. . محمد بن یعقوب کلینی،اصول کافی،ترجمه محمد باقر کمره ای،ج 5،ص 89،ح 2 [↑](#footnote-ref-98)
99. .« [**مَنْ ذَا الَّذي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ**](http://www.tadabbor.org/?page=quran&SID=2&AID=245)**»** [↑](#footnote-ref-99)
100. . ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه ، ص225 [↑](#footnote-ref-100)
101. . محمد حسین طباطبایی ،تفسیر المیزان ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ،ج4 ،ص 128 [↑](#footnote-ref-101)
102. .سید محمدحسین طباطبایی ،همان، ج38 ، ،ص 266 ، [↑](#footnote-ref-102)
103. .« إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ » [↑](#footnote-ref-103)
104. . ناصر مکارم شیرازی ،تفسیر نمونه ، ،ص 211 [↑](#footnote-ref-104)
105. . نصرت السادات امین ،مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید ، ص353 [↑](#footnote-ref-105)
106. .ابوالفضل رشیدالدین میبدی، کشف الاسرار و عدة الابرار،ج 1،چاپ هشتم ،امیر، 1389، ص658 [↑](#footnote-ref-106)
107. . محمد حسین طباطبایی،همان ،جلد 37، ص321 [↑](#footnote-ref-107)
108. .راغب اصفهانی،حسین بن محمد ،مفردات الالفاظ القران،ص 667 [↑](#footnote-ref-108)
109. . **سید علی اکبر قرشی،**قاموس قرآن ج2 ص253 [↑](#footnote-ref-109)
110. . جواد بیک محمدی، همان،ص37 [↑](#footnote-ref-110)
111. .سوره مزمل (73) ،آیه 20 [↑](#footnote-ref-111)
112. . نصرت السادات امین ،مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید ،ص176 [↑](#footnote-ref-112)
113. . محمد باقر مجلسی ،بحار الانوار،ج 77،ص115 [↑](#footnote-ref-113)
114. . حكيمى، محمدرضا و حكيمى، محمد و حكيمى، على، الحياة / ترجمه احمد آرام - تهران، چاپ: اول، 1380 ج .4 ،ص398 [↑](#footnote-ref-114)
115. .«یَمحَقُ اللهُ الرِّبَا وَیُربِی الصَّدَقَاتِ» [↑](#footnote-ref-115)
116. . سید عباس موسویان ،ابزار های مالی اسلامی (صکوک)،چاپ چهارم، تهران : پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ،1386 [↑](#footnote-ref-116)
117. .مرتضی مطهری،آشنایی با قرآن،ج 10،چاپ دوم،تهران ،صدرا،1384،ص 81 [↑](#footnote-ref-117)
118. .بقره(2) ،آیه 261 [↑](#footnote-ref-118)
119. . محمد مهدی نراقی، جامع السعادات،ج2، ، بیروت : دارالاندس ، 1431 ق ، ص352 [↑](#footnote-ref-119)
120. . محسن قرائتی ،تفسیر نور،،چاپ پنجم،مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، 1389 [↑](#footnote-ref-120)
121. .ترجمه نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، 1380،ص658،حکمت 138 [↑](#footnote-ref-121)
122. .سوره صف (61)، آیه 10 [↑](#footnote-ref-122)
123. .محمد دشتی، نهج الحیاة، فرهنگ سخنان امام حسین (ع) ،چاپ اول، ج 1، قم ، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین ،1377 ص 92 [↑](#footnote-ref-123)
124. .جواد بیک محمدی، همان ، ص 37 [↑](#footnote-ref-124)
125. .سوره مائده ( 5) ،آیه 2، یکدیگر را در نیکوکارى و تقواپیشگى یارى دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید [↑](#footnote-ref-125)
126. .علی اصغر هادوی نیا، همان،ص48 [↑](#footnote-ref-126)
127. .روح الله موسوی الخمینی ، تحریر الوسیله ،مترجم علی اسلامی،انتشارات اسلامی ،ج 2، ص 635 [↑](#footnote-ref-127)
128. . علی اصغر هادوی نیا،همان ، ص50-52 [↑](#footnote-ref-128)
129. .محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه،ص 1017،ح5222 [↑](#footnote-ref-129)
130. . خسرو تقدسی نیا، هفت سنبله ، ص212 [↑](#footnote-ref-130)
131. .سوره نجم (53)آیه 39 [↑](#footnote-ref-131)
132. . عبدالله جوادی آملی،مفاتیح الحیاة، چاپ اول، اسراء،1391 ،ص87 [↑](#footnote-ref-132)
133. . عزت نیک یار، نظام توزیع ثروت در قرآن، چاپ اول،نشر هاجر،1396، ص104 -105 [↑](#footnote-ref-133)
134. . علی اصغر هادوی نیا،همان ،ص28 [↑](#footnote-ref-134)
135. . جواد بیک محمدی، قرض وقرض الحسنه « جایگاه آن در قرآن ، حدیث و فرهنگ جاری جامعه»، ص53-54 [↑](#footnote-ref-135)
136. .عبداله جوادی آملی،نسبت دین و دنیا ،چاپ اول ، قم ، مرکز نشر اسراء، 1381، ص 246 [↑](#footnote-ref-136)
137. 1. سوره حشر (59)آیه 7 [↑](#footnote-ref-137)
138. . عبداله جوادی آملی،همان ،ص 246 [↑](#footnote-ref-138)
139. . عزت نیک یار، نظام توزیع ثروت در قرآن، چاپ اول، قم، نشر هاجر، 1396،ص 43 [↑](#footnote-ref-139)
140. .جواد ایروانی ،فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی،ج2، چاپ اول،مشهد،دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1387 [↑](#footnote-ref-140)
141. .سعید فراهانی فرد،نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام،چاپ اول، بی جا ، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر ،1378،ص64-65 [↑](#footnote-ref-141)
142. .محمد رحمتی شهرضا، گنجینه معارف، ،ص 498 [↑](#footnote-ref-142)
143. . .علی اصغر هادوی نیا،قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن،چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، بی جا ،1378، ص83 [↑](#footnote-ref-143)
144. .جواد بیک محمدی، قرض وقرض الحسنه : جایگاه آن در قرآن ، حدیث و فرهنگ جاری جامعه، ،ص51 [↑](#footnote-ref-144)
145. .علی اصغر هادوی نیا،قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن،چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ،1378،ص 93 [↑](#footnote-ref-145)
146. .سید مرتضی حسینی اصفهانی،اسلام و راهکار فاصله طبقاتی، چاپ اول، انتشارات فرهنگ قرآن ، قم،1380، ص132 [↑](#footnote-ref-146)
147. .همان ،ص92 [↑](#footnote-ref-147)
148. .علی اصغر هادوی نیا، نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی ،سال اول ،شماره 2، 1395، ص 188،پایگاه مجلات تخصصی نور [↑](#footnote-ref-148)
149. . آیات و روایات در کلیات تحقیق بیان شده است. [↑](#footnote-ref-149)
150. . ناصر مکارم شیرازی،ربا و بانکداری اسلامی ، چاپ اول ، قم ، مدرسه الامام علی بن ابیطالب،1376،ص 127 [↑](#footnote-ref-150)
151. .گزیده ای از پژوهش مرتضی نظری ، وام ذخیره ماندگار ،فصلنامه علمی کاربردی قرض الحسنه ، شماره 59 ،1390، ص25 [↑](#footnote-ref-151)
152. 1. علی نهاوندی ، فرهنگ خدمت رسانی ، چاپ اول ، انتشارات آستان قدس رضوی -1382،ص221 [↑](#footnote-ref-152)
153. .نهج الفصاحه ،ترجمه محسن شیرمحمدی،چاپ اول،سایه گستر،قزوین،1386،ص 323،ح2168 [↑](#footnote-ref-153)
154. .علی محمد احمدي،حسن محمدغفاري،رضا وفایی یگانه، بررسي تأثير قرض‌الحسنه بر توزيع درآمد، برگرفته از سایت دانشگاه فردوسی مشهد [↑](#footnote-ref-154)
155. .سوره ذاریات( 51)آیه 19 [↑](#footnote-ref-155)
156. . سید مرتضی حسینی اصفهانی،اسلام و راهکار فاصله طبقاتی،ص41 [↑](#footnote-ref-156)
157. .محمد باقر صدر ، اقتصاد ما ، ترجمه محمد کاظم موسوی، ج اول، چاپ اول ، انتشارات برهان ، 1350، ص 455 [↑](#footnote-ref-157)
158. . .جواد بیک محمدی، قرض وقرض الحسنه : جایگاه آن در قرآن ، حدیث و فرهنگ جاری جامعه، ص53 [↑](#footnote-ref-158)
159. .سوره توبه ( 9) آیه 103، «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن [پاک](http://wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%A7%DA%A9) و پاکیزه شان سازی و برایشان [دعا](http://wikifeqh.ir/%D8%AF%D8%B9%D8%A7) کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و [خدا](http://wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7) شنوای داناست» [↑](#footnote-ref-159)
160. . نهج البلاغه ، مترجم محمد دشتی،چاپ اول،اوج علم، تهران، 1380،ص 718،حکمت 372 [↑](#footnote-ref-160)
161. .محسن قرائتی ، خمس و زکات، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ ششم ، تهران ، 1387،ص 95 [↑](#footnote-ref-161)
162. .«حَصِّنُوا أموالَکُم بِالزَّکاة» نهج البلاغه ،ترجمه دشتی، ص 658، حکمت 146 [↑](#footnote-ref-162)
163. . جواد ایروانی ،همان ص281 [↑](#footnote-ref-163)
164. .محمد بن مکرم،ابن منظور،لسان العرب،قم،ادب الحوزه،1405،ج6،ص70 [↑](#footnote-ref-164)
165. .فخرالدین الطریحی ،مجمع البحرین،محقق سید احمد حسینی ،تهران ،مرتضوی ،چاپ سوم 1375،ج4،ص 66 [↑](#footnote-ref-165)
166. . روح الله ،الموسوی الخمینی،تحریر الوسیله،ج2،ص79 [↑](#footnote-ref-166)
167. . سوره انفال (8) ، آیه 41، «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْء فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبى وَ الْیَتامى وَ الْمَساکینِ وَ ابْنِ السَّبیلِ إِنْ کُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللّهِ وَ ما أَنْزَلْنا عَلى عَبْدِنا یَوْمَ الْفُرْقانِ یَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ وَ اللّهُ عَلى کُلِّ شَیْء قَدیرٌ» [↑](#footnote-ref-167)
168. .سوره بقره(2) ، آیه 233 [↑](#footnote-ref-168)
169. . روح الله ،الموسوی الخمینی،تحریر الوسیله،ج2،ص313 [↑](#footnote-ref-169)
170. .سوره نساء (4) آیه 11 [↑](#footnote-ref-170)
171. .جایگاه ارث در قرآن ، برگرفته از سایت جهاد دانشگاهی [↑](#footnote-ref-171)
172. . آیات 275،276،278،279 سوره بقره و آیات 131 و 130 سوره آل عمران و آیه 160 سوره نساء [↑](#footnote-ref-172)
173. .سوره بقره (2) آیه 275 [↑](#footnote-ref-173)
174. . وام ذخیره ماندگار، فصلنامه علمی کاربردی قرض الحسنه، شماره 60 بهار 91 [↑](#footnote-ref-174)
175. . روح الله الموسوی الخمینی،ترجمه تحریرالوسیله،جلد دوم، مترجم علی اسلامی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین ،ص 423 [↑](#footnote-ref-175)
176. . آیات :275 و 276 ،278 ،279 سوره بقره،و 130و 131 سوره آل عمران و آیه 160 سوره نساء [↑](#footnote-ref-176)
177. .ناصر مکارم شیرازی،ربا و بانکداری اسلامی، چاپ اول ، مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع، ، 1376، ص 10 [↑](#footnote-ref-177)
178. . حكيمى، محمدرضا و حكيمى، محمد و حكيمى، على، الحياة / ترجمه احمد آرام - تهران، چاپ: اول، 1380 ج .4 ،ص461 [↑](#footnote-ref-178)
179. .احتکار در منظر قرآن .سایت جهاد دانشگاهی، خبرگزاری بین المللی قرآن [↑](#footnote-ref-179)
180. . سوره توبه (9)آیه 34 [↑](#footnote-ref-180)
181. .محمد محمدی ری شهری،منتخب میزان الحکمه،مترجم حمیدرضا شیخی، قم : دارالحدیث، 1429 ق، 1387، ص365،ح 1690 [↑](#footnote-ref-181)
182. .عبداله جوادی آملی ،مفاتیح الحیاة ، چاپ یازدهم، قم : اسراء،1391 [↑](#footnote-ref-182)
183. . سوره فرقان (25) آیه 67 « کسانی که چون خرج کنند نه اسراف کنند و نه خسّت ورزند ، و میان این دو حالتی میانه ومعتدل باشد.» [↑](#footnote-ref-183)
184. . محمدرضا حکیمی،محمد حکیمی،علی حکیمی، الحیاة، ترجمه احمد آرام،ج 4،چاپ هفتم،قم،دلیل ما،1385،ص 310 [↑](#footnote-ref-184)
185. . «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ وَ الأَنْصابُ وَ الأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ، اِنَّما یُریدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ فِی الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ وَ یَصُدَّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ وَ عَنِ الصَّلاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» مائده (5) آیه 90 و91 [↑](#footnote-ref-185)
186. .جواد بیک محمدی ، قرض و قرض الحسنه ، ص43 [↑](#footnote-ref-186)
187. . حر عاملی،وسایل الشیعه، ج 13،ص 88،ح 55 [↑](#footnote-ref-187)
188. . وسایل الشیعه ،ج 9،ص 175 [↑](#footnote-ref-188)
189. .محمد باقر مجلسی،بحارالانوار،ج75،ص44 [↑](#footnote-ref-189)
190. .محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص 1270،ح 6364 [↑](#footnote-ref-190)
191. .جواد بیک محمدی،همان ص 14،علی اصغر هادوی نیا ،همان ، ص45 [↑](#footnote-ref-191)
192. .نهج الفصاحه،سخنان گهربار پیامبر اعظم،مترجم محسن شیرمحمدی،ص 321،ح 2159 [↑](#footnote-ref-192)
193. . [مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۹، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق](http://lib.eshia.ir/11008/103/139/%D8%A7%D9%82%D8%B1%D8%B6)   [↑](#footnote-ref-193)
194. . محمد بن یعقوب کلینی ،کافى ، محقق علی اکبر غفاری ،ج4، تهران : دارالکتب الاسلامیه ،1407 ق ،ص10 [↑](#footnote-ref-194)